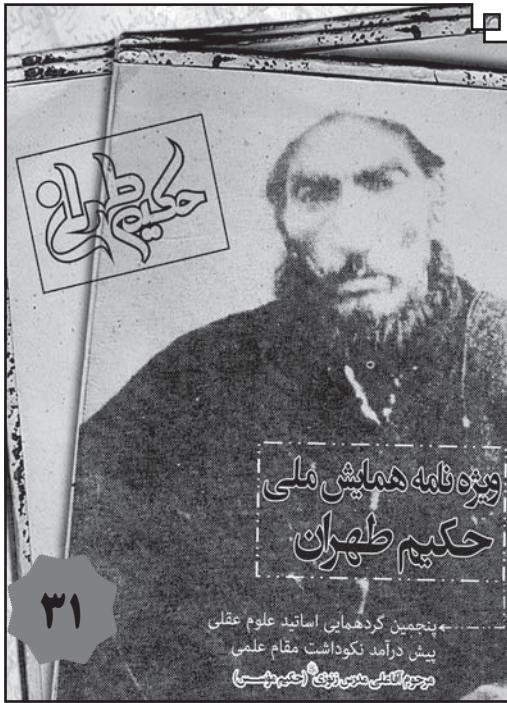




الله اکبر
الحمد لله رب العالمین
الحمد لله رب العالمین



سال هشتم - شماره بیست و پنجم
خرداد و تیر ۱۳۹۲



سخن نخست

محمدباقر خراسانی

در خصوصیات استادی این علم علی چند نکته جائز اهمیت است:



گزارش تفصیلی ششست علمی



بررسی حوزه حکمی و حکماء تهران

در بیانات آیت الله سید حسن سعادت مصطفوی

مقدمه
سم الله الرحمن الرحيم و به استعفین الحمد لله رب العالمین و سلّم الله على محمد و اهل بيته الابرارين و الطاهرين الدهناء لهم بپیش و علیهم السلام

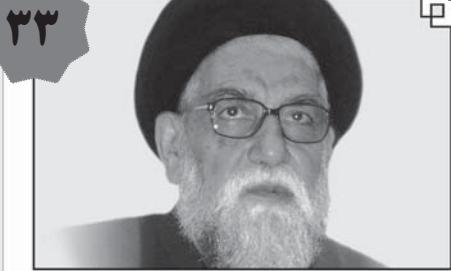
آیات و اوراق غیر طبق فرموده مسیو رام ایرانی من فرمودند که شاید خوب باشد از ها من نیاشد و دوست ایشی غریبی که اسانید بود هشتاد هفتم در این دوره رسالت سیگنیتی داریم و یعنی عالیون مختلف با اسلام فلسفی نیز گذشتند و می‌گردند در عالی که کافلۀ علماء ما در مقدمه به این کار دریگردی کردند و این بیانات ایشان است که قلمرو اراده دین می‌داند و از این اراده از علیه افسوس است اکنون قلمرو دانش باشند، سکاتات علمی در این راه بگیرند باشند

با وجود اینکه صفات افایهات هنایت را این داشتند این مسائل فلسفی که داشتند همه در این دوره رسالت این پنجمین جوانی های ما باید توجه بینند که این ناشاند با به چیزی مترقبه به مبارزه مشغول دنی برکشند که قرآن را اقول در داره سلام قرآن می‌توانند جوان

۴۰



۳۳



زندگی نامه حضرت آیت الله
سید حسن سعادت مصطفوی

به قلم خود

۴۵



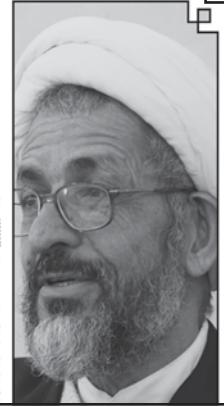
معرفی حکماء حوزه فلسفی تهران (۱)

{ حکیم آقامحمد رضا قمشه‌ای }

بیانات آیت الله فیاضی

(رئاست محترم هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی)
در پنجمین گردهمایی اساتید
علوم عقلی مجمع عالی

۳۶



۵۰

محورهای فراخوان مقاله همایش ملی حکیم طهران

الف) شخصیت‌شناسی حکیم طهران

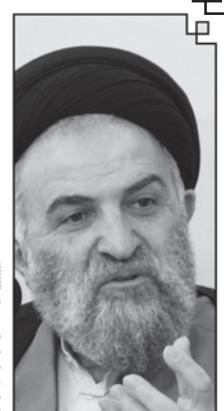
شخصیت ملی

- (۱) ابعاد و پایه‌های فرهنگی - اجتماعی حوزه حکمی
- (۲) زیست‌نامه، اسانید و شاگردان حکیم طهران
- (۳) تهران
- (۴) اداء عملی و اثبات خودرویی‌های علمی اکادمی مدرس
- (۵) تحقیق
- (۶) تکلیف از تاریخی گفکرین اسلامی و اسلامی
- (۷) غرب در حکمی طهران و پیشنهاد ایشان
- (۸) اندیشه‌روشنگری اسلامی
- (۹) نظر آنکه طلبی خودروی در دور ۱۷ و ۱۸
- (۱۰) استادیت علمی مهندس روحانی
- (۱۱) خوشی بزمی و همایش روحانی
- (۱۲) اکادمی مدرس اسلام پایه‌بر
- (۱۳) نظر نایاب از حکمی طهران
- (۱۴) اسنادی طبق دوم حوزه تهران شیوه دادنی خودروی

خصوصیات علمی و اخلاقی آیت الله مصطفوی

(از شاکران آیت الله مصطفوی
و عضو بنیان مؤسس مجمع عالی)

۳۸



خصوصیات علمی و اخلاقی آیت الله

مصطفوی

(دامات بر کائنه)

در بیانات آیت الله غروی

(از شاکران آیت الله مصطفوی)

و عضو بنیان مؤسس مجمع عالی)

پس الله الرحمن الرحيم سلام عليکو و سلام الله

الحمد لله رب العالمين و سلّم الله على نبینا و

ابن نبیه و اهلی نبیه و اهلی نبیه و اهلی نبیه

علی الاطمینان الرحیم الحمد لله الذي هدا لنا ما نک

لتهدی به لازم داشت

خرط معلم عرض می‌کنم خدمت سوزران مکرمه

بزرگواری که عدایت فرمودند و خود می‌کردند

محلی بارگردان و خلا را بسیار گرامی برگردان

دوره هایات معلم و مدرسی کام برگردان

دیگر که هیئت بیرون مختاران شرف داشت

و رضایت فدویان را که درین ایام فرمودند امیر

□ آدرس:
قم / خ ۱۹ دی (باجک) / کوچه ۱ /
فرعی اول سمت چپ / پلاک ۵

□ تلفن:
۰۳۰۰۹۹۰۰۹۱۳۸۴

□ پیام کوتاه:
۴۴۵۴-۳۷۱۸۵

□ صندوق پستی:
۰۲۵-۳۷۷۲۱۰۰۴

□ نمبر:
۰۲۵-۳۷۷۵۷۶۱۰-۱۱

سخن نخست

محمدباقر خراسانی

مدیر اجرایی مجمع عالی
حکمت اسلامی

گردهمایی استادی علوم عقلی؛ اهداف، برنامه‌ها و بایسته‌ها

هشتم خرداد ۹۲ شاهد برگزاری پنجمین گردهمایی استادی علوم عقلی از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی بودیم که بحمدالله با برنامه ریزی و شکوه خاصی برگزار شد.

گردهمایی استادی علوم عقلی که از سال ۸۸ آغاز شده، از جمله برنامه‌های جدی و مورد توجه مجمع عالی حکمت اسلامی است که هدف از آن شناسایی، همگرایی، تبادل اطلاعات، بیان نقطه نظرات، بررسی نقاط قوت و ضعف، تعامل استادی پیشکسوت حوزه حکمت اسلامی بالاستادی جوان، معرفی الگوهای برتر و ... می‌باشد.

اجلال از مقام علمی پیشکسوتان و فرهیختگان حوزه حکمت اسلامی که مجاهدت‌های فراوانی را در راه گسترش علوم و پژوهش شناگردان مصروف نموده‌اند، نیز در هر گردهمایی مورد تأکید قرار گرفته است. گرچه شأن علمی این استادی بزرگوار اجل از این برنامه‌های است و سلوک و منش اخلاقی آنها نیز هرگز در بی این گونه مراسم‌ها نبوده و نیست و اگرچه این استادی بزرگوار از برگزاری این مراسم و اجلال‌ها امتناع دارند که تاکنون نیز چنین بوده و بسیار اتفاق افتاده که در جلسات قبل از گردهمایی، زمانی که خدمت استادی معظم بوده‌ایم و صحبت از نکوداشت، اجلال و ... مطرح گردیده با اکراه فراوان به آن توجه نموده‌اند، و بودن استادی که با شنیدن این الفاظ به گریه افتادند و برگزاری این برنامه‌ها را ابتهاج دنیوی دانسته که بسیار از آن گریزان بوده‌اند، اما ادب اقتضا می‌کند که در راستای اجلال از این اساطین بزرگوار حکمت اسلامی همت به خرج دهیم و در معرفی آنان به استادی، طلاب و پژوهشگران جوان دریغ نورزیم.

به لطف خداوند متعال و توجهات خاص حضرت ولی عصر(عج) تلاش بر این بوده آنچه تاکنون صورت گرفته، در شأن استادی معظم باشد.

در خصوص بایسته‌های گردهمایی استادی علوم عقلی چند نکته حائز اهمیت است:

۱. اصل برگزاری این گردهمایی بسیار مفید و در خور توجه است. باید تلاش شود تا استادی بر جسته و سطوح عالی علوم عقلی شناسایی و برای شرکت در این برنامه دعوت شوند. اطلاع رسانی به موقع، بیان اهداف و برنامه‌ها، برنامه ریزی مناسب و ... کمک خواهد کرد تا استادی علوم عقلی با انگیزه بیشتری در این مراسم شرکت نمایند.

۲. استادی بزرگوار علوم عقلی، مجمع عالی حکمت اسلامی و این گردهمایی را از خود دانسته و با حضور مؤثر و پرنقش خود بر انسجام بخشی و همگرایی بیشتر استادی علوم عقلی بیفزایند، چرا که با اتحاد و یکپارچگی خواهند توانست حکمت اسلامی را با ظرفیت‌های فراوان در عرصه‌های داخلی و خارجی معرفی نمایند، و با انسجام و برنامه ریزی خواهند توانست در کار حلم و متنant و استعانت از داشته‌های فراوان علمی، بر مخالفان فلسفه و فیلسوفان اسلامی به تفوق برسند.

۳. مجمع عالی حکمت اسلامی نیز باید با هدف گذاری مناسب برای گردهمایی از برگزاری برنامه‌های کلیشه‌ای و کم‌بهره جداً جلوگیری نماید. اتخاذ راهکاری مناسب جهت حمایت‌های مادی و معنوی از استادی محترم، سهم مناسبی در هم افزایی تشکل قوی و منسجم استادی علوم عقلی خواهد داشت، بسیار مناسب است، پس از هر برنامه، نسبت به نقاط قوت و ضعف آن بررسی‌های لازم صورت گیرد و در برنامه‌های سال‌های آتی مدد نظر قرار گیرد.

۴. برگزاری برنامه‌ای تحت عنوان «نشان علمی حکمت اسلامی» از اقدامات مفیدی خواهد بود که می‌بایست از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی صورت گیرد که بحمدالله طرح اولیه آن آماده شده که حرکتی در راستای تجلیل از فعالیت‌های علمی و ادبی در حوزه حکمت اسلامی خواهد بود که البته با رویکرد بین المللی صورت خواهد گرفت. گرچه توضیح بیشتر در این خصوص به آینده موكول خواهد شد. ان شاء الله ■

اشاره:

میزگرد علمی
«هوش مصنوعی از دیدگاه فلسفه» در تاریخ ۹۱/۱۲/۲۴ از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی در سالن اجتماعات این مجمع برگزار گردید.

در این میزگرد علمی اساتید محترم آیت الله سید محمد غروی، عباس زاده جهرمی و حجت الاسلام والملیمین دکتر شهریاری و حجت الاسلام والملیمین دکتر عباس زاده جهرمی به عنوان کاشناس حضور داشتند. ضمن اینکه آقای دکتر مینایی دبیر علمی این میزگرد را برعهده داشتند.

**گزارش تفصیلی نشست علمی****هوش مصنوعی از دیدگاه فلسفه****معرفی کارشناسان نشست**

دکتر مینایی: بسم الله الرحمن الرحيم. با تشکر از مجمع عالی حکمت که فرصت مناسبی را برای بحث درباره رابطه ذهن و هوش مصنوعی یا شناخت و هوش مصنوعی و هوش مصنوعی از دیدگاه فلسفه که موضوعی زیر بنایی است را فراهم کردند. کارشناسان این نشست آیت الله سید محمد غروی، دکتر شهریاری و آقای عباس زاده جهرمی هستند. دکتر شهریاری، دبیر شورای عالی اطلاع رسانی و معاون فناوری اطلاعات قوه قضائیه و عضو شورای عالی فضای مجازی کشور هستند. آقای عباس زاده جهرمی نیز ارشد فلسفه از دانشگاه قم را دارند و کتاب مقایسه ای تطبیقی را درباره ذهن و هوش مصنوعی تدوین کرده اند و دکتری را هم در همین زمینه در حوزه نفس و نظریه جسمانیّة الحدوث فلسفی صدرایی ادامه می دهند و خودشان مطرح خواهند کرد. بنده ۱۷ سال دروس حوزوی را خوانده ام و در کنار آن، ریاضی کاربردی در کامپیوتر، مهندسی نرم افزار و سیستم های خبره و در دانشگاه میشیگان، هوش مصنوعی و شاخه ای از هوش مصنوعی که داده کاوی است را خوانده ام، لذا آشنایی لازم به مباحثت وجود دارد. بحث امروز چیستی هوش مصنوعی و تعریف آن است و اینکه آیا می توان ماشینی ساخت که هوشمندانه عمل کند و هوشمندانه به چه معنا است، بعد روایت ضعیف و قوی آن، و در هر دو روایت امکان پذیری و پیاده سازی هوش مصنوعی در شاخه های مختلف، بحث می شود. سپس نظریه هایی که بر ضد هوش مصنوعی است و برای همین که هوش مصنوعی را از جهت شناخت و فلسفه شناخت و فلسفه انکار می کنند تبیین و بررسی می شود به ویژه اینکه از دیدگاه فلسفه اسلامی آیا هوش می تواند در جایگاه دیگری غیر از انسان محقق شود و نفس یا قوای نفسانی تحقق پیدا کند؟ آیا آنچه را که به ذهن و کار کرده ای

گرفتم. پایان نامه ام قوای انسان و ارتباط آن با نفس بود که به موضوع انسان شناسی می پردازد. در سطح ۴ حوزه نیز مقایسه تطبیقی ذهن انسان و هوش مصنوعی را کار کردم. موضوع پایان نامه دکتری هم، پیامدهای جسمانیه الحدوث و حرکت جوهري نفس است که در دانشگاه قم مشغول هستم. عضو هیئت علمی دانشگاه جهرم نیز هستم.

دکتر مینایی: چون شاگرد آیت الله غروی هستید معرفی هم از ایشان داشته باشید.

دکتر عباس زاده جهرمی: آیت الله غروی در حوزه روان شناسی و علم النفس کارهای شایسته ای را انجام داده اند و کلاس فلسفه، فقه و درس خارج دارند. در حوزه و فلسفه هم بیشتر در موضوع علم النفس از ایشان استفاده کردم. ایشان استاد راهنمای بنده در پایان نامه سطح چهار بودند. چون ایشان روان شناسی هم کار کرده اند بخشی از هوش مصنوعی به مباحث روان شناسی هم می پردازد. خود ایشان عنوان ذهن و هوش مصنوعی را برای سطح چهار پیشنهاد دادند.

■ تست توپینگ

دکتر مینایی: در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی دو پایان نامه درباره رابطه نفس و هوش مصنوعی و در دانشگاه قم نیز بیش از سه پایان نامه در حال تدوین و ارائه هست. قدم بسیار مبارکی در این زمینه است. به ویژه مباحث پیچیده ای که ممکن است ارتباط با هوش مصنوعی به معانی خاص آن با فلسفه صدرايی با وجود نفس برای ماشین مطرح شود. از زمانی که کامپیوتر به وجود آمد؛ یعنی در سال ۱۹۴۶ میلادی که «فون نویمن» توانست از جهان بیت و بایت و دنیای صفر و یک، یک سری عملیات ریاضی را پیاده سازی کند و عملیات ریاضی توسط ماشین با سرعت بالایی اجرا شود. گرچه کامپیوتراهای آن زمان بسیار حجمی و با مصرف برق و انرژی بسیار زیاد بود؛ ولیکن از سال ۱۹۵۰، «آن توپینگ»^۲ ایده هوش مصنوعی را مطرح کرد و تست معروفی را به نام توپینگ و آزمایش توپینگ معرفی کرد که آیا این ماشین هایی که آقای نویمن به وجود آورد و اسم آن را کامپیوتر گذاشته بود، می تواند جای انسان را بگیرد و مثل انسان عمل کند؟ آیا می تواند روند هوشمندانه و متفکرانه ای در کار خودش داشته باشد؟ رایانه در بعضی تعابیر، کمک یار (assistant) برای انسان مطرح می شد. آقای توپینگ می گفت که اگر در یک طرف دیوار باشید و با طرف دیگر،

ذهن نسبت می دهیم علاوه بر آن چیزی که قوای مختلف که در نفس ما هست از شهدو، احساس، خلاقیت، خودآموزی می تواند برای ماشین هم تحقق پیدا کند؟ کارشناسان محترم ابتدا معرفی کوچکی از خودشان داشته باشند و بعد، بحث را شروع می کنیم.

دکتر شهریاری: بسم الله الرحمن الرحيم. حمید شهریاری هستم. در سال ۱۳۸۲ دکترای فلسفه تطبیقی را از دانشگاه قم گرفتم. یک سال مدعو دانشگاه منچستر بودم در باب نوشتن رساله در حوزه فلسفه اخلاق درباره «السدیر مکاینتایر»^۱ که نوعی ارسطوگرایی را در حوزه فلسفه ارزش ها ترویج می کند. کتابی در این زمینه با عنوان «فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مکاینتایر» نوشته شده است که در سال ۸۵ به چاپ رسیده و در همان سال، کتاب سال فلسفه غرب جمهوری اسلامی شد. در حوزه فلسفه تطبیقی مطالعاتی دارم؛ منتهی رشته تخصصی ام فلسفه اخلاق است و به اقتضای رشته تحصیلی ام دوره هایی را در مورد فلسفه نفس و فلسفه ذهن گذرانده ام. از این جهت اینجا دعوت شدم که آشنایی کاملی با کارکردهای رایانه دارم؛ حدود ۱۷ سال است که در حوزه مدیریت فضای رایانه ای کشور حضور دارم و مدیر مرکز تحقیقات علوم کامپیوترا اسلامی هستم و با کامپیوترا و کارکردهای آن به خوبی آشنا هستم. به طور متوسط هر دو سال یک بار در نمایشگاه خارج از کشور حضور داشتم و می دانم این حوزه چه پیشرفت هایی دارد و ما چگونه می توانیم از این پیشرفت ها استفاده کنیم. امیدوارم آنچه را در این نمایشگاهها مشاهده کردم و تجارب کاری بند، کمکی برای بحث های فلسفی باشد.

اخیراً بحثی را به نام فقه فن آوری های نوین در حوزه شروع کردم که مباحث مربوط به حلال و حرام فن آوری را بحث می کنیم. آخرین بحث درباره حرمت مکالمه تصویری بوده است و الان هم پنج شنبه ها ساعت ۸-۹ صبح در سالن نمازخانه مرکز تحقیقات کامپیوترا علوم اسلامی برقرار است.

دکتر مینایی: در خدمت آقای عباس زاده جهرمی هستیم که خودشان را معرفی کند.

دکتر عباس زاده جهرمی: بسم الله الرحمن الرحيم. لیسانس کامپیوترا را از دانشگاه امیرکبیر گرفتم و بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. به دلیل علاقه به مباحث انسان شناسی، فلسفه و مباحث علم النفس فلسفه را در کنار بقیه مباحث حوزه علمیه ادامه دادم. کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم را

فانی رفتند. اما این مسئله مطرح شد که مینسکی از این گروه جدا شد و به دانشگاه استنوفورد آمریکا رفت که ما کاری به انسانیت نداریم ما می خواهیم فرآیند تفکر و ذهن و آنچه را که در ذهن اتفاق می افتد را پیاده سازی کنیم. روند استدلال، دو زبان، روندی را که منطق دارد و استدلال را شکل می دهد، پیاده سازی کرد. غیر از این دو، بحث تفکر گرایی، رفتند به سمت شبیه سازی ذهن یا شبیه سازی انسان و رفتارهای انسانی و نیز حوزه عملکرد یا حوزه تفکر، دو حوزه جداگانه ای است که از ترکیبیشان حوزه هوش مصنوعی به روایت قوی یا هوش مصنوعی به روایت ضعیف به وجود می آید که دوستان ما در اینجا توضیح خواهند داد.

پس از ایده تست تورینگ، مباحثت بسیار زیادی بین کسانی که مخالف هوش مصنوعی بودند و کسانی که موافق بودند شده است و گروه بسیار قوی از متفکران انگلیسی و آمریکایی بر ضد هوش مصنوعی هستند. این مسائل بین فلاسفه هم مطرح است. تا کنون در هالیوود از سوی کسانی که در حوزه فلسفه می نویسند چندین فیلم درباره هوش مصنوعی با عنوان «artificial intelligence» ساخته شده است.

حتی فیلم هایی که از هوش مصنوعی به صورت های مختلف، نه با عنوان مستقیم استفاده کرده اند نیز وجود دارند؛ مثل فیلم مرد ۲۰۰ ساله که خاصیت میرا بودن و انعطاف پذیری مانند انسان را در ریات ۲۰۰ ساله ای ترسیم کند که با نوء سازنده اش ازدواج می کند و در آخر هم می میرد. یا سه گانه یا چهار گانه هایی که تحت عنوان «ترمیناتور» ساخته شده است. رباتی که از زمان آینده می آید، خودش را انسان ها قاطی می کند و می خواهد نجات گر نسل انسان ها باشد. یا فیلم هایی که ترکیبی از ربات و انسان را مطرح می کنند و یا حتی ذهن هنرمند هایی مثل ژول ورن که پیش بینی می کرد ما می توانیم کارهایی را در این زمینه بکنیم. آن ها هم ذهن خلاقالانه شان به سمتی می رود که جنگ بین ربات ها و انسان و چیز های دیگری را مطرح می کنند. این مسائل باعث می شود که اندیشمندان حوزه فلسفه اسلامی به مباحث زیر ساختی امکان پذیر بودن بحث هوش به روایتهای مختلف شنیدند تا دیدگاه فلسفه اسلامی در این زمینه واضح شود؛ به ویژه اگر بعد عواطف و مباحث اخلاقی را نیز ضمیمه کنیم.

شخص آقای شهریاری در ابعاد حوزوی به این مسئله ارتباط پیدا خواهند کرد. تمام مباحث هویت و اخلاق در این زمینه جایگاه پیدا می کند. به ویژه الان که دنیای وب سه، بعد از اینکه وب دو مطرح شده بود دنیای مشارکت کاربران با

فقط از طریق سیمی ارتباط داشته باشید و بتوانید با آن طرف دیوار مکالمه کنید آن طرف دیوار ممکن است ماشین یا انسان باشد. اگر در ۱۵ یا ۲۰ دقیقه گفتگو با شخصی که پشت دیوار قرار دارد نتوانید تشخیص بدھید که این شخص ماشین است یا انسان و سؤال و جوابها به شکلی باشد که انسان را فربیض بدھد و انسان نتواند بفهمد که طرفش انسان یا ماشین است و گمان کند که انسان است در این صورت می توانیم به ایده پیاده سازی هوش مصنوعی برسیم. دو پیش فرض در تست تورینگ وجود داشت: یکی، معنای هوش واقعی در انسان پیاده شده و مظاهر هوش و هوشمندی و توانایی خلاقانه انسان است. دوم، از طریق درک زبان طبیعی و پردازش زبان طبیعی که اصطلاحاً natural language process می گویند. اگر ماشین و کامپیوتر توانایی این پردازش را داشته باشد و بتواند با انسان به شکل مکالمه طبیعی گفتگو داشته باشد و حتی سؤال های احساسی و عاطفی او را جواب بدهد، از احوال پرسی عادی تا سؤال های هوشمندانه ای که در بحث question answering پرسش و پاسخ ها به وجود بیاید، آنگاه هوشمند است.

سه سال بعد از اینکه ماشین تورینگ مطرح شد، آقای مینسکی در دانشگاه M.I.T آمریکا سیستمی به نام الیزا را به وجود آورد که الان هم اگر به سایتها دانشگاه M.I.T مراجعه کنیم این وجود دارد و می توانید با آن گفتگو کنید؛ گرچه سیستم الیزا و چند سیستم دیگری که بعداً به وجود آمد موفق نبودند. بعد از چند سؤال سنجین می فهمیم که این ماشین نمی تواند پاسخ گو باشد. عده ای مثل مینسکی در دانشگاه M.I.T رویکرد عصب شناختی (nerveologists) داشتند و خواستند مغز را کاملاً شیشه سازی کنند و هدفشان این بود که ما می توانیم شبیه مغز انسان را که شبکه عصبی گستردگی ای است و محیط را دریافت می کند Sense می کند و براساس آن تصمیم گیری می کند به وجود آوریم. الان هم معتقدند که ما می توانیم مثل انسان را خلق کنیم.

عده ای دیگر مثل آقای «مک کارتی» و «دنیس ریچی» که خالق زبان سی بود و بزرگترین کسی بود که سیستم عامل لینوکس را به وجود آوردن. این دو در سال ۲۰۱۲ از دنیا رفته اند. سال بسیار بدمی برای عالمان هوش مصنوعی و کامپیوتر بود. چون بنیان گزارهای اصلی این ایده ها به دار

3. John mccarthy

4. Dennis Ritchie

- دکتر مینایی:
- ما در بحث
- هوش مصنوعی
- از دیدگاه
- فلسفه به
- بررسی
- عمیق تری
- نیاز داریم
- که ایا نفس
- برای ماشین
- و برای جسم
- در اثر تکامل
- خودش با فراهم
- کردن شرایط
- امکان پذیر
- خواهد بود یا
- نه؟



های انسان که می‌خواهد به علم حصولی و حیطه وجودی انسان پردازد در بین قدمای کمتر به این عنوان مطرح شده است. این واژه معادل کلمه mind و خاستگاهش غرب بوده است. گرچه ما در فلسفه، قوای انسان را داشتاییم و درباره آن بحث شده است؛ اما عنوان ذهن بیشتر از غرب و فلسفه آنان وارد مباحث فلسفی ما می‌شود. در پاسخ به اینکه علم حصولی چگونه برای ما محقق می‌شود این را با عنوانی مثل ذهن مطرح می‌کنیم. اما رابطه این ذهن با نفس چگونه است؟ می‌توان آن را در ذیل همان بحث رابطه قوای انسان با نفس مطرح نمود. از نظریه‌ای که ملاصدرا مطرح می‌کند می‌توانیم الگو بگیریم و به سؤالاتی که درباره رابطه ذهن و بقیه قوا و توانمندی‌های انسان وجود دارد پاسخ دهیم. سعی کردیم این مسئله را در بحث قوای انسان و ارتباط آن با نفس که در مجموعه‌ای چاپ شده است ارائه کنیم.

■ معانی هوشمندی

اصل هوش مصنوعی از این فعالیت ذهن انسان الگو گرفته شده است. چون «هوشمندی» در بین نظریه پردازان رشتۀ هوش مصنوعی معانی مختلفی دارد. گاهی می‌گویند که

کامپیوتر به شکل قوی از سال ۲۰۰۲ مطرح شد، بعد از ۲۰۱۰ به شدت Customize، و سفارشی شدن و شخصی‌سازی کسانی که در محیط وب فعالیت می‌کنند پر رنگ تر شده است. دنیای اطلاعات سنتگین و اینکه هر کسی دستگاهش ارتباطی که با دنیای شبکه اینترنت و میلیاردها نod و گره روبرو است اما براساس علائق این شخص سفارش می‌شود و به صورت هوشمندانه متوجه می‌شوند که در چه حوزه‌ای فعالیت می‌کند و به شکل خاصی جستجویی که من دارم نتایجش با جستجویی که داشجویی رشتۀ ادبیات دارد تفارت داشته و جواب‌های متفاوتی از جانب ماشین به او ارائه خواهد شد و جذابیت‌های دیگری که الان در این زمینه هست. به دنبال ساخت ربات از فوتوبالیست‌های مشهور هستند که بتواند برنده شود و می‌گویند ما می‌توانیم تا بیست سال آینده به این مسئله برسیم و تا کنون هم چند بار پیش رفتند و شکست خورده‌اند، ربات‌های شبیه انسان که در زلزله می‌توانند کمک کنند. بحث انسان را در جایی مطرح کردیم که تورینگ مطرح کرده بود اما از حوزه انسان فراتر می‌روند و شبیه سازی حیوانات را هم مطرح می‌کنند. انواع و اقسام حرکات حیوانات که دنیای غریزی خاصی و هوشمندی متفاوتی در آن‌ها وجود دارد. الگوریتم‌های متفاوتی از آن‌ها استخراج می‌کنند و از حرکت پرندگان، زنبور عسل، مورچه‌ها و نحوه موقیتی که در کارشان وجود دارد الهام می‌گیرند. امروز به بسیاری از الگوریتم‌های هوشمند مصنوعی می‌پردازیم، به ویژه به بحث هوش مصنوعی از دیدگاه فلسفه اسلامی باید برسی عمیق تری داشته باشیم و اینکه آیا نفس برای ماشین و برای جسم در اثر تکامل خودش با فراهم کردن شرایط امکان‌پذیر خواهد بود؟ ابتدا از آقای جهرمی که کتابی در این باره با عنوان «مقایسه تطبیقی ذهن و هوش مصنوعی» دارند می‌خواهیم که در زمینه بحث نفس، قوای نفس، ذهن و قوای آن و ارتباطی که با مسائل هوش دارند، صحبتی داشته باشند.

■ رابطه قوای انسان و نفس

دکتر عباس‌زاده جهرمی: در فلسفه اسلامی برای موجودات زنده، قوایی قایل هستیم که از حیات نباتی شروع می‌کنیم، بعد حیات حیوانی و حیات انسانی. رابطه این قوای که مبدأ افعال انسان هستند با نفس که جوهري است که حقیقت حیات را بر عهده دارد و فعالیت‌های انسان را مدیریت می‌کند چگونه است؟ پاسخ این سوال در مباحث فلاسفه توجه شده است. این سینا نظریه‌ای ارائه کرده و ملاصدرا هم در نظریه ای با عنوان «النفس في وحدتها كل القوى» به طور مفصل به آن پرداخته است. اما ذهن به عنوان بخشی از توانمندی

مصنوعی داشته باشیم؟ هوش مصنوعی به این معنا به ربات نسبت داده می‌شود. طبق این معنا اگر ورودی دستگاه تغییر پیدا کرد، رایانه می‌تواند خودش را تطبیق بدهد و پاسخ مناسبی برای آن پیدا کند. البته هوشمندی در این حوزه هم با معنای قبلی تداخل پیدا می‌کند. این بخشی از چالش‌ها با توجه به هوش مصنوعی و مقایسه آن با انسان است که در مجتمع علمی مطرح می‌شود.

■ چگونگی دست یابی ربات به هوشمندی انسان

متخصصان این فن؛ مثل مک کارتی (پدر هوش مصنوعی) می‌گوید که یک ترمومتر ساده سه باور دارد: باور دارد که اینجا گرم است؛ سرد است؛ معتدل است. چگونه میتوان باور را به همان معنایی که به انسان نسبت دهیم به رایانه نسبت دهیم؟

من با متخصصان این فن زیاد بحث کرده‌ام. عاطفه یکی از موضوعاتی است که می‌گوییم تفاوت انسان با ربات است. آن‌ها عاطفه را به ربات نسبت می‌دهند و به همان معنایی که ما خودمان عاطفه داریم می‌خواهند بگویند عاطفه دارند. بله! اگر عاطفه به معنای بروز فرقاً عاطفی مثل خنده و گریه باشد ممکن است ربات عاطفه داشته باشد. اما آیا هیجان و انبساط درونی که برای وجود انسان حاصل می‌شود برای ربات رخ میدهد؟ در اینجا باید روان‌شناسی تفاوت‌ها را مشخص کند.

در پاسخ به این سؤال که چه زمانی ربات به هوشمندی انسان دست پیدا کرده است و میتواند فکر را پیاده‌سازی کند، تست تورینگ مطرح شد. تورینگ معیاری ارائه می‌کند که اگر زمانی این معیار محقق شود ماشین می‌تواند فکر کند. تورینگ می‌گوید که اگر ماشین پاسخ سوالات را مثل انسان بدهد، میتواند فکر کند.

یک سایت اینترنتی^۵ طراحی شده که هر سؤالی می‌پرسید پاسخی می‌دهد که به آن چه هوشمند می‌گویند که در راستای پیاده‌سازی همین مسئله است. هر سؤالی که بپرسید اگر در بانک اطلاعاتی جوابش را داشته باشد، جواب می‌دهد و اگر نداشته باشد، سعی می‌کند بانک خود را به روز کند تا حقیقت قدرت پاسخ‌گویی را نشان دهد و بتواند تست تورینگ را محقق کند.

اما آیا اگر تست تورینگ جواب مثبت بگیرد، ماشین می‌تواند فکر کند فکری که قوهای از قوای انسان است. یعنی ما در فلسفه اسلامی می‌گوییم توامندی نفس انسانی است که با



معادل توانایی ساختافزار در پردازش اطلاعات است. این پردازش کردن اطلاعات درصد این نیست که مشکلی در حیطه مقایسه آن با هوش انسانی به وجود آورد. گاهی هوشمندی در حوزه نرم افزار مطرح می‌شود. نرم افزار هوشمند به برنامه‌ای می‌گویند که قدرت نظارت بر تولید خود را داشته باشد. این تعریف در هوش مصنوعی مد نظر نیست و چالش مهمی برای مسئله انسان‌شناختی نیست؛ زیرا برنامه‌نویس طوری برنامه را مدیریت و طراحی می‌کند که محیط خودش ناظر باشد.

اما اگر بگویید هوش به معنای توانایی برنامه در شبیه‌سازی فکر انسان است، هوش را به همان معنایی که به انسان نسبت می‌دهیم به برنامه و رایانه نسبت داده‌ایم. درست است که برنامه رایانه از فکر انسان الگو گرفته شده است؛ اما بعدی‌ها که آمدند گفتند که خود این دستگاه فکر دارد؛ یعنی کامپیوتر صاحب بخشی از وجود انسان به معنای هوشمندی شد. این هوش، هوشی نیست که ما در روند طبیعی آن را داشته باشیم؛ بلکه مصنوعی است. وقتی هوشمندی به این معنا شد این سؤال پرنگ می‌شود که آیا می‌توانیم حیات

ایت الله غروی:

در ساخت ربات‌ها، این‌ها ذهن انسان را درست نکردن که فعالیت حیاتی انسان است. هوش مصنوعی و ربات شادی، علم حضوری، آگاهی، احساس‌های عاطفی نسبت به خودش و فعالیت‌های خودش ندارد.

آیا رایانه‌ها هم مثل انسان عاطفه و احساس دارند؟ پاسخ به سؤال سوم اگر مثبت باشد تغیر افراطی از هوش مصنوعی را شکل می‌دهد. پاسخ به سؤال سوم، علاوه بر دانش مهندسی و روان‌شناسی در حوزه تخصصی فلاسفه است. برخی بر اساس روایت قوی گفته‌اند که آدم‌ها باید منتظر باشند و زمانی می‌آید که ربات‌ها قوی می‌شوند و پیشرفت می‌کنند به طوری که آرزو می‌کنیم که ما را به عنوان حیوان خانگی کنار خانه‌شان راه بدهند. برخی چنین تقریری از آینده جهان ترسیم کرده و گفته‌اند که بشر با دستان خودش ماشینی می‌آفریند که تمام ویژگی‌ها و کارکردهای انسان را دارد. چون ماشین است خطا هم نمی‌کند و اگر هم بکند قابل مقایسه با انسان نیست. لذا آهسته آهسته به سمتی می‌رود که یادگیری خودش را افزون کند و بعد چون انسان خطاهایش بیشتر از ماشین است به درجه‌ای می‌رسد که تتفوq ذهنی بر بشر پیدا می‌کند و بر بشر غالب می‌شود. فیلم‌هایی که آقای دکتر اشاره کردندا ناظر بر همین است که ماشین‌ غالباً می‌شود. در بعضی فیلم‌ها اشاره می‌کنند که این ماشین‌ها دو گونه‌اند: ربات‌های خیر و ربات‌های شر. یعنی حتی در ساحت اخلاقی هم ماشین به درجه‌ای می‌رسد که یک ربات خیر داریم که می‌خواهد بشر را زنیستی و نابودی نجات دهد و یک ربات شر داریم که می‌گوید که بشر نوع ضعیف است و بهتر است که نباشد و ما باشیم و بهتر می‌توانیم جهان را اداره کنیم.

آنچه که مطرح شد صورت مسئله در سه ساحت مهندسی، روان‌شناسی و فلسفه بود.

امکان تحقیق نفس و ذهن برای ماشین از دیدگاه فلسفه

دکتر مینائی: در تکمیل صحبت آقای دکتر شهریاری و آقای عباس زاده باید عرض کنم که ربات‌های ساخته شده که در بیمارستان‌های ژاپن شبیه پرستارها عمل می‌کنند یا ربات‌هایی که در کانادا ساخته شده است در زیبایی مثل زیبایی جنس مؤنث است و می‌خواهند کارکرد ازدواج را با یک رابط فراهم کنند. این تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه است. اینکه عاطفه (emotion)، ترس، وجودان و گونه‌های مختلف احساس را شبیه سازی کردن آیا به سمت این پیش می‌رود که این‌ها مانند آنچه که در انسان است در ربات‌ها محقق شود؟ سؤال اساسی از آیت الله غروی درباره دیدگاه قوی هوش مصنوعی است که ایجاد نفس و ذهن را برای کامپیوتر و به ویژه ماشین، عین آن چیزی که در فلسفه

توجه به حیات و رتبه وجودی که بالاتر از حیوانات است قرار می‌گیرد و این را مدیریت می‌کند. اگر به اینجا رسید آن فکر را می‌توانیم برای آن بیاوریم. آقای دکتر شهریاری بحث روایات قوی وضعیف را مطرح کنید.

تقریرهای قوی وضعیف هوش مصنوعی

دکتر شهریاری: ما در این حوزه سه پرسش اصلی داریم. اگر این پرسش‌ها را از هم تقسیم کنیم می‌توانیم بفهمیم که بحثمان به چه حوزه‌ای از دانش مربوط می‌شود و چگونه می‌توانیم به آن پاسخ دهیم و روایات قوی وضعیف هوش مصنوعی هم معلوم می‌شود. پرسش اول این است که آیا رایانه‌ها می‌توانند اعمال هوشمندانه‌ای را انجام دهند؟ اگر کسی به این سؤال پاسخ مثبت دهد به این معنا است که بعضی کارهایی را که انسان‌های هوشمند می‌توانند انجام دهند ماشین‌ها هم می‌توانند انجام دهند و روایت ضعیفی از پاسخ به هوش مصنوعی در اینجا شکل می‌گیرد. این سؤال به حوزه فن‌آوری مربوط است که مهندسان فن آور باید به این سؤال جواب دهند که آیا ماشین می‌تواند کار هوشمندانه انجام دهد؟ که در رشتۀ مهندسی از آن بحث می‌شود.

سؤال دوم این است که اگر فرض کنیم که جواب سؤال اول مثبت است اگر رایانه‌ها و ماشین‌ها بتوانند برخی اعمال هوشمند را انجام دهند آیا به همان طریق، اعمال هوشمندانه را انجام می‌دهند که انسان‌ها انجام می‌دهند؛ یعنی نحوه انجام کارشان با نحوه کار هوشمندانه انسان، یکی است. اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد روایت کمی قوی‌تر از روایت ضعیف شکل می‌گیرد. کسانی می‌توانند به این سؤال پاسخ دهند که در روان‌شناسی مهارت داشته باشند و بتوانند نحوه اعمال هوشمندانه انسان را توصیف کنند از مهندسان کمک بگیرند و نحوه عمل ماشین را توصیف کنند و بعد بگویند که آدم هم این طوری عمل می‌کند و این دیدگاه روان‌شناسی است. در مرحله سوم بگویند که این دو با یکدیگر مسانخت دارند و همسانند.

سؤال سوم که روایت قوی از هوش مصنوعی را ترسیم می‌کند این است که اگر رایانه‌ها اعمال هوشمندانه را به شبیه‌ای که انسان‌ها انجام می‌دهند انجام بدھند آیا این امر مستلزم گزاره دیگری هست؟ گزاره این است: آیا این امر دلالت می‌کند که رایانه‌ها ویژگی‌های ذهنی و روان‌شناسی نظیر انسان دارند؟ یعنی آیا آگاهی، اراده، تفکر و عاطفه دارند؟ مثلاً مازی خوشمان می‌آید و یا بدمان می‌آید و ناراحت می‌شویم

خاصی ریخته و به شکلی به صورت رایانه‌ها و ربات‌ها اعمال کرده به طوری که این فعالیت‌ها از این ماشین به دست می‌آید؛ ولی باید توجه داشته باشیم که بر اساس آنچه را که از خودش فهمیده و درک کرده است – قانونمندی‌ها، فرآیندها و مکانیزم‌ها – توانسته این‌ها را به این صورت از کار درآورد به طوری که دستگاه‌ها همان طور جواب دهد. تا اینجا باید توجه داشته باشیم ماشین، ماشین است. جسم، جسم صناعی و طبیعی است. این طور نیست که حیات ایجاد کرده باشد. الان که از این ربات‌ها و دستگاه‌ها کارهای عجیبی ظاهر می‌شود و انسان خیلی از آن استفاده می‌کند گاهی اوقات کارهای بسیاری از انسان‌ها را به طور صحیح‌تر انجام می‌دهند. بالاترین این‌ها مثل خود حیات نخواهد بود. حیات ایجاد نکرده، دستگاهی ایجاد کرده بر اساس الگوهایی که به خود انسان مربوط است و این‌ها را در این ماشین پیاده کرده به طوری که آن ماشین فعالیت‌های مختلف را دارد. این طور نیست که موجود حیات‌مندی را ایجاد کند که رشد، تغذیه، تکامل، فعالیت‌های فیزیولوژی و فعالیت‌های بیوشیمیابی داشته باشد. به این نکته باید توجه داشت که این کاری که ربات انجام می‌دهد این طور نیست که خودش بتواند به خودش آگاهی پیدا کند و از آگاهی‌های خودش اطلاع پیدا کند. خودش بتواند در مقابل محیط اجتماعی مقاومت کند. بتواند چیزی را اختیار کند که برخلاف آن چیزی است که پیش بینی می‌شده است. جنبه‌های معنوی در جای خودش. الان بحث را در بحث‌های فلسفی صدرالمتألهین نمی‌برم که نفس چیست؟ نفس را در چه عرصه‌هایی مطرح می‌کنم که به انسان که می‌رسد کمالات نفسانی نباتات و حیوانات را دارد و رابطه او با قوای خودش چگونه است. آیا این فعالیتها مربوط به نورون‌ها و این فعل و افعالات فیزیولوژیکی یا بیوشیمیابی است؟ بحث را انجام نمی‌برم؛ البته اگر لازم بود این را هم بیان می‌کنیم. آنچه را که این‌ها در دو عرصه مطرح می‌کنم نمی‌توانند نتیجه عرصه سوم را از آن بگیرند که بگویند پس ما رباتی حیات‌مند درست کردیم و با عاطفه ساختیم. تظاهر عاطفی فرق دارد با اینکه خودش به این ارگانیزم خود میل پیدا کند و خودش حالت لذت و غم را تجربه کند، دغدغه ذهنی اضطراب و حالت‌های معنوی، اخلاقی و ارزش‌های اخلاقی را تجربه کند. اینکه این انسان خودش را در اینجا مذمت کند که چرا کردم، چرا انجام ندادم، تصمیم بگیرد که خودش را اصلاح کند این حرف‌ها در مورد ربات مطرح نیست.

قبل از اینکه بحث‌های فلسفی مشاء و ملاصدرا را مطرح

صدرالایی وجود دارد که نفس جسمانیه الحدوث است ممکن می‌داند. چه بحث حیات در آن مطرح باشد چه نباشد. حتی بحث حیات را الان اینکه DNA و کروموزم‌ها به شکلی قرار بگیرند که مواد اولیه این‌ها تک یاخته‌ای سلولی به شکل خودکار از فراهم شدن محیط شکلی حاصل شود که آن فرآیند تبدیل حیات در نطفه را موجب شود یا مباحث دیگری که در تک یاخته‌های سلولی هست که باکتری‌های سیار ساده اولیه که به وجود می‌آیند و ادامه حیات پیدا می‌کنند که بالفرض هم تحقیق پیدا کند و وجود داشته باشند و ایجاد هم داشته باشند با بحث خداشناسی، توحید و عقاید منافاتی ندارد؛ مثل نظریه حدوث که کسانی که قایل به نظریه حدوث در کلام و فلسفه هستند فکر می‌کنند که اثبات خدا از طریق حادث بودن جهان است، در حالی که اگر جهان از لی بود و حادث نبود نیز جهان ذاتاً فقیر و ممکن است و در حیات، بقاء و در از لی بودنش فقیر و وابسته از لی و ابدی است. آیا در دیدگاه فلسفه از جهت امکان عقلی، امکانش هست که نفس و ذهن برای ماشین تحقیق پیدا کند و فرآیند درک و شناخت نبز چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا درک و شناخت می‌تواند برای ماشین به وجود باید؟

آیت الله غروی: در ارتباط با سؤالی که اشاره فرمودید، فرض کنید که بشر دستگاه‌هایی ساخت که تمام اعمال هوشمندانه را انجام می‌دهد؛ یعنی کشف کرد که مقدار هوشی، فکری، رفتاری و عاطفی انسان چقدر است و چه مکانیزمی بر ارتباط این‌ها حاکم است و دستگاه‌ها را بر اساس این الگو، آن هم با کمک گرفتن از تکنیک‌های مختلف توانستیم بسازیم. این جنبه مهندسی مسئله بود، از جنبه مهندسی آن هم بگذریم و در خود جنبه مهندسی روایت قوی آن را بینیم و بگوییم که مکانیزم دست یابی به این خصوصیات رفتاری، رفتارهای هوشمندانه، کنش‌ها و واکنش‌های عاطفی و حسی، همانند انسان است. با فرض اینکه از این هم بگذریم، بگوییم این روایت متوسط و خاص را پذیرفتیم. در اینجا باید به نکته‌ای توجه داشته باشیم. تا اینجا آنکه مهم است ما راه دوری نزدیم. بشر چه کار کرده است؟ بشر با تکنیک‌های که داشته و برآورد فعالیت و رفتارهای انسان و مکانیزم و قانونمندی که بر این‌ها حاکم بوده بر دستگاه‌ها پیاده کرده است به طوری که دستگاه‌ها – ربات یا غیر ربات – همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهد و همان طور پاسخ می‌دهد. این کار را انسان کرده است. یعنی انسان با تکنیکی که از یک سو به دست آورده و از سوی دیگر، این قانونمندی‌های رفتاری، روان شناختی و ذهنی را به دست آورده این‌ها را در ساختار

تحقیق آن از لحاظ فلسفی هست؟ بحث درباره امکان پذیری فلسفی نفس برای موجودی است که مثلاً فرض کنید با متابولیسم حیاتی شکل پیدا کند. سوال به حیات و صاحب نفس بر می‌گردد. آیا می‌شود در جریان تحول ماده با توجه به فلسفه مشائی، روح و نفس ایجاد شود و ادامه حیات و یادگیری را داشته باشد. اینکه الان تحقق پیدا نکرده به روایت‌های مختلفی شکی در آن نیست. اما آیا امکان پذیر هست؟ از جهت امکان پذیر بودن یا نبودن، جان سرل گفته که مجال است چنین چیزی تحقق پیدا کند. از دیدگاه فلسفه غرب برهان اتفاق چینی و برهان سرل را اشاره کنید و آیا قابل پاسخ دادن هست؟

دکتر عباس زاده جهرمی: تورینگ در تست خود این را مطرح کرد که اگر بخواهیم بگوییم که موجودی تفکر دارد با چه آزمایشی می‌توانیم آن را ثابت کنیم. طبق آزمایش وی، سؤال کننده در پشت پرده سؤالاتی مطرح می‌کند و انسان یا دستگاه به سؤالات او پاسخ می‌دهند اگر سائل نتواند پاسخ مایشین را از پاسخ انسان تفکیک نماید تفکر پیاده‌سازی شده است.

بعد از این تست و طرح آن، موضع گیری‌های مختلفی شد. یکی از انتقادهایی که به این تست شد استدلال اتفاق چینی بود. به این معنا که آیا کامپیوتر می‌تواند زبان چینی را بفهمد؟ اگر برنامه‌هایی برای ترجمه و یافتن پاسخ سؤالات طراحی شده باشد به گونه‌ای که پاسخ سؤالات به زبان چینی را برای ما به دست آورد آیا می‌توان گفت که کامپیوتر زبان چینی را می‌فهمد؟

در واقع سرل با طرح استدلال فوق می‌خواست این را مطرح کند که اگر فهم را درست و کاوی کنیم می‌بینیم فهمیدن برای موجود غیرذی شعور ممکن نیست. این استدلال اتفاق چینی این گونه طراحی شد که فرض کنید که به فردی انگلیسی زبان که با زبان چینی آشنا نیست سه بسته بدید، یک بسته مجموعه حروف و جملات زبان چینی است. یک بسته دستورالعملی است به زبان انگلیسی شامل مجموعه قواعدی که می‌توان از حروف و جملات زبان چینی پاسخ سؤالات را به زبان چینی یافت. دستورالعمل به زبان انگلیسی است و او هم به زبان انگلیسی آشناست، پس می‌تواند این کار را انجام دهد. وقتی مجموعه حروف و سؤالات را دارد و روش به دست آوردن این سؤالات را هم دارد پاسخ را هم به زبان چینی به دست می‌آورد. اما وقتی پاسخ سؤالات را به زبان چینی به دست آورد کی زبان چینی را فهمیده است؟ پس طبق این استدلال می‌توان گفت که کامپیوتر، زبان

کنیم که رابطه نفس و بدن را چگونه بیان می‌کنند و رابطه فعالیت‌های فیزیولوژیکی را با مغز و رابطه نورون‌ها با خود قسمت تجرد نفس چگونه قابل ترسیم است، می‌خواهیم این را عرض کنم مطلب سوم اهمیت دارد که هیچ از آن در نمی‌آید. والا هیچ مهم نیست. بفرمایید بشر کارش به جایی می‌رسد که صحبت سر این است که دقیق‌ترین فعالیت‌های ذهنی، رفتاری، هیجانی، احساسی، عاطفی محاسبات را بدست آورند و بعد دستگاه‌ها را طوری تنظیم می‌کنند که همان مکانیزم روان شناسانه بر این جریان ربات حاکم باشد که آن مرحله دوم است که اشاره فرمودند که هنوز نرسیده‌ام، اما فرض که همه این‌ها حاصل بود آخرش به این جا می‌رسیم که دستگاهی است که انسان با دست قدرت درست کرده است. معنایش این است که انسان به خودش، هوش و آگاهی خودش استیلاه پیدا کرده است. مکانیزم این‌ها را به دست آورده و بعد ابزارهای مختلف از علوم مختلف را به دست آورده، به کار گرفته و ساخته است، دستگاه‌هایی که به بسیاری از این محرک‌ها پاسخ می‌دهد. سخن در این است که آیا احساس لذت جنسی برای او پیش می‌آید. احساس، نه رفتار، رفتار مسئله دیگری است. این نیست.

دکتر مینائی: اینکه مواقع که الان اتفاق افتاده و این موقع ولو به هر شکلی شبیه‌سازی یک وجود و عواطف انسانی با عملکرد انسان را داشته باشند هی به منزله حیات داشتن و ارگان بودن نیست و تحقق پیدا نکرده است.

آیت الله غروی: آنکه می‌خواهیم عرض کنم این است. این‌ها ذهن انسان درست نکردن که فعالیت حیاتی انسان است؛ بلکه در شکلی صناعی شبیه‌سازی کردن. مباحث پیچیده فلسفی را نمی‌خواهیم در اینجا ذکر کنم. من می‌گوییم که این هوش مصنوعی و ربات، شادی، علم حضوری و آگاهی نسبت به خودش و فعالیت‌های خودش ندارد. احساس‌های عاطفی نسبت به خودش و دیگران و انواع عواطف در او نیست. این را اثبات کنید.

دو برهان بر ضد هوش مصنوعی

دکتر مینائی: از آقای عباس زاده می‌خواهیم دو برهانی که بر ضد بحث هوش مصنوعی مطرح می‌شود را بیان نمایند. جناب آیت الله غروی به شکلی مطرح کردن که آنچه را که تاکنون اتفاق افتاده همه روایت ضعیف از هوش مصنوعی است، یعنی موقعي که الان در جهان وجود دارد اینکه عین و شبیه انسان با همه آن بحث علم حضوری و احساسات به معنای واقعی خودش در آن ربات به وجود آمده باشد آیا امکان

وقتی می‌گوید ماشین می‌تواند تفکر کند منظورش چیست؟ پرسش‌های زیادی قبل از این مطرح است. منظور از فیلسوف غربی قول غالب موجود در غرب است ممکن است موارد نادر دیگری هم باشد.

در دیدگاه فیلسفه غربی، قول دوئالیسم دکارتی مردود است. ساخت انسانی ترکیبی از نفس و بدن نیست. ما چیزی به نام نفس، مجزای از بدن به معنای مجزای فلسفی نه فیزیکی که در عالم متافیزیک تحقق داشته باشد نداریم.

از زمان هیوم این قول مشهور شده که افلاطون دنیا را پر از عالم‌های متافیزیکی کرده است. در عالم بالا مُثُل درست کرده است. هیوم گفت که ما در دنیای غرب می‌خواهیم ریش افلاطون را کوتاه کنیم. قبل از این موجوداتی را در عالم بالا تصویر کردیم؛ ولی الان، ضرورتی برای تصویر این موجودات در عالم بالا نمی‌بینیم. ما ضرورتی برای عالم متافیزیک نمی‌بینیم. هیوم می‌گوید: ما ضرورتی برای نفس به عنوان یک موجود متافیزیکی نمی‌بینیم. این‌ها برای ما مکشف فیض است.

این رویکرد انسان‌گرایانه غرب در سیصد سال گذشته بوده است. با این رویکرد که احاطه به دانشگاه‌های غرب وارد فلسفه ذهن می‌شود. در دنیای غرب اقوال متنوعی در فلسفه ذهن وجود دارد که هیچ کدام نفس را موجود متافیزیکی نمی‌دانند. می‌گویند انسان همین است که ما می‌بینیم. قابل تجربه، احساس و لمس است. یا در آزمایشگاه یا امور تجربی دیگری می‌توانیم بیازماییم. وقتی این طوری است تمام اوصاف و تمام حالت او هم فیزیکی است. این پیش‌فرض را در نظر داشته باشید. با این پیش‌فرض وقتی می‌گوید: انسان، انسان مرکب از دو نوع اوصاف است: بکی، اوصاف جسمانی؛ مثل بلندی قد، رویش سرخ شد، چشم‌انش مشکی یا قوهای ایست. دوم، اوصاف ذهنی است، فکر می‌کند، آگاهی دارد و اراده می‌کند. از دیدگاه فلسفه اسلامی که نگاه نکنیم فکر، آگاهی، تمییز و حل مسئله، استاد به نفس و قوای نفس ندارد؛ اصلاً نفسی نیست که قوایی داشته باشد.

همه این‌ها، ذهن است. ذهن، نفس متافیزیک نیست. ذهن عالمی مادون متافیزیک است، پایین و در دسترس است؛ البته نه متافیزیکی بلکه روان که روان‌شناس‌های تجربه‌گرا می‌گویند و به رفتار و نوعی کارکرد تحلیل می‌کنند. می‌گویند که ما مغزی داریم که جسم و فیزیکال است و فکری داریم که ذهنی و (mental) است. ذهن، کارکردی است که مغز از خودش بروز می‌دهد و عملیات مغز است. وقتی که مغز

را نمی‌فهمد؛ بلکه با کدهای صفر و یک طوری برای او تعريف کردنده که اگر این سؤال با کدهای خاص آمد به این نحو پاسخ بدهد. فهم برای او مطرح نیست. نقد دیگر بر تست تورینگ این است که چرا تورینگ به جای اینکه بخواهد پاسخ به سؤال را مبنای تفکر معرفی کند، بر پرسش‌گری دست نگذاشت؟ اول ما باید بتوانیم پرسشی را مطرح کنیم و بعد، سراغ پاسخ آن بیاییم. توانمندی پاسخ به پرسش، راحت‌تر از توانایی پرسش‌گری است. توانایی پرسش‌گری نه به این معنا که اقسام سؤال را مطرح کنیم مثل آنچه در منطق است، مطلب ما، مطلب من، مطلب هل، که هر کدام از این‌ها ممکن است بر سر هر جمله‌ای بیاید. بلکه پرسشی منظور است که فی البداهه ایجاد می‌شود. پرسشی که بدون اینکه ما بگوییم برنامه از پیش تعیین شده‌ای برای آن بوده، طرح شده است. این هم نقد دیگری به تست تورینگ است.

دکتر عباسزاده: این‌ها براهینی بر ضد هوش مصنوعی قوی بود. این‌ها پاسخی هم دارد؟ به نظر شما این دو برهان قابل قبول است؟

دکتر عباسزاده چهرمی: تست تورینگ به عنوان معیار تفکر، امر پذیرفتنی نیست؛ زیرا ما می‌توانیم بانک اطلاعاتی یا انبوهای از پرسش‌هایی داشته باشیم که ممکن است برای انسان‌ها طرح شود و در آن، پاسخ پرسش‌ها را داشته باشد که برای ما ارائه کند. آیا می‌توان گفت که صاحب این بانک تفکر می‌کند. پس معیار تفکر، فقط پاسخ به پرسش‌ها نیست و فراتر از این است. بنابراین دلیلی که تست تورینگ برای تفکر کردن مطرح می‌کند مخدوش به نظر می‌رسد.

■ نفس از دیدگاه فیلسفه غربی

دکتر شهریاری: پیش‌فرض‌هایی در این پرسش داریم که اگر از هم جدا نشود بحث ما با دانشمندان غربی بی‌نتیجه خواهد بود. سؤال سوم این بود که آیا ساخت انسان، امکان دارد؟ آیا ماشین می‌تواند ساخت انسانی پیدا کند؟ این پرسشی فلسفی است. برای پاسخ به این پرسش فلسفی یک وقت از دریچه ذهن فیلسف اسلامی به مسئله نگاه می‌کنیم و یک وقت از دریچه ذهن فیلسف غربی. در فلسفه ذهن غربی آخرین فرد معتبری که قایل به دو ساختی بودن حیات بشر است دکارت بوده است. حداقل معروف به ایشان است و اصطلاحاً دوگانه‌انگاری دکارتی می‌گویند. اول می‌خواهیم از دریچه ذهن فیلسف غربی به مسئله نگاه کنم. اول مبنای اش را بشکافیم که او چگونه به مسئله نگاه می‌کند که

دکتر عباسزاده
چهارمی:
تورینگ معیاری
ارائه می‌کند که
اگر زمانی این
معیار محقق
شود که ماشین
پاسخ سؤالات
رامش انسان
بدهد، می‌تواند
فکر کند.





غربی را پیذیرد نسبت به اینکه آیا ما می‌توانیم رباتی را خلق کنیم؟ از امکانش سؤال کنیم که آیا ممکن است؟ پاسخی نداریم و باید بینیم در آینده چه می‌شود آیا انسان می‌تواند همه وضعیت فیزیولوژی انسانی را برای ماشین بازسازی کند. این یک منظر است. اما منظر دیگری داریم که دیدگاه اسلامی است. بر اساس آن، ورای این عالم خاکی، عالم دیگری داریم. دو عالم داریم و ساحت دیگر از جای دیگر آمده است: «نفخت فیه من روحی»^۶ این نفخه الهی است. این مقوله جسم و فیزیولوژیک و شیمی که مغز را تحریک کنیم فلان عکس العمل ایجاد شود نیست. آگاهی و تفکر، برای آن عالم است و اسمش نفس است نه ذهن. آیا ذهن داریم یا نداریم؟ اشکالی ندارد؛ اما قدمای ذهن خیلی تعریف و اضحت نکردن. ابتدا ذهن را تعریف کنیم بعد بررسی کنیم که آیا قدمای ما قابل هستند یا نیستند. این بحث دیگری است. آنچه مهم است اینکه می‌گوییم انسان، ساحت دیگری به

این طور می‌شود؛ می‌بینیم، فکر می‌کنیم، یادمان می‌آید، دردمان می‌آید و خجالت می‌کشیم. برخی از آزمایش‌ها نیز این نظریات را تأیید کرده است. یعنی گفته اند که ما جایی از مغز را تحریک می‌کنیم و بعد احساس گرسنگی می‌کنیم. احساس گرسنگی امر mental است خالی بودن شکم امر فیزیکال است. و جایی از مغز را نرون و برقی فرستادیم دیدیم احساس گرسنگی کرد و با اینکه خوب غذا خورده بود، دوباره غذا خواست. یا جایی دیگر از مغز را دست زدیم، دیدیم با اینکه سه روز است غذا نخورده میل به غذا ندارد. این نشان می‌دهد که ساحت‌هایی از مغز بر ساحت‌هایی از ذهن تأثیر می‌گذارد. این تأثیر و تأثرات در عالم فیزیک به معنی عام که شامل فیزیک، شیمی و روان‌شناسی در تحقیقات غربی می‌شود این‌ها را قابل توجیه دانستند.

■ تعریف غربی ها از فکر

غربی‌ها در تعریف فکر می‌گویند که فکر این است که از داده‌هایی که در خزانه ذهن است کنار همیگر قرار می‌دهد و به نتیجهٔ جدیدی می‌رسد. اگر این حکم p را وضع می‌کند q را نتیجهٔ می‌گیرد. فکر با این توصیفی که کردن - البته آن را بیش از حد ساده بیان کردم ولی این قدر ساده نیست. آن‌ها هنوز تحلیل دقیقی از فکر ندارند. ولی می‌گویند که چنین مثال‌هایی می‌توانیم پیدا کنیم . ولی نوعی کارکردهای مغز منجر به عملیات ذهنی می‌شود. اگر فکر این است. آن وقت جای پرسش را به این سادگی نمی‌شود جواب داد که اگر فکر هست آیا می‌توانیم ماشینی درست کنیم که کارکردگرایی است. یکی از مسائل طرح شده در فلسفه ذهن کارکردگرایی است که فکر کنیم محصول آن چیست؟ چیزی که شد همان محصول عملیات است اگر فکر کارکردگرایانه شد و به کارکرد و نتیجه عملش نگاه کرد، خوب این ربات هم از اینجا بر می‌دارد می‌گذارد این جا ماشین حیوانی کار را می‌کند نوعی هوشمندی و آگاهی، آگاهی را به نوعی مواجهه با مانع و گذر از آن موانع تقلیل می‌برند. می‌گویند که ربات این کار را می‌کند. ماشین‌های جاروبرقی درست شده که خودکار کار می‌کند و از جایی مثل پله‌ها نمی‌افند. اگر این است که جایی که شما ممکن است بیفتی نیافتنی، این را آگاهی تلقی می‌کنید خوب این ماشین هم همین کار را می‌کند.

با نوعی پیش فرض‌هایی که در دنیای غرب و فلسفه ذهن انگاشته شده این سؤالات جدی است و ما به این سادگی نمی‌توانیم تصمیم بگیریم که بگوییم که آیا ماشین می‌تواند انسان باشد یا نمی‌تواند. اگر کسی فرض‌های انسان‌شناسی



نام نفس و ساحت پایین تری به نام جسم دارد، همهٔ حوزهٔ هوشمندی در ساحت فوقانی و نفسانی محقق می‌شود.

■ امکان عنایت نفخه الهی به ربات

سؤالی که فلاسفهٔ اسلامی باید جواب بدھند این است که: آیا امکان دارد که ربات به حدی از استعداد برسد که خداوند متعال به او روح عنایت کند؟ آیا مهندس‌ها می‌توانند به جسم و عالم فیزیک آن قدر استعداد بدھند که برسد به اینکه خداوند از نفخه الهی در آن بدمد؟ در اینجا می‌خواهم جوابی را به عنوان ابداع احتمال مطرح کنم. قبل از بیان احتمال، دو مثال بیان می‌کنم؛ مثال اول این است که صد سال پیش می‌گفتند که دختر و پسر شدن فرزند به دست خداوند است کسی نمی‌تواند تعیین کند و ظاهر آیات الهی هم تا حدودی بر آن دلالت می‌کند و نیز می‌گفتند که عقیم بودن به دست خداوند متعال است. دانش بشر امروز تا حدی پیش رفته که می‌تواند مقدمات اینکه خداوند به کسی ذکوریت یا اثاثیت را عنایت کند، فراهم کند. دانشمندان و پژوهشکاران ما نمی‌گویند



■ نقد امکان عنایت نفخه الهی به ریات

آیت الله غروی: من نمی خواستم که بحث را این طوری متأفیزیکی اش کنم. آنچه که عرض کردم این بود که بشر چه کار کرده است، نتیجه کارش چه بوده است؟ این بوده که فرآیند کارکردها و مکانیزم کارکردهای خودش را فهمیده و آن‌ها را با ابزار روز و با تکنیک فوق العاده امروزه، تنظیم کرده است. به گونه‌ای که این دستگاه‌ها را به وجود آورده است و کارکردهایی دارند که می‌نماید که این احساس لذت می‌کند یا می‌نماید که ناراحت یا خوشحال است که این پاسخ دقیق ریاضی است. آنچه بر آن تکیه داشتم این بود که آیا این دستگاه به خودش آگاهی دارد و می‌داند که چه کار می‌کند؟ به این ورود پیدا نکردم که آیا شیئی که مجرد است می‌تواند در آن باشد؟ آیا این دستگاه می‌تواند در مقابل همه برون دادهایی که شما داشتید واکنشی نشان بدهد و برخلاف آن نتیجه بگیرد، نه اینکه محاسباتش غلط باشد. آیا خودش احساس لذت، خوشی، شادی و تجربه دینی دارد؟ و خیلی موارد دیگر. در مرحله اول بحث متأفیزیک را مطرح نکردم. عرضم این است که هیچ یک از کارهای انسانی را انجام نمی‌دهد. کارهای انسانی و چیزهایی که خود روان‌شناس‌ها پذیرفته‌اند که نمی‌توانیم فقط رفتارگرا باشیم نمی‌توانیم اضطراب را بگوییم دویمن، آن چیزی است که من تجربه می‌کنم و به دنبال آن تجربه فرار می‌کنم. این نکته قابل ملاحظه است.

من انگیزه ورود به بحث دوم را نداشتم؛ اما اکنون که مطرح شد اشاره فرمودند که اگر بر اساس تفکر غربی بخواهیم برخورد کنیم لازمه اش این است که بگوییم ذهن چیست. فرض می‌کنیم که مثل دکارت هم فکر نمی‌کنیم که: من فکر می‌کنم پس هستم، در نتیجه تفکر به نفس و روح من مربوط است و فعالیت‌های دیگر به چیز دیگری مربوط است. بفرمایید این‌ها هیچ یک نمی‌گویند اما همین فیلسوف‌های غربی که همه فعالیت‌های روانی و ذهنی را منبعث از اندام‌های حسی و فعالیت‌های مغزی می‌دانند و می‌گویند که همه خصوصیات روانی و ذهنی منبعث از فعالیت‌های فیزیولوژی، بیوشیمیایی و نوروسایکولوژی است. بحث درباره این است که آیا فیلسفی که این طور می‌گوید، منکر این است که این فعالیتها منبعث از خود مغز است، مغزی که دارای حیات است و رباتی که شما به وجود آورده حیاتمند نیست و در نتیجه این فعالیتها نمی‌تواند حیاتی باشد. حتی کسی که ماورای طبیعت و متأفیزیک را منکر می‌شود به این بسته نمی‌کند که ربات هم کارهای انسان را انجام می‌دهد.

که ما این کار را کردیم. می‌گویند که ما این را به حد و مرزی از استعداد رساندیم که برای عنایت الهی آماده شد، آیا انسان می‌تواند این کار را بکند؟ صد سال پیش می‌گفتند نمی‌تواند؛ اما امروز می‌گویند که می‌تواند کاری کرد که یاخته را به حدی نزدیک کند که به ذکریت و انانیت نزدیک شود یا بارور شود، در باروری‌های مصنوعی امکان‌پذیر است. مثال دیگر اینکه آیا امکان دارد دانش انسان‌ها آن قدر بالا رود که تخمک و اسپرم خارج از روای رحم مادر مزدوج، تکثیر و انسان شوند. آیا می‌توان این کار را بدون اینکه روش طبیعی انجام شود با تولید یاخته و سلول در لوله آزمایشگاه انجام داد؟ این الان شده است. آیا ما شریک خداوند شدیم؟ تفکر اسلامی می‌گوید جواب منفی است شما استعدادی به این ماده دادی و به آن حدی رساندی که در حالت طبیعی در رحم اتفاق می‌افتد؛ ولی آن را در لوله آزمایشگاهی قرار دادی ولی بالاخره خارج از آن شد. علم پزشکی گفت آدم عقیمی که رحmesh نمی‌توانست بچه را نگه داری کند، ببرون نگهداری می‌کنیم، اکنون به بحث خودمان بر می‌گردیم. این در فلسفه ذهن بحث شده ما افرادی داریم که پایشان قطع شده است؛ ولی هویت آن‌ها منتفی نمی‌شود؛ یعنی با قطع شدن پا هستی انسانی اش رفع نمی‌شود. اگر دو دست او را هم قطع کنیم که برخی از معلولان ما هستند، دوباره همان انسان است. سؤال فلسفی ما این است که چه چیزی را قطع کنیم دیگر این انسان، انسان نیست. چون قلب را هم می‌توان باطری گذاشت. اگر بعداً بفهمیم که می‌توانیم با مغز تعاملی کنیم که به جای مغز هم چیز دیگری بگذاریم به جای چشم و گوش هم چیز دیگری بگذاریم و همان کارکردها را داشته باشد؛ سؤال فلسفی این است که من نسبت به جواب آن لادری هستم. سؤال فلسفی این است که آیا این انسان که اجزای آن ریز ریز ماشینی شده حتی خون که کارکرد آن این است که خون را به مغز برساند اگر غیر از خون چیزی جایگزین شد که خون را به مغز برساند، آیا مغز را هم می‌توان مثل قلب چیزی جای آن گذاشت که همان کارکرد را داشته باشد؟ فلسفه می‌گوید که می‌شود. این سینا به ما آموخته که می‌شود. تجربه علم بشر هم می‌گوید که می‌شود. سؤال بعدی این است که اگر همه چیز بشر را مصنوع کردیم آیا به حدی هست که برای القای عنایت و نفخه الهی صلاحیت داشته باشد، من پاسخم این است که بله شدنی است. فقط با احتمال، من می‌گویم: شاید. من منع برای این کار نمی‌بینم. دکتر مینائی: با تشکر از آقای شهریاری، از آقای غروی می‌خواهیم که بحث را ادامه دهند.

که مسئله نفخ روح، نفس و تعلق نفس به این بدن باشد؛ زیرا بدن، ارگانیسم و موجود زنده نیست. ریات را باید شناسایی کنیم، ریات موجودی زنده نیست. موجود جامدی است که اطلاعاتی را به آن داده اید و به همان اندازه که داده اید از او می گیرید و برای شما محاسبه می کند. براساس الگویی است که خود انسان به آن داده است. من از نظر فلسفی هم اعتقادم این است که امکان ندارد که تا وقتی که ریات حیات مند نشده و ویژگی های عمومی حیات را پیدا نکرده جای انسان را بگیرد و حتی زمینه اش فراهم شود که نفس به آن تعلق پیدا کند. نفس به موجود ذی حیات تعلق پیدا می کند و باید روند خاصی را پشت سر بگذارد.

■ توقف و عدم توقف درک و شعور بر حیات در فلسفه صدرایی

دکتر مینائی: فرآیند درک و شعور طبق فلسفه صدرایی متوقف بر حیات نیست. در عالم جماد هم حیات و شعور وجود دارد. سوره زلزال می فرماید: همه جمادات در عالم آخرت شهادت می دهن. مثلاً مهری که سجده کردی گواهی می دهد که تو چه آدمی هستی و حتی چه نیتی داشتی و اینکه صدای اذان شما به هر نقطه برسد آن نقطه کار شما را ثابت می کند و گواهی می دهد. گواه بودن فرع این است که درک، شعور و فهم داشته باشد. اینکه نوع درک و شعوری که در جمادات است با درک و شعور صاحبان نفس، حیات نباتی، حیوانی و انسانی چه تفاوتی دارد قابل بحث است.

ایت الله غروی: حتی از نظر فلسفی نه عرفانی، آنکه حیات نداشته باشد و آن هم پایین ترین مرتبه حیوانیت را نداشته باشد که شعور و آگاهی برای او نیست.

آقای شهریاری: فلسفه مشاء را می گویید؟

ایت الله غروی: فلسفه صدرایی و مشائی همین است. آن جایی که صدرالمتألهین می آید نمی تواند برهان بیاورد. و گرنه لازماً این است که تجرد را برای همه موجودات ثابت کنی . یک برخورد عرفانی است و بعد مباحثت قرآنی و غیرقرآنی و مباحثت عرفانی را انسان وام بگیرد به هم گره بزند و آش شله قلمکار در بیاورد؛ و گرنه از نظر فلسفی اثبات کنید که این عینک شعور و آگاهی دارد، که چنین نیست. اگر این حرف را بزند، خود صدرا باید مبحشی را که در علم النفس گفته جمع کند. اما نسبت به آیات، را باید بحث دیگری کنیم که درک دارند یا ندارند. آیا مربوط به این جهت است یا مربوط به ملکوت است. اینکه در قیامت ظهور پیدا می کند عین ظهور و آگاهی است. آیا همین ماده ای است که در آن

و می گوید شما موقعی می توانی بگویی که ریات مثل انسان است و در نتیجه برای آن ذهن درست کردید، که زیرساخت ذهن که فعل و انفعالات نورونی است تحقیق پیدا کند. بعد هم همان را می فهمد که انسان احساس درد، لذت و شادی می کند خودش به خودش علم دارد؛ ولو اینکه همه اینها را توجیه و تبیین مادی کند؛ اما بالآخره زیرساخت آن خود مغز است. مغز کارکردی دارد و موجودیت جمادی ندارد؛ بلکه حیاتی دارد. حیات را هم اگر تبیین مادی کنند حیات است و زنده است و خصوصیت موجودات زنده را دارد.

در مورد فلسفه اسلامی که اشاره شد، نمی توان این بحث را همین طور مطرح کرد. مثال های خوبی گفتید. بعضی در گذشته اهل هارنظرهای عوامانه بوده است. این طور نیست که ما بتوانیم بر آن تکیه کنیم؛ مثل اینکه فرزند پسر یا دختر باشد کسی نمی داند بعد متوجه می شوند که مذکور است یا حتی شرایطی را به وجود می آورند برای اینکه چه بسا ممکن است سبب شود ذکور یا اثاث شود و این ها به خدا نسبت داده شود. اگر ما همواره به جای علل مادی، آن جایی که نمی دانیم خدا را بگذاریم که اشکال از ما است؛ ابته همه اینها مستند به خدا است. اگر ما توانمندی مادی نداشتمیم و الان به آن پی بردیم این کاری که شما می کنید همین طور اشکالی ندارد. این مسئله فلسفی دیگر پیش نمی آمد اگر مسئله دو دست انسان قطع شده و بتواند جای آن چیزی بگذارد و اینکه تا برسد به نفس و حال احتمال می دهد که به جای مغز، ریات بگذارند بحث درباره این است آیا معناش این است که روح به آن افاضه می شود. آیا چنین نتیجه های می دهد و امثال این تعابیر و تشبيهات که قابل طرح است. اگر از نظر فلسفی خودمان بخواهیم بگوییم ممکن است گاهی به سبب اینکه علت آن را نمی دانیم مستند به خدا کنیم، ما همه چیز را مستند به خدا می کنیم؛ اما برخی چیزها را که علتش را انسان دانست و از آن علت ها استفاده کرد باز هم مستند به خدا است. این مکانیزم را نمی دانستیم. این فرق می کند با اینکه موجود بی جان را به جای موجودات جاندار بگذاریم. شما بالآخره از حیات این انسان از درون خود این انسان استفاده می کنید. و اگر قلبش مشکل است ممکن است قلبی در درون او تعییه کنیم و نقش خود قلب را ایفا کند. این فرق دارد این را در واقع به خدمت حیاتی که در انسان است گرفته اند؛ اما اینکه بتوانید راحت پیش بینی کنید با قرآن سازگار نیست. این نکته را عرض می کنم که از لحاظ فلسفی اگر توانستید زمینه های جاتی را فراهم آورید، می توانید جای نفس را هم در آن تعییه کنید. نه جای مکانی. اما معنا ندارد

دنیا هست. این‌ها حرف زیادی دارد، نه اینکه آدم با یک کلمه بگوید که این موجودات ادراک دارند و تفاوت‌هایی هم با ادراکات حیوان و انسان دارد.

دکتر شهریاری: بحث حیات، زیربنای بحث ربات یا ذهن و هوش مصنوعی است. به آن پرداخته‌ایم در نگاه مکانیزمی به آن نتیجه دارد که به راحتی مقایسه می‌شود با ربات و ذهن و هوش مصنوعی، اولش زیربنای همان بحث است که نگاه چه هست. آنجا هم نگاه فلسفی و هم پاسخ به سوالی که دوستان فرمودند آورده‌ایم. ادراک به تعبیر فلاسفه مقول به تشکیک است. یعنی اگر ادراک هم برای جماد قائل می‌شود این ادراک فرق می‌کند با ادراکی که برای انسان است. ملاصدرا علم را نحوه وجود می‌داند.

آیت الله غروی: مقول به تشکیک یعنی چه؟

دکتر شهریاری: وجود چه می‌شود؟

آیت الله غروی: وجود چه ربطی به آگاهی دارد، چه کسی می‌تواند بگوید که هر مرتبه ای از وجود ضرورتاً باید آگاهی داشته باشد.

دکتر شهریاری: ملاصدرا علم را نحوه وجود می‌داند.

آیت الله غروی: معنی اش این نیست که خدا وجود است، در نتیجه هر کسی خدا است؛ یعنی هرچه را که برای برخی مراتب وجود اثبات کردید این طور نیست که برای همه سریان داشته باشد. در این وجود وجوب هم هست، اثبات کنید که انسان وجود هم دارد.

آقای شهریاری: طبق مبانی صدرایی ما این طوری برداشت و اثبات کرده‌ایم.

آیت الله غروی: بد برداشت کردید، بگوید که چه طور اثبات کردید که وجود حضور است. دسترسی به ساحت غیرانسانی و نفی ادارک نداریم. شاید ما نتوانیم اثبات کنیم شما هم نمی‌توانید خلاف آن را بگویید. بحث درباره حضور است. خود حضرات می‌گویند که هر جزئی از ماده عین غیبت است برای خودش و برای کناری اش است.

دکتر شهریاری: شما دلیل اقامه کنید. جزوی از اجزاء ماده غائب به اجزاء است و لذا خود فیلسفه‌ها مطرح می‌کنند.

اینکه هر جزو ماده غائب برای خودش است برای وقتی است که ساحتی از ماده را ادراک کرده باشی. ساحت ماده را چگونه ادراک کردی؟ ادراک او را چگونه ادراک کردی؟

آیت الله غروی: ادراک یعنی چه؟ ادراک حضور شی لشی است؛ اما چیزی که جماد است این حاضر برای خودش و

کناری خودش و جزو کنار خودش نیست.

دکتر شهریاری: شما تفسیر مشائی از ادراک می‌کنید. بعد می‌گویید که جمادات ادراک ندارد. اما اگر نشنه‌ای از ارتباط با هستی تصویر کردید....

آیت الله غروی: ارتباط، ارتباط تکوینی است. مستلزم این نیست که ادراک باشد.

آقای شهریاری: ادراک را تعریف کنید. اشراقیون و ملاصدرا قائل به این هستند که ادراک ساحتی از آن برای جمادات و غیر جمادات حاصل است، در اینکه تردید نیست.

آیت الله غروی: اشراقیون در کجا گفتند؟ از خود افلاطون منشأ می‌گیرد؟ افلاطون معتقد است که تمام عالم هستی دارای روح و جان هستند و به تبع داشتن روح ادراک می‌کنند؟! افلاطون کجا چنین چیزی را گفته است؟

دکتر شهریاری: این همان است. این همانی نوعی حمل است که در نظریه افلاطونی، حقیقه و رقیقه مطرح می‌شود، افلاطون قابل است که آنچه در عالم پایین محقق می‌شود حقیقت در عالم بالا دارد. محقق می‌شود و این سایه‌ای از آن است. این وجودشناسی است در معرفتشناسی اش هم همین طور....

آیت الله غروی: افلاطون می‌گوید سنگ روح دارد؟
دکتر شهریاری: بله، تفکر اشراقی و تفکر مشائی در کتاب فلسفه اخلاق از دیدگاه السدیر مکایتایر آورده‌ام که تفکر وجودشناسی و افلاطونی آدرس هم داده‌ام. آن جا مسلم است که از دیدگاه افلاطونی‌ها، حداقل فلوطین به بعد نظریه همه جان دار انگاری نوعی برداشت است که از وحدت وجود افلاطونی نشأت می‌گیرد. آن جا که عالم هستی که یک وجود بیشتر ندارد، بقیه عالم بروز و جلوه‌های آن هستند. آن یک دانه عاقل به نفس خودش است تمام مراتبش هم به همان تبع همراه وجود هستند و هم معرفت هستند. بنابراین هم وجود و هم عالم....

آیت الله غروی: به افلاطون نمی‌توانید نسبت بدھید.

آقای شهریاری: نظریه مکتب افلاطون مورد نظر من است. که قایلند که ما در عالم قایل به وحدت و در وجود شناسی و معرفتشناسی هم قایل به همه جاندارانگاری و همه معرفتی هستیم. این تفکیکی است که میان نظریه ارسطو و افلاطون وجود دارد.

دکتر مینائی: آقای عباس زاده شما صحبتتان ناقص مانده بود ادامه بدھید و در ضمن سوالات را نیز پاسخگو باشید.

■ تحقیق هوش به معنای ضعیفیش

دکتر مینایی: فلسفه اسلامی چه راهکاری برای پیشرفت هوش مصنوعی دارد. بحث‌هایی مطرح شده که فقط تکرار بیان کارهای مهندسان کشورهای پیشرفته است. دوستان تقریباً این سؤال را پاسخ گفته‌اند. اگر این مطالب گفته می‌شود به برگشت‌ش بسؤالات اساسی و زیرینای مربوط می‌شود که آیا بحث هوش به معنی قوی اش امکان تحقق دارد یا خیر؟ به معنی ضعیفیش که اتفاق افتاده است و بحثی در آن نیست. همان طور که آقای غروی فرمودند که از جهت نتیجه می‌توان گفت که عملیات موجه و درستی که می‌توان فرآیند آن را به صورت دانش نشان داد اتفاق افتاده است. فرض کنید از بیرون داخل این اتاق می‌شوید می‌بینید همه چیز به هم ریخته، بار دوم که می‌روید همه چیز مرتب شده است. این مرتب شدن و اینکه به شکل خاصی تنظیم شده باشد برای اینکه جلسه برگزار شود را هم ماشین می‌تواند انجام دهد و هم انسان. این عملیات را عملیات هوشمندانه می‌گوییم، این کارکرد را اصطلاحاً doing the writing right thing می‌گویند. تعریفی که از هوش می‌کنند روی کارکرد درستی را انجام دادن است. به این معنا تحقق اش واقع شده و آن هم اولین بار در حوزه صنعت در سال ۱۹۹۲ در عملیات جنگ بر ضد صدام، بوش پدر که ۲۰۰ هزار سرباز را در کوبت پیاده کردند که به عراق حمله کند و فقط ۶۰ هزار عدد ادوات نظامی در اختیار این‌ها می‌خواست قرار بگیرد. از وسائل مختلف مانند تانک و توپ و مسلسل تا وسائل پیش رفته کامپیوتری. اینکه هر کدام از افراد با تخصص‌شان چه وسیله‌ای به آن‌ها اختصاص پیدا کند یا زمان‌بندی پروازها که در فرودگاهها به طور عملیاتی می‌تواند با ماشین انجام شود. و یا ماشین‌هایی که الان بدون راننده حمل مسافر می‌کنند. این چیزی است که الان اتفاق افتاده و انجام می‌شود. و این‌ها به روایت ضعیف هوش مصنوعی مشکلی ندارد. غریب‌ها با آن دید برای پیشبرد مقاصد خودشان استفاده می‌کنند. ولی ما می‌توانیم به نحو احسن از با دید ابزارگرایی استفاده کنیم. این یعنی تقدیس علم یا علمی که جهت خدایی داشته باشد.

■ خلط نکردن ساحت علم تجربی و فلسفه

آیت الله غروی: بر اساس مبانی فلسفه‌مان، کارهایی که آقای شهریاری تا مرحله دوم اشاره کردند کار علمی است. بر اساس کارهای تجربی به اینجا دست یافتند. از طرفی هم عملکردهای ذهنی را مورد کاوش قرار دادند و همۀ فعالیت‌های ذهنی و ارتباطش را با جنبه‌های عاطفی رصد

■ پاسخ به چند پرسش

دکتر عباس‌زاده جهرمی: با آن مبانی می‌توانیم آن مسئله را پاسخ دهیم. یکی از دوستان سؤال کرده‌اند چه ارتباطی بین فلاسفه و هوش مصنوعی است؟ اگر به پیشینه هوش مصنوعی توجه کنیم؛ مبنی به حضور فیلسوف در کنار چند متخصص دیگر، مغز و اعصاب، رایانه و روان‌شناسی بوده است. چند متخصص همایشی را به نام هوش مصنوعی برگزاتر کردند و اصل این رشته از این همایش نشأت گرفته است.

فلسفه دو بخش وجودشناسی و معرفت‌شناسی دارد که معرفت به همین آگاهی و علم می‌پردازد. هوش مصنوعی هم ادعاهایی را در این حیطه مطرح می‌کند. سؤال دیگری فرمودند که اگر تست تورینگ معیار درستی نیست آیا باعث رشد نشده است؟ هر نظریه‌ ولو غلط باشد وقتی مطرح می‌شود در کنارش نقدهایی به آن وارد می‌شود که باعث رشد علم می‌شود. پس درست یا غلط بودن نظریه‌ای، نکته‌ای است و باعث رشد شدنش مسئله دیگری است.

در پرسش دیگری گفته شد که شما چه نظریه‌ای را ارائه می‌کنید؟ ما که قایلیم که تفکر، فعل یُ بعد جسمانی انسان نیست و فعل روح است. نگاه فیلسوف اسلامی با فیلسوف غربی فرق می‌کند. وقتی فعل روح و بعد غیرجسمانی وجود انسان شد، نمی‌توان آن را آزمایش تجربی کرد.. وقتی تفکر، فعل ماورایی شد چگونه می‌توان برای آن تجربه و آزمایش ارائه کرد.

دوستان فرموده‌اند که یادگیری ماشین هم جزئی از هوش مصنوعی بوده که به آن اشاره نکردید. بله، فرست نشد که به آن پردازیم. سیستم خبره هم که در این حوزه مطرح می‌شود در ادامه همین مقوله است. خبرگی و تخصص را به سیستم استاد می‌دهند همانطور که یادگیری را به ربات نسبت می‌دهند.

وقتی ربات را در یک اتاق می‌گذارند که مکان‌های اشیاء مختلف را در نرم افزار خود پیدا کند، به مکان یابی اشیاء یادگیری ربات گویند. اینکه اینجا مانع است و نمی‌توان آن را دور زد یا از آن گذشت. تا وقتی که مانع در این نقطه است ماشین با آن برخورد نمی‌کند. پس از اینکه یادگیری را به ماشین و ربات نسبت دادند دوباره تشکیک می‌کنند که آیا با یادگیری انسانی فرق دارد؟ سایتی که عرض کردم با شما چت می‌کند سؤالی را می‌پرسید و ماشین پاسخ می‌دهد در سایت <http://nlp-addiction.com/eliza/> است.

استفاده می‌کنیم.

■ معنای زبان در فلسفه و ارتباط آن با تفکر

دکتر مینائی: یکی از دوستان سؤال کردند که زبان در فلسفه به چه معنا است؟ ارتباط بین زبان و تفکر و فرآیند یادگیری چیست؟ آیا بدون زبان می‌شود فکر کرد؟ سؤال اساسی است که فکر نمی‌کنم زمان پرداختن به آن را داشته باشیم حدود ۲۰۰ سال است که رابطه بین زبان و تفکر مطرح شده است. آقای «هردر» کتابی دارد با عنوان «درباره منشأ زبان» که در سال ۱۷۶۸ میلادی تدوین کردند و ایشان جمله معروفی دارد که زبان صورت علم است و تفکر نه فقط با آن بلکه بر مبنای آن صورت می‌گیرد. آقای «همبلت» نظریه‌ای را مطرح می‌کند به نام نقش خلاق زبان در فرآیندهای ذهنی که بعد از ۲۰۰ سال در نظریه میدانی و نظریه حوزه‌ای مطرح شده که نقش فعل زبان را در حوزه شناخت و روند یادگیری و شناخت مطرح کردند. متفکری روسی به نام «بیگوستکی» هست که در دهه ۴۰

کردند. محرك‌ها چگونه وارد می‌شود چگونه پاسخ داده می‌شود نوع پاسخ باید چگونه باشد. فرآیند و مکانیزم آن چگونه باشد، این‌ها را به دست آوردن. بر اساس آن چیزی که به دست آوردن، با توجه به خود رشد تکنیک که امروز به وجود آمده، اساس را ساخته‌اند. امروز دیگر معنا ندارد که بگویید براساس اصالت این‌ها، ربات را ساختند. این تکنیک را به وجود آوردن. شما بر اساس اصلة الوجود و اصلة الماهیة می‌خواهید چه کنید. آن بحث متافیزیک صرف است و آن مباحث علمی است و نباید این دو ساحت را مخلوط کرد. این منتج آن نیست. ما از فلسفه بخواهیم تا روز قیامت هم صرفاً به نتایج مثل ربات بررسیم نمی‌رسیم ولی می‌توانیم تعریف و تفسیر روی آن داشته باشیم. ساحت دیگر، ساحت علمی است، ساحت تجربه و تکنیک است. در گذشته که فلسفه معنای عامی داشته، بخشی از آن طبیعت و تجربیات بود، می‌توانستید بگویید که آن‌ها چه کردند؛ ولی الآن فلسفه اولی و فلسفه امور عامه منظور است. این‌ها منتج نتایج علمی که دنیا به آن رسید. البته همان طور که حضرات به آن اشاره کردند، ما هم از این فرآورده‌ها برای اداره کشور



حضرت الاسلام والمسلم





دکتر عباسزاده
جهرمی:
تست تورینگ
به عنوان
معیار تفکر،
امر پذیرفتی
نیست؛ زیرا
ما می توانیم
بانک اطلاعاتی
یا انبوهی از
پرسش ها داشته
باشیم که ممکن
است برای
انسان ها طرح
شود و در آن
پاسخ پرسش ها
را داشته باشد
که برای ما ارائه
کند.



این ها که شما گفتید در ماشین تحقق ندارد. اولاً و بالفعل نیز وجود ندارد، اگر هم هست به قول آقای غروی شبیه سازی حالت احساس است؛ ولی این احساس ها به معنای واقعی خودش که از مقوله علم حضوری باشد، محقق نیست.

دکتر شهریاری: هیچ کس نگفته که حیات رباتی اگر باشد با حیات انسانی همسانی دارد. کسی نگفته ربات وقتی به وجود آمد توانست مثل انسان شود حیاتش مثل حیات انسان می شود. چون حیات به نوعی بازگشت به وجود دارد، وجود و هستی انسان طبق برداشت تفکر اسلامی ترکیبی از نفس و بدن است و مسلمان بدن ربات با بدن انسان همسانی ندارد. از بدنشان حالت فیزیولوژیکی، تعبیر به حیات و بحث های یاختگی و یا شبیه این منظور نیست؛ چون اگر باشد ساخت بشر رشدی می شود نه صناعی. بحث درباره این است که می خواهیم ماشین بسازیم، ماشینی که از مس و پلاستیک درست شده است. بنابراین کسی قایل نیست که ربات باید رشد پیدا کند. اینکه سوال کردن که انسان با حیوان تفاوت ماهوی دارد و ناطقیت فصل تمایز انسان از حیوان را به وجود آورده و آیا این دو حد وجودی به تمایز مرتبه وجودی این

میلادی گسترش حوزه تفکر را وابسته به توسعه دامنه مهارت های زبانی می داند. هرچه مهارت های زبانی افزایش پیدا می کند، مهارت های فکری و ذهنی افزایش پیدا می کند. من فقط به طور اشاره گفتم شاید آقای غروی در این باره صحبت زیادی داشته باشند.

■ آیا ربات می تواند انسان متكامل باشد؟

آیا ربات می تواند انسان متكامل باشد؟ آیا قابلیت هایی از جمله تعلیم و تربیت و ایجاد فضای اخلاقی و رذائل اخلاقی و وسوسه گری و خصوصیات دیگر مثل کمال خواهی، خلاقیت و دین داری و دین گریزی را می تواند در ماشین اعمال شود. سوال بعد اینکه هوشمندی یکی از جنبه های ربات است، نه همه آن، این چگونه در ماشین تفسیر می شود؟ همه این ها متفرع بر آن سوال اساسی بود که به صورت زیرینایی مطرح شد، مسلم است که همه



نظر مهندسی ثابت شده که دستگاه کمتر از بشر خطا می‌کند ماین امکان را به آن داده‌ایم. پس فاقد شی نبوده؛ بلکه واجد شی بوده است. و اشکالی از این نظر به وجود نمی‌آید. اینکه خداوند انسان را آفریده و بر این مسئله توبه و ندامت و شقاوت و تکلیف و اخلاق است که ساحت بحث‌های فلسفی هنوز به این قواره نزدیک نشده اگرچه فیلم‌های آن را می‌سازند ولی الان ساحت بحث فلسفی این است که آیا ماشین‌می‌تواند آگاهی، اراده، شعور، عاطفه و احساس داشته باشد؟ بعد ساحت دیگری مطرح می‌شود که آیا حسن و قبح را هم می‌تواند درک کند؟ اگر درک کرد آیا تکلیف هم دارد؟ که طبیعتاً آن‌ها یکی که قابل به این هستند که انسانی شدن ماشین محل است این را هم می‌گویند که ممکن نیست. گفتند در فلسفه غرب در مورد تعریف انسان کامل نمی‌باشد، چون مثال‌های شما برای زمان دوری است. ۸ نوع تفکر در فلسفه ذهن رایج است. این‌ها معمولاً تقسیماتش در کتاب آقای دیوانی هست. از کتاب مغز و علم، ذهن، خودشان را توصیف کرددن تمام نظریات توصیفی از نفس انسان به معنای واجد یک امر متافیزیکی در فلسفه ذهن امروز وجود ندارد. فقط به دکارت نسبتش می‌دهند.

■ بواهین صدرالمتألهین بر شورمندی همه موجودات

آیت الله غروی: یکی از دوستان مطرح کرده‌اند که صدرالمتألهین بالغ بر ده برهان بر شورمندی همه موجودات اقامه کرده است و وجود را در همه موجودات به نحو تشکیک مساوی با حیات می‌داند. راهنمایی کنید که ده برهان که بر شورمندی موجودات کجا است؟ ظاهراً اشاره بر این دارد که صدرالمتألهین برای اینکه اثبات کند ده برهان می‌آورد که اثبات کند که حیوان مرتبه ای از ادراک را به معنایی که خودشان مطرح می‌کنند دارد. وقتی که باشد یا حضور نسبت به خودش باشد این نشان می‌دهد که مرتبه‌ای از تجرد را دارد. اما اینکه ده برهان بر شورمندی همه موجودات اقامه کرده باشند این نیست. فقط استدلالی که در پاره‌ای از موارد هم هست و برخی بزرگان هم تکیه کرده‌اند همین استدلال است که آنکه اصالت دارد وجود است و غیر از وجود چیزی نیست. یا اعتباری است یا وهم است. آنچه که مربوط به کمالات وجود است خارج از وجود نیست. این مقدمه دوم بود. مقدمه سوم اینکه اگر اثبات کردید که در وجود هم مربوط به وجود است معناش این است که هر وجودی، تجرد دارد ولو بسیار کم و غیر مفهوم برای ما که البته نیاز به بحث جدی است که اصالت از آن وجود است اما ما قابل به تشکیک هستیم چه بسا ممکن است برخی مراتب وجود اثراشان این

دو نمی‌شود؛ اگر جواب آری باشد باید گفت ربات نهایتاً جماد است و رشد و نمو ندارد. سؤال سوم را دقت کنید گفتند که اگر ربات امور هوشمندانه را به شکلی که انسان انجام می‌دهد انجام دهد، آیا این امر دلالت بر این دارد که رایانه ویژگی‌های ذهنی منظور اوصاف ذهن روان‌شناختی؛ مثل آگاهی، تفکر، اراده، عاطفه و احساس دارد. بحث درباره این است، نه جسمانی بودن و رشد داشتن، رشد جسمانی و نمو اگر همان نمو گیاهی باشد، کسی نگفته که ربات نمو می‌کند. آنچه که برای ما مسجّل است این است که جسم انسانی دارای نمو است و این جسم خاص قابلیت پذیرش ناطقیت را دارد، پس همچنان احتمال دارد که جماد بدون نمو تعلق نگیرد.

نکته بعد اینکه من هنوز بر آن احتمالی که گفتم اصرار دارم، حیات باید تعریف شود. اگر انسان را و به تبع انسان، وجود و حیاتش را نوعی تفسیر مادی گرایانه کنیم می‌توانیم آگاهی را به او نسبت دهیم اما اگر حیات را به معنای فیزیولوژیکی دانستیم؛ یعنی اینکه گوش، پوست و خون دارد و مغز تحریک عصبی دارد، ربات این نوع حیات را ندارد. بحث درباره این نیست که ربات این نوع حیات را دارد یا ندارد. در ساحتی که غربی‌ها صحبت می‌کنند که در مابعد الطیبیعه چیزی به نام روح نداریم - منظورم غالب متفکران فیلسوف ذهن است، نه اینکه غالب غربی‌ها چنین فکری دارند. غربی‌ها اکثر اعتقدن به خدا هستند. ولی در فضای دانشگاهی فلسفه ذهن نظریاتی که در رابطه با عالم نفسانیت باشد بسیار در حاشیه وجود دارد - بحث درباره این نوع حیات را ندارد - بحث درباره این نیست که اگر پیش فرض‌های قبلی را پذیرفیم آیا می‌تواند داشته باشد یا نه؟ به نظرم، آنچه جواب این سؤال را مشکل می‌کند این نکته است که آیا می‌تواند معطی شی، معطی نامحدود باشد. تا جایی که ربات قادر باشد بشر را نابود کند. این مخالف نظام احسن سعادت بشر است و بهشت و جهنم لغو می‌شود که عذاب نفس انسانی بوده است. حال آنکه اگر ربات‌ها بندگان خداوند شوند مسائل و تکلیف چه می‌شود. اگر با منظر تفکر غربی صحبت کنیم آنها مسائل متافیزیکی را وارد مسئله ذهن نمی‌کنند؛ ولی اگر در ساحت فلسفه اسلامی صحبت کنید اگر اشکالاتی که آقای غروی گفتند بتوانیم جواب دهیم، آن اشکال شما اشکال نیست. چون آن معطی شیء که فاقد شیء است که ربات بوده است می‌گویید چگونه بر بشر فائق می‌آید؛ چون بشر پتانسیلی در آن گذاشته که بتواند از خودش بهتر فکر کند. بشر کامپیوتر را طوری طراحی کرده که از خودش کمتر اشتباہ کند. از

محال است یک جسم صناعی قابلیت نفس را پیدا کند و از سوی واجب الوجود به نفس افاضه شود؟ هر دو سؤال قابل توجه است. آیا ما چیزی داریم که قضاوت کنیم این خودش شادی، هیجان و علم به خودش ندارد که الان چه می‌کند و چه می‌گوید؟ می‌فهمد آنچه را که ترجمه می‌کند یا نمی‌فهمد؟ آیا ابزاری برای قضاوت داریم؟ ابزار این است که خود کسانی که این را ساخته‌اند، طوری ساخته‌اند که این گونه پاسخ بددهد دیگر در آن نبوده که احساس لذت و غم کند. باید به این نکته توجه کنیم که ربات را براساس چه می‌سازند؟ براساس کارکردهای مختلف بیرونی خود انسان می‌سازند. در اینجا درست که این واکنش خاص را نشان می‌دهد این را کدبندی کرده‌اند و این واکنش را نشان می‌دهد. اما چیزی برای این نساخته‌اند و حیات در این به وجود نیاورده‌اند که احساس شادی، تلخی و ناراحتی داشته باشد.

■ امکان افاضه نفس به ماشین از دیدگاه حکمت مشاء

نکته دوم را بگوییم که پرسیده اند بر اساس نگاه حکمت مشاء به نفس آیا محال است که صناعی، نفس پیدا کند و از سوی واجب الوجود به آن، نفس افاضه می‌شود. بله نفس را که حضرات مطرح می‌کنند بدون شک قبل از اینکه موجود حیاتمند شود که حیات نداشته، بعد حیاتمند شده، ممکن است شرایط به گونه‌ای شود که حیات حتی به اصطلاح علمی‌اش تحقق پیدا کند، من به اصطلاح فلسفی کار ندارم. عیب ندارد و مشکلی نیست. یعنی امکاناتی را بشر فراهم می‌آورد که چند موجود مادی که در کار هم قرار بگیرند و وقتی فعل و انفعال با هم داشتند این حیات را پیدا آورند. اما موجود صناعی که از پلاستیک و پیج و مهره است و امکانات بسیاری دارد به حسب جریان عادی حیات که دانشمندان در بیرون تجربه می‌کنند می‌گویند که این که نمی‌تواند حیاتمند شود، اگر آن امکاناتی که دست به دست هم می‌دهد، آن فعل و انفعالاتی که هست با هم ترکیب شود زمینه برای تتحقق و رویش حیات پیدید می‌آید.

■ جمع بنای

دکتر مینائی: جمع‌بنای کوتاهی از بحث می‌کنم. سؤال اینکه ویژگی‌های ذهن انسان و قوه تفکر انسان چگونه شکل می‌گیرد؟ آقای عباس‌زاده اشاراتی داشتند و آقای شهریاری بحث را به سه سؤال تقسیم کردند که آیا رایانه می‌تواند عمل و کارکرد و عملیات هوشمندانه داشته باشد که پاسخ مثبت بود چون در حوزه فن‌آوری هم اتفاق افتاده است. دوم

باشد که ادراک داشته باشد و اوج مرتبه وجود که بالاترین مرتبه وجود است که نیازی در آن راه ندارد مستلزم وجود باشد. پس صرف اثبات اصالت وجود، نمی‌توانید اثبات کنید چون اصالت از آن وجود است تمام خصوصیاتی که واقعیت دارد مربوط به وجود است، پس همه چیز، همه کمالات را دارند. هر چند ضعیف است این را نمی‌توانید اثبات کنید. آنچه را که می‌شود اثبات کرد این است که حداکثر مرتبه خاصی است به این مرتبه که رسید این خصوصیت کمالی را دارد. كما اینکه این را در واجب تعالی هم می‌گوییم.

قسمت بعدی سؤال وجود را مساواق با حیات می‌دانند، در همه موجودات به نحو تشکیک است.

دکتر شهریاری: حیات کل حی نحو من الوجود، مساواقة الحیة و الوجود، عبارت صدرا است.

آیت الله غروی: حیات دو اصطلاح دارد. یک اصطلاح یعنی آنکه عین وجود است در مقابل حیات که می‌گوییم این تمام عالم است در مقابل اینکه کسی بگوید وهم است، این حیات، عین مفهوم وجود است. حیاتی را که در نباتات، حیوانات و انسان می‌گوییم اصطلاح دیگری است و با حیاتی که عین وجود است فرق دارد.

مطلوب دیگر پرسیده اند که، تصمیم‌گیری می‌تواند در هوش مصنوعی وجود داشته باشد؟ بحث درباره این بود که این واکنش را در این برخورد نشان می‌دهد، با اینکه در واقع باید این برخورد را نشان دهد برخلاف محرک‌هایی که بر او وارد می‌شود، چیزی به آن برسد برخلاف آنچه که مقتضیات آن را ایجاب می‌کند، آیا اختیار دارد که در ارتباط با فشارهای درونی‌اش، غریزی‌اش، در ارتباط با محیط و فشارهای اجتماعی مقاومت کند.

گفته اند که پیشرفت تکنولوژی و کمک بر فعالیت بشر برخلاف حرف آقای غروی شادی بخش است. کسی نمی‌گوید که بد است؛ اما آیا خود دستگاه تجربه شادی دارد؟ در این که تظاهر شادی دارد حرفی نیست؛ اما آیا خودش شاد می‌شود و تجربه شادی، غم و هیجان دارد.

■ ابزار تشخیص رباتی که همه فعالیت‌های انسانی را از انسان واقعی انجام می‌دهد

سؤال دیگر این است که آیا ما ابزاری بعد از قضاوت داریم که رباتی را که همه فعالیت‌های انسانی را از خود بروز می‌دهد از انسان واقعی تشخیص دهیم؟ و سؤال دیگر اینکه بنابر نگاه حکمت مشاء به نفس آیا

آن فیلم ساخته می‌شود. چیزی مثل «آواتار» که یک انسان معمول در عالم خلسته می‌رود و با موجودات که به او قدرت می‌دهند و آبی رنگ هستند به حالات و لذاتی دست پیدا می‌کنند. این‌ها بر اساس مسائلی که در شیطان‌پرستی یا مسائل که به وجود در دنیا منتشر می‌کند، ساخته می‌شود و خیلی از آن‌ها ممکن است مبانی علمی هوش مصنوعی نداشته باشد. پشت صحنه تفکر این‌ها، در بازی‌های تراوین یا بازی‌های دیگر که مطرح است، نبرد خدا و شیطان به طور کلی در این بازی‌ها مطرح است. خیر و شری که این‌ها می‌گویند به شکل ملموسی آن کابالیزم را پی‌گیری می‌کند فیلم لاست یا فیلم‌های دیگر در پشت صحنه، این فلسفه‌ها را پی‌گیری می‌کند. این‌ها را باید با بحث‌های علمی که در اینجا مطرح شد خلط کنیم، ما مؤید این تفکرات نیستیم. حتی فرقه‌هایی که توصل به جن و عالم اجنه را مطرح می‌کنند و در کشورخودمان هم رسوخ‌هایی دارند از ساحت بحث ما خارج است. آنچه را که ما امروز مطرح کردیم این بود که آیا ماشین، ماده و شرایط آزمایشگاه می‌تواند حیات را به وجود آورد؟ بیوتکنولوژی‌ها، زیست‌شناسی‌ها الان گفته‌اند که این قابلیت در محیط آزمایشگاه به وجود آمده است. فعل و انفعال‌های شیمیایی می‌تواند حیات بسیار ساده باکتری مانند را به وجود آورد و خودش به تکثیر سلولی و دو نیم شدن شروع کند؛ اما هیچ کدام از این‌ها اگر روزی این حیات ادامه پیدا کرد و این حیات ساده به شکل حیات ییچیده منجر شد، و از آن DNA، کروموزما و بیتلگی‌های کروموزمی نیست و تعبیر هوش مصنوعی از آن غلط است و واقعاً هوش طبیعی دارد که معلول افاضات الهی است که براساس قوانین خداوند تحقق پیدا می‌کند. اگر الان از لحظه فلسفی به آن جهل داریم؛ اما امکان پذیر است. شاید بحث دیگر، فرار و خروج از دامنه بحث هوش مصنوعی یا مصنوعی بودن آن هوش است. بحث‌هایی که در کلونینگ مطرح است و در آزمایشگاه برهای را به وجود می‌آورند و سلول‌های بنیادین که در پژوهشگاه رویان مطرح است و استخوان را ترمیم می‌کنند و دست مصنوعی می‌سازند مایه اولیه‌اش هست اما آن ماده اولیه‌اش حتی اگر از غیر ذی حیات گرفته باشند ماده‌ای است که خداوند آفریده و از کنم عدم نیست و چیزی است که طبق قوانین و سلسله‌هایی که در عالم واقع خداوند القا کرده است.

والسلام عليکم و رحمة الله برکاته ■

اینکه آیا رایانه می‌تواند بخشی از فعالیت هوشمندانه را به شکل و فرآیند انسانی انجام دهد؟ که به بعد روان‌شناختی و دیدگاه شناخت دقیق آنچه را که در ذهن و روان انسان اتفاق می‌افتد محول کردند اتفاق می‌افتد. آقای غروی این مسئله را نسبتاً پذیرفتند. اما سؤال حساس سوم اینکه آیا رایانه می‌تواند دقیقاً ویژگی‌های ذهنی، حیاتی، روان‌شناختی، شناخت و درک انسانی را داشته باشد؟ آقای غروی مدعی بودند که می‌تنی است بر اینکه حیات تحقیق پیدا کند و نفس به وجود آید و تا نفس و حیات آن موجود صرفاً جامد تحقیق داشته باشد، امکان چنین درک و شعور این درجه از شعور وجود ندارد. آقایان شهریاری و عباس‌زاده بحث را به این منتهی کردند که اگر بدانیم محل است که فرآیندی طی شود از جهت ترکیب اجزای شیمیایی شیء و در آن حیات به وجود آید با توجه به پیشرفت‌هایی که از ابعاد مختلف در زمینه‌هایی که نمی‌دانستیم و الان اتفاق افتاده است و رابطه جسمانی و ذهنی برای موجودی اتفاق بیفتند، این را از جهت فلسفی گفتند که محل نیست و امکانش وجود دارد. آیت الله غروی در امکانش تشکیک کردند و دوباره بحث برگشت به اینکه حیات و نفس منوط است بر اینکه علم حضوری باید وجود داشته باشد و علم حضوری در ماده نمی‌تواند تحقیق پیدا کند. بحث اینکه آیا عالم ماده علم دارد یا نه، ادراک و شعور دارد یا نه، مبانی چالشی مختلفی اینجا مطرح شد. نکته دیگر اینکه آیا در جسم امکان درک و شعور در آن هست؟ بحث چالشی بین فلسفه مشاء و افلاطونی مطرح شد و به نتیجه خاصی نتیج نشد. به مبانی خودش برمی‌گردد.

نکته آخر اینکه در بعضی از فیلم‌های هالیوود؛ مثل «آواتار» که پر فروش ترین فیلم دنیا در دو سال متمادی شد، این‌ها مبانی فلسفی دارد؛ یا بازی‌های کامپیوتری که تولید می‌شود؛ مثلاً سینکریت که فرقه حشاشین و اسماعیلیه را در قدس مطرح می‌کند که عده‌ای می‌خواهند بروند با آن تفکری که حشاشین داشتند، خصوصاً حمله به دیدگاه‌های اسلامی را در این بازی‌ها مطرح می‌کنند و یا مسائل دیگر مثل بازی مکس پین و فیلم آن و مقوله‌های از این قبیل در فیلم‌های بت من که نه تنها از بعد سیاسی که بعدهای فلسفی سنگین پشت این بازی‌ها و فیلم‌ها وجود دارد. فلسفه غرب، فلسفه‌ای است که در زندگی بشر وارد شده و دقیقاً دارد نحوه تعامل هنر را با دیدگاه خودشان رصد می‌کند و پی‌گیری می‌کند. فلاسفه آمریکا و اروپا موظف هستند که در این‌ها نظریه‌پردازی کنند و قلم بزنند و فیلمی مثل «آواتار» که اول کتابش منتشر می‌شود و بارها روی فلسفه‌اش صحبت می‌شود و بعد از



﴿ اخبار علمی - فرهنگی ﴾

مجمع عالی حکمت اسلامی

۱ جلسات هیئت مدیره

هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی در خرداد و تیر ۱۳۹۲، با برگزاری پنج جلسه، اهم موارد ذیل را در دستور کار خود قرار داد:

- ☒ برنامه‌ریزی جهت برگزاری هر چه بهتر پنجمین گردهمایی استادی علوم عقلی؛
- ☒ جلسه با مدیر محترم و معاونان حوزه‌های علمیه؛
- ☒ برنامه‌ریزی جهت حضور در بیست و یکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم؛
- ☒ بررسی نحوه تعامل با مراکز فلسفی سایر شهرستان‌ها؛
- ☒ بررسی در خواست‌های آموزشی و پژوهشی؛
- ☒ بررسی وضعیت گروه‌های علمی؛
- ☒ برنامه‌ریزی جهت فعال شدن گروه‌های علمی فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق؛
- ☒ بررسی امور جاری و اداری.

۲ جلسات گروه‌های علمی

۱. گروه علمی فلسفه

گروه علمی فلسفه در خرداد و تیر ۱۳۹۲، با برگزاری دو جلسه به موضوعات ذیل پرداخت:

- ☒ «ماهیت بنابر اصالت وجود صدرائی و تاثیر آن در قول به مُثُل» توسط حجت‌الاسلام والمسلمین قیومی؛
- ☒ «نقد و بررسی روایات متضمن ذم فلسفه» توسط حجت‌الاسلام والمسلمین مظفری.

۲. گروه علمی کلام

گروه علمی کلام در خرداد و تیر ۱۳۹۲، دو جلسه برگزار نمود که موضوعات ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

- ☒ «پاسخ به سوالات مربوط به نجوم و مسائل کلامی» (جلسه) توسط حجت‌الاسلام والمسلمین زمانی قمشه‌ای؛

- ☒ «گزارش علمی از کنگره بین‌المللی امام مهدی (عج) و آینده جهان» توسط حجت‌الاسلام والمسلمین رضانژاد؛

۳. گروه علمی معرفت‌شناسی

گروه علمی معرفت‌شناسی در خرداد و تیر ۱۳۹۲، سه جلسه برگزار نمود که در آن موضوعات ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

- ☒ «ارزش معرفت‌شناسی دلیل نقلی» توسط حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی عبداللهی؛
- ☒ «راز بداهت تصویری» توسط جناب آقای عارفی؛
- ☒ «بررسی نظریات در باب راز بداهت تصویری» توسط جناب آقای عارفی؛

۴. گروه علمی فلسفه دین

گروه علمی فلسفه دین در خرداد و تیر ۱۳۹۲، دو جلسه برگزار نمود که در آن موضوعات ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

- ☒ «بررسی برهان صدیقین به روایت علامه طباطبائی (جلسه دوم)» توسط حجت‌الاسلام والمسلمین شیروانی؛

- ☒ «اخلاق رسانه؛ توسط حجت الاسلام والملمین فولادی؛

- ☒ «مبانی انسان شناختی اخلاق پزشکی» توسط حجت الاسلام والملمین مصطفی پور؛

۷. گروه علمی عرفان

گروه علمی عرفان نیز در خرداد و تیر ۱۳۹۲ سه جلسه برگزار و موضوعات ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

- ☒ «شر از منظر عرفان» توسط حجت الاسلام والملمین رمضانی؛

- ☒ «نقد و تحلیل استدلال مکتب تفکیک بر وحدت وجود» توسط حجت الاسلام والملمین مصطفی پور؛

- ☒ «وحدة وجود از منظر شریعت» حجت الاسلام والملمین مصطفی پور؛

- ☒ «بررسی نسبت کارکرد شناسی دین و کارکرد گرایی دینی» توسط حجت الاسلام والملمین شاکرین؛

۵. گروه فلسفه علوم انسانی

گروه علمی فلسفه علوم انسانی نیز در خرداد و تیر ۱۳۹۲ سه جلسه برگزار و موضوعات مرتبط با ظرفیت شناسی علوم برای علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفت:

- ☒ «فلسفه تعلیم و تربیت؛ (۲ جلسه) توسط حجت الاسلام والملمین دکتر صادق زاده قمری؛

- ☒ «فلسفه اقتصاد» توسط حجت الاسلام والملمین دکتر عربی؛

۶. گروه فلسفه افلاط

گروه علمی فلسفه اخلاق نیز در خرداد و تیر ۱۳۹۲، دو جلسه برگزار نمود و به موضوعات ذیل پرداخته شد:

۷ واحد مشاوره علمی

مجمع عالی حکمت اسلامی در بخش خدمات مشاوره علمی در خرداد و تیر ۱۳۹۲، جلسات متعددی برگزار نمود که موضوعات ذیل توسط جمعی از استادی مورد مشاوره قرار گرفت:

- ☒ فرق بین ادله وجوب واثبات؛

- ☒ عقلگرایی و حس گرایی؛

- ☒ زیان دین از دیدگاه امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته)؛

- ☒ تاثیر ارواح بر زندگی بشر؛

- ☒ شکاکیت معرفت شناختی در دیدگاه ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبائی (ره)؛

- ☒ مجرد و مادی بودن نفس از منظر علامه طباطبائی، خواجه نصیر و سید مرتضی؛

- ☒ هدف خلقت از منظر علامه طباطبائی، امام خمینی (ره) و شهید مطهری (ره)؛

- ☒ شباهت مبنای گرایی در تصورات؛

- ☒ بررسی مستله امامت؛

- ☒ تحلیل و تبیین تشکیک در وجود و واکاوی نقدهای بر آن؛

- ☒ منزلت عقل در معرفت دینی از نگاه ماتریدیه و امامیه؛

- ☒ بررسی تطبیقی خیال از دیدگاه فلسفه اسلامی و روان‌شناسی؛

- ☒ تفاوت فرقان و قرآن؛

۸ کلاس‌های آموزشی ویژه خواهان برگزار گردید

مجمع عالی حکمت اسلامی با همکاری موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (س) کلاس‌های آموزشی ویژه خواهان برگزار نمود. کلاس‌های آموزشی، منطق قدیم و معرفت شناسی که ویژه خواهان بود از ۲۵ خرداد شروع و تا اول ماه مبارک رمضان ادامه داشت.

در این دوره آموزشی که در موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (س) برگزار گردید حجت الاسلام والملمین فرهی با موضوع «منطق قدیم» دکتر حسن عبدی با موضوع «معرفت شناسی» به تدریس پرداختند.



﴿ پایگاه اطلاع رسانی همایش ملی «حکیم طهران» رونمایی شد ﴾

همزمان با پنجمین گردهمایی اساتید علوم عقلی و برگزاری پیش درآمد همایش ملی حکیم طهران، از پایگاه اطلاع رسانی همایش ملی حکیم طهران رونمایی شد.



پایگاه اطلاع رسانی همایش ملی حکیم طهران؛ نکوداشت مرحوم آقا علی مدرس زنوزی علاوه بر صفحه اصلی شامل زندگینامه، معرفی حوزه فلسفی و فلسفه تهران، محورهای فراخوان، ارکان ستاد برگزاری، مراکز همکار، کمیته های همایش، اخبار و ... می باشد.

در پایگاه اطلاع رسانی همایش ملی حکیم طهران که با آدرس hakim-tehran.com قابل مشاهده است امکان ارسال مقالات برای نویسندها و محققان محترم فراهم شده است. زندگینامه و معرفی شخصیت علمی مرحوم آقا زنوزی نیز در همین پایگاه در اختیار کاربران قرار گرفته است.

﴿ در پنجمین گردهمایی اساتید علوم عقلی از مقام علمی حکیم متاله حضرت آیت الله سید حسن مصطفوی اجلال به عمل آمد ﴾



پنجمین گردهمایی اساتید علوم عقلی چهارشنبه ۸ خداداد ۹۲ بعد از نماز مغرب و عشاء در سالن اجتماعات مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد. در پنجمین گردهمایی اساتید علوم عقلی که پیش درآمد «همایش ملی حکیم طهران؛ نکوداشت مقام علمی مرحوم آقا علی مدرس زنوزی(ره)» می باشد، از مقام علمی حکیم متاله و استاد فرزانه حضرت آیت الله سید حسن مصطفوی اجلال به عمل آمد. در این مراسم ابتدا آیت الله غلامرضا فیاضی رئیس هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی ضمن خیر مقدم به تشریح فعالیت‌ها و برنامه‌های مجمع عالی حکمت اسلامی پرداخت. در ادامه آیت الله غروی عضو هیئت موسس مجمع عالی و از شاگردان آیت الله مصطفوی به ایراد سخن پرداخت. سخنران بعدی مراسم آیت الله مصطفوی بودند که درباره حوزه حکمی و حکیمان تهران سخنانی را بیان فرمودند. در خاتمه لوح تقدیری که به امضاء ناظران معظم مجمع عالی حکمت رسیده بود،

تقدیم حضرت آیت الله مصطفوی گردید. مشرح کامل این گردهمایی در همین شماره از خبرنامه خواهد آمد.

۱۷ برگزاری دوازدهمین نشست از سلسله نشست های کرسی نظریه پردازی



دوازدهمین نشست از سلسله نشست های کرسی نظریه پردازی با موضوع «اراده آزاد و ضرورت علی با رویکرد فلسفی» پنجشنبه ۹ خرداد ۱۳۹۲ در سالن اجتماعات مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد. در این نشست آیت الله فیاضی به ارائه نظریه خود در خصوص اراده آزاد و ضرورت علی پرداخت و حجج اسلام والملمین اقایان رمضانی و سیلمانی امیری به نقد مباحث مطرح شده و نظریه ارائه شده پرداختند. دبیر علمی این نشست را حجت الاسلام والملمین دکتر رضاپور بر عهده داشتند.

۱۸ حضور مدیر حوزه های علمیه در مجمع عالی حکمت اسلامی



حضرت آیت الله حسینی بوشهری مدیر محترم حوزه های علمیه به همراه جمعی از معاونان دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ ضمن بازدید از قسمت های مختلف مجمع عالی حکمت اسلامی در جلسه هیئت مدیره مجمع عالی شرکت کردند. در این دیدار حضرت آیت الله حسینی بوشهری با اظهار خرسندي از فعالیت های صورت گرفته و برنامه های در دست اجرای مجمع عالی حکمت اسلامی فرمودند: با توجه به توصیه های مقام معظم رهبری، نظارت عالی حضرات آیات جوادی آملی، سبحانی و مصباح بزدی و مشی معتمد و منطقی، مجمع عالی حکمت اسلامی توائیت اعتمادی را در بین حوزه، بزرگان و مراجع عظام بدست آورد.

وی شکل گیری و فعالیت های مجمع عالی حکمت اسلامی را برای سایر رشته های حوزوی همچون، فقه، اصول و تفسیر قابل الگو دانستند. آیت الله بوشهری یکی از دلائل موفقیت های مجمع عالی حکمت اسلامی را اهتمام جدی برای پیشبرد اهداف دانستند و فرمودند: فعالیت های زیاد صورت گرفته توسعه مجمع عالی، نشان از اهتمام جدی برای پیشبرد اهداف مجمع عالی حکمت اسلامی می باشد. آیت الله بوشهری در ادامه با ارائه پیشنهادات در زمینه امتداد فلسفه اسلامی، فلسفه کودکان، تدوین متون، ارتباط با مراکز علمی حوزوی، پژوهش نیروهای شاخص و مستعد در علوم عقلی، معرفی استایل فلسفه و ... خواستار همکاری مجمع عالی حکمت اسلامی با حوزه های علمیه شدند. در ابتدای این جلسه آیت الله فیاضی رئیس هیئت مدیره مجمع عالی و جمعی از اعضای هیئت مدیره گزارشی از فعالیت ها، برنامه های مجمع عالی حکمت اسلامی ارائه نمودند و با بیان نقطه نظرات خود، خواستار همکاری مدیریت حوزه های علمیه با مجمع عالی حکمت اسلامی در زمینه های مختلف شدند.



۲ تکوداشت حکیم متاله حضرت آیت الله العظمی سید عزالدین حسینی زنجانی برگزار شد



همایش نکوداشت حکیم متاله حضرت آیت الله العظمی سید عزالدین حسینی زنجانی (ره) همزمان با اربعین ارتحال آن عالم فرزانه از سوی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی و با همکاری مراکز مختلفی از جمله مجتمع عالی حکمت اسلامی ششم تیرماه ۱۳۹۲ با حضور و سخنرانی جناب آقای دکتر علی لاریجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در سالان همایش‌های صدا و سیمای خراسان رضوی برگزار گردید.

در این همایش یک روزه که دکتر سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آیت الله علم الهدی امام جمعه مشهد نیز حضور داشتند، حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی مسعودی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، حجت الاسلام والمسلمین استاد حسن رمضانی از شاگردان آیت الله زنجانی (ره) و عضو هیئت مدیره مجتمع عالی حکمت اسلامی و حجت الاسلام والمسلمین سید محمد انتظام، محقق و مولف در حوزه فلسفه اسلامی و از اعضای مجتمع عالی حکمت اسلامی به ایراد سخن در تبیین ابعاد زندگی علمی و اجتماعی مرحوم آیت الله العظمی زنجانی پرداختند.

در پایان این مراسم از دو محصل فرهنگی دفتر تبلیغات اسلامی به نام «یادنگار استاد حکیم» شامل مقالات علمی فرهیختگان حوزه و دانشگاه در ۴۰۰ صفحه و نرم افزار چند رسانه‌ای با هدف معرفی اندیشه و آرای علمی و شخصیت سلوک معنوی استاد فقاهت و حکمت حضرت آیت الله العظمی زنجانی (ره) رونمایی گردید.

۲ حضور مجتمع عالی حکمت اسلامی در بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم



به لطف خداوند متعال و توجهات خاصه حضرت ولی عصر (عج)، مجتمع عالی حکمت اسلامی در بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم حضور یافت. در بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم که از ۱۴ تیر الی ۱۳ مرداد ۱۳۹۲ در مصلی بزرگ امام خمینی (ره) تهران برگزار شد، مجتمع عالی حکمت اسلامی در دو بخش حزوی و قرآن بنیان با ارائه محصلولات صوتی، تصویری، مکتوب، پایگاه اطلاع رسانی، واحد خدمات مشاوره علمی، متون جلسات گروههای علمی، نشست های علمی و ... حضور داشت. برگزاری نشست های علمی در موضوعات قرآنی و تحول علوم انسانی و ارائه مشاوره در موضوعات فلسفی، کلامی و عرفانی از جمله برنامه های مجتمع عالی در بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم بود.

این دومین حضور مجتمع عالی حکمت اسلامی در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم است.

۲۷ همکاری مدیریت حوزه های علمیه استان تهران با همایش ملی حکیم طهران

آیت الله سید باقر خسروشاهی بر همکاری حوزه های علمیه استان تهران در برگزاری همایش ملی حکیم طهران تاکید کردند.

محمد باقر خراسانی مدیر اجرایی مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر اجرایی همایش ملی حکیم طهران، در جلسه ای با حضور آیت الله سید باقر خسروشاهی مدیر حوزه های علمیه استان تهران، ضمن تشریع فعالیت ها و برنامه های مجمع عالی حکمت اسلامی، به تبیین اهداف و برنامه های همایش ملی حکیم طهران پرداخت و خواستار همکاری حوزه های علمیه استان تهران در برگزاری هر چه بهتر این همایش شدند.



آیت الله خسروشاهی مدیر محترم حوزه های علمیه استان تهران با ابراز خرسنده از اقدامات صورت گرفته، بر همکاری حوزه های علمیه استان تهران با مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر خانه همایش ملی حکیم طهران، تاکید کردند.

همایش ملی حکیم طهران به نکوداشت مقام علمی آقا علی مدرس زنوزی (حکیم مؤسس) اواخر سال ۹۲ با همکاری جمعی از مراکز علمی، اجرایی و فرهنگی کشور برگزار خواهد شد.

۲۸ کارگاه آموزش فلسفه اسلامی برای کودکان در نمایشگاه قرآن کریم



اولین کارگاه آموزش فلسفه اسلامی برای کودکان به همت مجمع عالی حکمت اسلامی در بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم برگزار شد. در این کارگاه آموزشی که به غرفه مجمع عالی حکمت اسلامی در بخش حزوی نمایشگاه قرآن برگزار شد، حجت الاسلام پرویزی با روش خاص و مناسب با کودکان، مفاهیم فلسفه اسلامی را آموزش دادند. در اولین دوره کارگاه آموزش فلسفه اسلامی برای کودکان، علاوه بر کودکان والدین آنها نیز حضور دارند که از نزدیک با روش کار و چگونگی برخورد و پاسخگویی به سوالات کودکان آشنا می شوند.



ویژه نامه همایش ملی حکیم طهران

پنجمین گردهمایی اساتید علوم عقلی
پیش درآمد نکوداشت مقام علمی
مرحوم آقاعلی مدرس زنجیری (حکیم مؤسس)



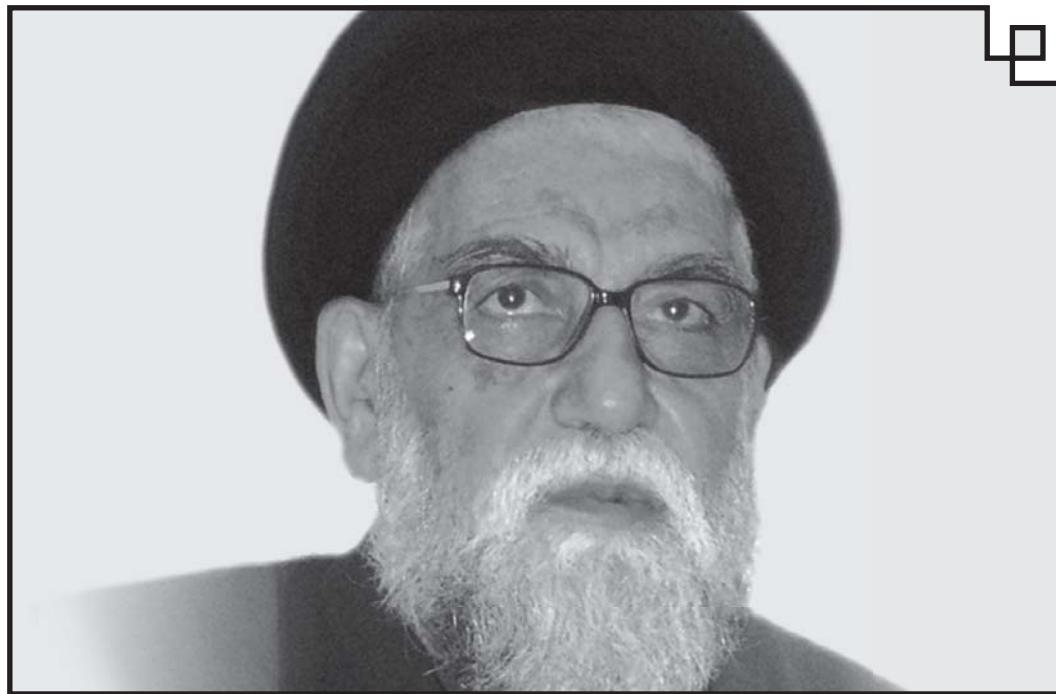
حکایت



یازدهمین گردهمایی اساتید علوم عقلی

پیش درآمد نکوداشت مقام علمی
مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی

به همراه اجال از مقام علمی حکیم متأله
حضرت آیت الله سید حسن مصطفوی



زندگی نامه حضرت آیت الله سید حسن سعادت مصطفوی

دامت بر کاته

به قلم خود

بیان مفň و مطول و منطق حاشیه ملاعبدالله و قوانین و شرح تجريد و شرح منظمه و شرح اشارات و فلسفه مشاء را نزد حضرت والد که از شاگردان ممتاز آقا بزرگ حکم خراسانی بودند و همچنین کفایه آخوند و مکاسب و رسائل شیخ انصاری را در مدرسه علمیه رضائیه که تدریس تمام دروس از سطح وخارج باشان محول شده بود با یک دوره درس خارج فقه و اصول به مدت ۷ سال گذراندیم، و پس از آن مدت چهار سال در درس فقه مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی صاحب شرح عروه بنام مصباح‌الهدی با جدیت در این درس خارج فقه حاضر شدم و در همین مدت و برره چهار ساله در درس حکمت متعالیه اسفار اربعه مرحوم آیت الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی که زمستان‌ها در تهران و همچنین پائیز در منزلشان مجلس درس گرمی از فضلاء را داشتند صبح و عصر حاضر می‌شدم. به مدت ۶ سال درس صبح امور عامه فلسفه بود و درس عصر سفر نفس اسفار؛ تهران دوران جوانی من تهران کنونی نبود. مرکز علماء و حکماء و عرفاء و فقهاء

اینجانب سید حسن سعادت مصطفوی فرزند حضرت آیت الله جامع المعقول و المتقول حاج سید محمد سعادت مصطفوی در اول خرداد ماه ۱۳۱۵ شمسی در شهرستان قاین خراسان جنوبی متولد شدم از شش سالگی به مکتب رفتم و بعضی کتاب‌های فارسی را فرا گرفتم و پس از یک سال و نیم به مدرسه ابتدائی رفتم و چون معلومات در حد کلاس دوم بوده از همان ابتداء مرا به کلاس دوم بردن. تا کلاس پنجم را در قاین بودم.

مرحوم والد بر اثر مبارزاتی که با خاندان علم داشتند و حوزه علمیه قاین را احیاء کردند و موقوفات آن را از تصرف خاندان علم بیرون آوردند، بر اثر مزاحمت‌های آنها ناچار به مهاجرت به تهران شدند و ما در سال ۱۳۲۶ شمسی به تهران منتقل شدیم. کلاس‌های پنجم و ششم ابتدائی و دبیرستان را در تهران طی نمودم و در ضمن تحصیل در این دوران نزد حضرت والد به تحصیل دروس مقدماتی حوزوی اشتغال داشتم. پس از طی دوران دبستانی و دبیرستان بطور جدی صرف و نحو و معانی



■ ولاماتدریس

قبل از انقلاب در مدرسه مروی شرح اشارات و رسائل شیخ تدریس می‌نمودم، بعد از انقلاب از سال ۱۳۶۳ در دانشگاه‌های مختلف - دانشکده الهیات دانشگاه تهران - دانشگاه شهید بهشتی - دانشگاه تربیت مدرس تهران - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات - دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته‌های فقه و اصول - کلام و فلسفه مشاء - متعالیه صدرایی و عرفان نظری تدریس می‌نمودم و اکنون نیز اشتغال دارم.

در این دانشگاه‌ها چهل ساله در مقطع دکتری در موضوعات مختلف فلسفی راهنمایی نمودم یعنی استاد راهنما بودم و قریب ۶۰ رساله را در مقطع فوق لیسانس در موضوعات مختلف فلسفی و کلامی و قرآنی به عنوان استاد راهنما و مشاور هدایت نمودم.

■ وضعیت فعلی بنده

عضو هیأت علمی قطعی تمام وقت دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و مدیر گروه فلسفه و کلام اسلامی این دانشکده - عنوان دانشگاهی استاد تمام پایه ۲۱

مدت چهار سال است که روزهای چهارشنبه به حوزه قم می‌روم و در دارالشفاء تدریس شفاء شیخ الرئیس می‌کنم و فضلاً زیادی در این درس حاضر می‌شوند و تا حال تا مقاله هشتم الهیات شفاء را تدریس نمودم که از طریق صدا و سیما ضبط شده و از شبکه چهار سیما در حال پخش می‌باشد.

دو واحد فلسفه و یا عرفان در مقطع دکتری دنشکده تربیت مدرس قم وابسته به دانشگاه قم همان روز چهارشنبه تدریس می‌نمایم.

■ سمت‌های علمی

عضو رسمی کمیته خبرگان بدون مدرک وزارت علوم و تحقیقات فناوری

عضو رسمی کمیته گرینش استاد و برنامه ریزی وزارت علوم

■ تألیفات

■ شرح نمط سوم اشارات و تنبیهات ابن سينا به فارسی مبسط و تفصیلی در مرکز نشر دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (چاپ شده است)

■ الهیات بمعنی الاخض در قرآن تحت پژوهه دو ساله مشتمل اقلًا بر ۶۰۰ صفحه که ثلث آن تدوین شده الهیات و فلسفه در نهج البلاغه قریب ۴۰۰ صفحه آماده ویرایش و نزدیک به چاپ

بزرگی بود که بعضی از آنها از مراجع نجف و قم کمتر نبودند از عناویاتی که خدا به بنده نود هجرت موقت ۴ ساله حضرت آیت الله شیخ محمد حسین تقی تهرانی نجفی رحمه الله علیه بود ایشان چهار دوره چهار ساله درس مرحوم آیت الله آخوند خراسانی را در کرده بود و هم مباحثه مرحوم آیت الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی (ره) بود بنده در این مدت چهار سال توقف ایشان در تهران مجددًا یک دوره خارج کفایه را به تنهایی از ایشان بهره‌مند شدم و چون ایشان از شاگردان بالاصل مرحوم آیت الله آفای شیخ هادی تهرانی بود که از شاگردان مبرز درس مرحوم شیخ اعظم انصاری است لذا یک دوره درس خارج محجّة العلماء این عالم بحاث اصولی را خدمت مرحوم حاج شیخ محمد حسین فرا گرفتم.

در آن زمان فرا گرفتن و حاضر شدن در درس عرفان آزاد نبود. بنده با استاد عرفان حضرت عارف کامل شیخ محمد علی حکیم تشکر آشنا شدم. چند سالی به تنهایی در درس عرفان ایشان باتفاق یکی از دوستان که مرحوم شده حاضر می‌شدیم، ایشان استاد عرفان دانشکده الهیات دانشگاه تهران بود و کتاب عرفان نظری ایشان را به نام لطائف العرفان دانشگاه تهران چاپ نموده ولی بسیار کم یاب است.

به هر حال از سن دوازده سالگی تا سی سالگی در رشته‌های علوم مقدماتی - فقه و اصول سطح و خارج - فلسفه و کلام اسلامی حکمت مشاء - حکمت متعالیه - حکمت الاشراق - عرفان نظری و کتب معروفش تا مصباح الانس حمزه فناری فی شرح مفتاح غیب الجمع و الوجود للصدرالدین القونوی با جدیت مشغول بودم و در سن ۳۰ سالگی به درجه و مرتبه رفیعه اجتهداد در فقه و اصول نائل شدم اساتید بنده با توجه به مطالب فوق عبارت هستند:

■ مرحوم حضرت والد از مقدمات تا تمام سطح و یک دوره خارج فقه و اصول در محضر ایشان

■ یک دوره چهار ساله خارج فقه در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی صاحب مصباح الهدی فی شرح عروه الوثقی

■ یک دوره خارج کفایه و محجّه در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین تهرانی نجفی

■ اساتید فلسفه و کلام

■ حکمت مشاء و کلام و شرح منظومه در محضر مرحوم آیت الله والد

■ حکمت متعالیه در محضر مرحوم آیت الله رفیعی قزوینی

■ عرفان نظری در محضر عارف محقق حضرت استاد شیخ محمد علی حکیم تشکر شیرازی



پیوستگی نفس به بدن و عدم فساد بعد از فساد بدن در سال ۲۰۱۰ میلادی (در حالیکه عضویت کمیته علمی این همایش را نیز دارا بودم)

شرکت در کنگره الندوة الدولیة الثالثة لا نترولوجيا و الثقافية ۱۱-۹ آفریل بالقیروان ۲۰ فروردین ۱۳۸۷ مقاله و سخنرانی تحت عنوان «الإنسان في القرآن دراسته مقارنة بين الحكمة الإسلامية والحكمة القرآنية»، که در مجموعه مقالات کنگره چاپ شده

در آذر ماه سال ۱۳۸۵ به دعوت مرکز فرهنگی اسلامی جاکارتا، پایتحث اندونزی جهت ایراد سخنرانی‌های علمی در برخی از دانشگاه‌های بزرگ کشور اندونزی از تاریخ ۸۵/۱۰/۵ به مدت ده روز به کشور اندونزی مسافرت نمودم و در این مراکز به شرح ذیل ایراد سخنرانی نمودم:

کالج اسلامی جاکارتا، موضوع سخنرانی: «نفس و جایگاه عقل در اندیشه اسلامی همراه با سؤال و پرسش بعد از سخنرانی»

دانشگاه مالانگ، موضوع سخنرانی: «نفس فلسفه و عرفان اسلامی در حل شاكل اجتماعی همراه با سؤال و پرسش»

دانشگاه جاکارتا، موضوع سخنرانی: «دیدگاه فلسفه و حکماء اسلامی نسبت به تمدن جدید همراه با سؤال و پرسش»

در جمع ایرانیان مقیم اندونزی، موضوع سخنرانی: «سیره حضرت امام باقر علیه السلام»

و همچنین به دعوت سفیر محترم جمهوری اسلامی سفری دو روزه به کشور مالزی داشتم. در پایتحث آن کشور در شب قبل از عید غدیر سخنرانی علمی در جمع اساتید سی و شیعی و همه ایرانیان مقیم در پایتحث از دانشجویان و غیر که قریب به هزار نفر بودند همراه با سؤال و پرسش.

سمت‌های اجرایی

سپریستی کاخ نیاوران از طرف حضرت امام خمینی(ره) از بدء انقلاب ۲۳ بهمن ۵۷ تا اسفند ۱۳۶۳ به مدت قریب به ۶ سال

ریاست دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق علیه السلام از آذر ماه ۱۳۶۹ تا اسفند ۱۳۷۸ به مدت ۹ سال

ریاست دانشکده الهیات دانشکده الهیات دانشگاه تهران از اسفند ۱۳۷۷ تا اسفند ۱۳۸۱ به مدت چهار سال

ریاست گروه فلسفه و کلام دانشگاه امام صادق علیه السلام به مدت سه دوره که هنوز نیز ادامه دارد.■

مقاله‌های مختلف علمی قرآنی و فلسفی در مجلات علمی و پژوهشی.

مقالات

ملاحظاتی در باب حرکت جوهری چاپ شده در دفتر ۶۴ زمستان ۱۳۷۷ مقالات و بررسی‌های مربوط به دانشکده الهیات دانشگاه تهران

علم خدا، مجله پژوهش‌های فلسفی و کلامی چاپ شده در فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم ال ۱۲ زمستان ۱۳۸۵

حل پارادکس عینیت و ذهنیت وجود مطلق با تکیه بر هستی شناسی علامه سید حیدر آملی چاپ شده در دو فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه دین و معرفت شناسی نامه حکمت سال پنجم شماره اول بهار و تابستان ۱۳۸۶

فلسفه در افق عقل و دین چاپ شده در فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب میثاق قم شماره پنجم زمستان ۱۳۸۶

ایت و یقین آور بودن برهان صدیقین سینیوی چاپ شده در دو فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه دین و معرفت شناسی نامه حکمت سال ششم شماره دوم پائیز و زمستان ۱۳۷۸

سخنرانی در همایش‌ها

همایش ویژه یکصدومین سال تولد علامه سید محمد حسین طباطبایی ارائه مقاله و سخنرانی در مورد شخصیت فکری علامه طباطبایی در دو بعد تفسیر و فلسفه (با تکیه بر دو مسئله حرکت در جوهر و اتحاد عاقل و معقول چاپ در میزان حکمت انتشارات صدا و سیما سال ۱۳۸۲

حرکت و زمان با توجه به دیدگاه‌ها و آراء استاد شهید مطهری(ره) و سخنرانی در همایش جهانی حکمت مطهر چاپ شده در مجموعه حکمت مطهر، دیرخانه دائمی حکمت مطهر دانشکده صدا و سیما، چاپ تهران، ۱۳۸۶

شرکت در سمپوزیوم اسلام و مسیحیت ارتدکس در یونان در آذرماه ۱۳۶۹ با مقاله و ایراد سخنرانی تحت عنوان «عشق از دیدگاه حکماء اسلام»

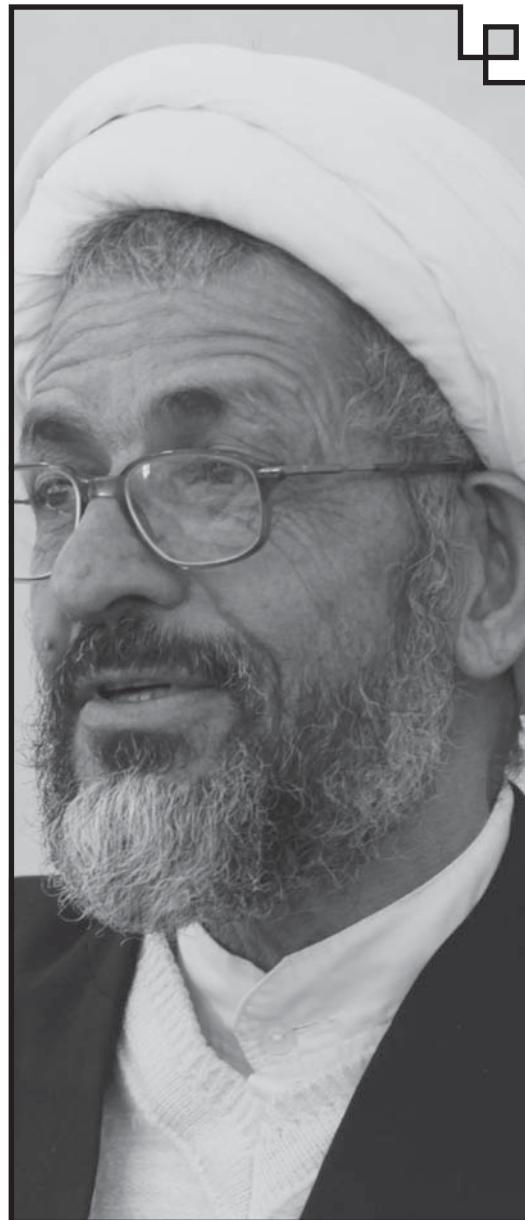
ارائه مقاله: امامت عامه و خاصه در اولین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام چاپ شده در مجموعه آثار توسط انتشارات آستان قدس رضوی خرداد ۱۳۶۵

سخنرانی بحث فلسفی در رابطه با علم عنوان مقاله: «علم بذوق اسباب لایعلم باسبابها» چاپ شده در مجموعه مقالات بمناسبت بزرگداشت دویستمین سال تولد حکیم سیزدهم انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

سخنرانی علمی فلسفی تحت عنوان: نفس و کیفیت



{بیانات آیت الله در پنجمین گردهمایی}



أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين، الصلاة والسلام على نبيّنا محمد وآلّه الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم جميعين. أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لهؤلئة لو لا أن هدانا الله.

خیر مقدم عرض می کنم خدمت سروران مکرم و اساتید بزرگواری که عنایت فرمودند و دعوت ما را برای این مجلس پذیرفتند و خدا را سپاسگزاریم براینکه این مجتمع مورد عنایت مقام معظم رهبری دامت برکاته قرار گرفته و در دیداری که هیئت مدیره محضرشان مشرف شدند خشنودی و رضایت خودشان را از کار دوستان اظهار فرمودند. امیدواریم که ان شاء الله همان طور که این کار مرضی حضرت ایشان قرار گرفت، مرضی حضرت ولی عصر صلوات الله علیه هم قرار گرفته باشد.

مجمع عالی حکمت اسلامی، برنامه‌های مختلفی دارد که از جمله جلسات گروههای علمی در مجمع است که یکی از برکات و همچنین یکی از آرزوهای اهل تحقیق بود، که اساتید آرا و تقریر جدیدی و یا اشکالی را که به نظرشان آمده است در محضر هم سنگ‌های خودشان مطرح کنند و آن ها را به نقد و بررسی بگذارند. این جلسات، یکی از کارهای بیسابقه یا حداقل کم سابقه در حوزه‌های علمیه بوده که



فیاضی (ریاست محترم هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی)

اساتید علوم عقلی مجمع عالی حکمت اسلامی

امیدواریم از برکاتش استفاده کنیم و من لازم می‌دانم که این جلسات را جدی می‌گیرند و شرکت فعال دارند تشرک و قدردانی کنم.

یکی از کارهای دیگر مجمع نشسته‌های علمی است که در سال گذشته، هجده نشست علمی داشتیم از جمله، هویت شخصیه از دیدگاه فلسفه‌ی ذهن و علم النفس فلسفی؛ مهدویت و نگاهی به پژوهش‌های نو در این مسئله؛ اراده‌ی آزاد و ضرورت علی‌با رویکرد فلسفی؛ اراده‌ی آزاد و موجبیت، آزادی یا جبر اجتماعی؛ ظرفیت شناسی علم اصول فقه برای علوم انسانی؛ هوش مصنوعی از دیدگاه فلسفه؛ و جلسات دیگری که در قم و تهران تشکیل شده است. گروه‌های علمی در مجموع صد و نوزده جلسه داشتند: گروه عرفان؛ ۱۵ جلسه، گروه کلام؛ ۱۸ جلسه، گروه فلسفه علوم انسانی؛ ۱۷ جلسه، گروه معرفت شناسی؛ ۱۵ جلسه، گروه فلسفه دین؛ ۱۸ جلسه، گروه فلسفه‌اخلاق؛ ۱۹ جلسه، گروه فلسفه حقوق؛ ۵ جلسه و گروه فلسفه؛ ۱۷ جلسه.

از هیئت مدیره محترم تشرک و قدردانی داریم که با اخلاص و جدیت، کار را انجام دادند و امسال ۲۶ جلسه داشتند؛ اتفاق فکر مجمع هم ۸ جلسه داشتند. از کارهای دیگر مجمع، آموزش‌های کوتاه مدت و بلند مدت است. در کوتاه مدت، ۱۴ موضوع مطرح شده که صدوبیست جلسه بود و از ده استاد استفاده شده و تعداد افراد شرکت کننده هم، ۱۹۴ نفر بوده است. در آموزش‌های بلند مدت، ۳۰ موضوع داشتیم که ۲۴ موضوع خارج از مجمع عالی و ۶ موضوع در محیط آموزشی مجمع عالی برگزار شد. کتابخانه خوبی داریم که افراد از این کتابخانه استفاده می‌کنند. خدمات مشاوره که امسال شروع شده نیز، قابل توجه است که کسانی که مغضبل علمی دارند یا برای نوشتن رساله علمی شان به کمک نیاز دارند، به آنها مشاوره داده می‌شود؛ چه مشاوره‌های حضوری و چه تلفنی یا از طریق رسانه عمومی. کارهای بسیار دیگری هم هست که وقت سروران مکرم را نمی‌گیرم و اگر لازم شد دوستان تکمیل می‌فرمایند.

از حضرت آیت الله مصطفوی هم تشرک می‌کنم که دعوت هیئت مدیره مجمع را برای حضور در این جلسه پذیرفتند و خدا را شکر می‌کنیم که به ما توفیق داد که از خدمات کسانی که مروج علوم عقلی بودند به اندازه خودمان قدردانی کنیم. این علوم که محور تبیین معارف اسلام است؛ یعنی اگر بخواهیم معارف عقیدتی و مباحث اخلاقی اسلام را تبیین کنیم، باید از تعقل و تفکر و علوم عقلی استفاده کنیم. همان طور که بزرگان شیعه در طول تاریخ این کار را کردند و این از افتخارات شیعه است که تفکر عقلی همواره در او زنده بوده است. امیدواریم که رهروان خوبی باشیم و حافظ و مروج خوبی برای میراثی که گذشتگان برای ما گذاشته‌اند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد(ص).

**اگر بخواهیم
معارف عقیدتی
و مباحث
اخلاقی اسلام
را تبیین کنیم،
باید از تعقل و
تفکر و علوم
عقلی استفاده
کنیم و این از
افتخارات شیعه
است که تفکر
عقلی همواره
در او زنده بوده
است.**



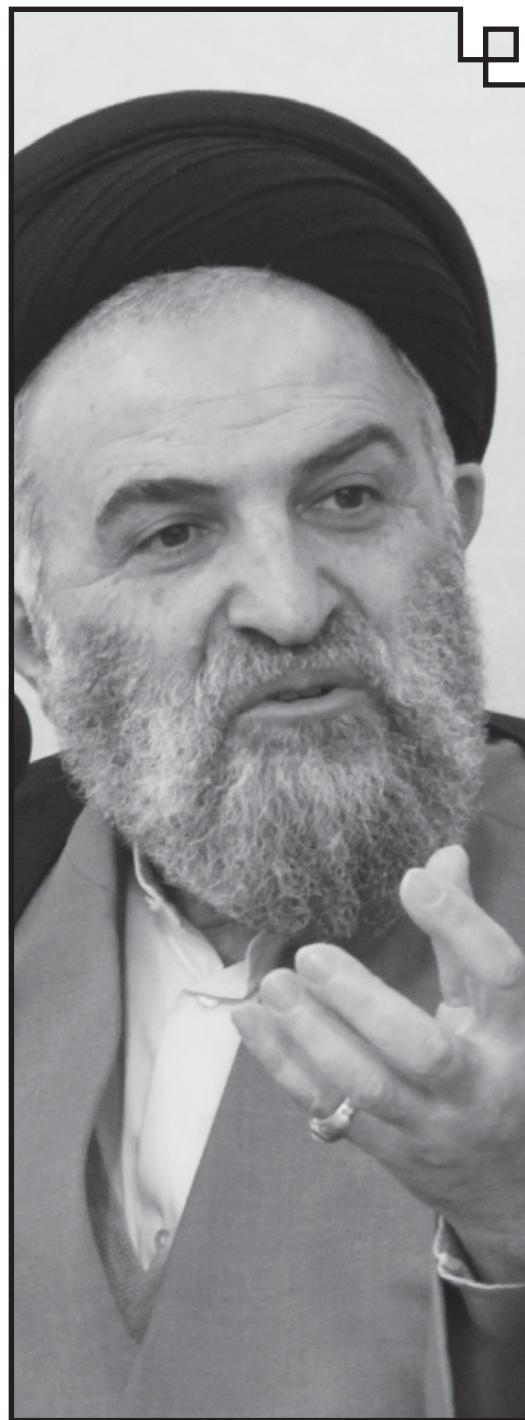
خصوصیات علمی در بیانات آیت‌الله غروی

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم ورحمة الله.
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا ونبينا
بابالقاسم محمد(ص) و اهل بيته الطيبين الطاهرين و لعنة الله
على اعدائهم اجمعين من الان الى قيام يوم الدين.

در حدیث اول اصول کافی آمده است: محمد بن یعقوب عن محمد بن یحيی العطار عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن العلاء بن رضی عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام - روایت، روایت صحیحه است، همان طوری که حضرات خودشان واقف هستند، لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ
اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلَ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرَ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَعَزَّزَتِ
وَجَالَى مَا خَلَقَ ثُمَّ خَلَقَهُ هُوَ أَحَبُّ إِلَيْيَّ مِنْكَ وَلَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ
أَحَبُّ أَمَّا إِنِّي إِيَّاكَ أَمْرَ وَإِيَّاكَ أَنْهَى وَإِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَإِيَّاكَ أُثْبِتُ.

این روایت، خیلی محل بحث واقع شده است. ولی یک احتمالش این است که این مرتبه از ادراک انسانی وقوعی که خلق شد لزومی ندارد مستقل باشد. این ویژگی هایی را دارد که در این حدیث بیان فرمودند. استنطقه؛ او را به سخن وا داشت تلقی من این است که گویای انسان منوط به عقل است، او را به سخن وا داشت. استنطقه، تلقی من از این عبارت، این است.

ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلَ، فَرَمَدَنَدَ كَهْ بِيَا جَلُو، فَأَقْبَلَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرَ،
فَأَدْبَرَ، یعنی عقل است که چه در اوامر و چه در نواهی از خدا اطاعت می کند. بعد فرمودند: به عزت و جلال خودم، هیچ کدام از خلایقی که خلق کردم پیش من محظوظتر از تو نیست. ما أَحَبُّ، وَعَزَّزَتِ وَجَالَى ما خَلَقَهُ هُوَ أَحَبُّ إِلَيْيَّ
منک و لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ. کسی که محظوظ من هست در او تو را کامل کرد؛ یعنی أَحَبُّ خلق پیش خدا و انسانها کسی است که کامل ترین عقل را دارد، که حضرت پیامبر و انوار طاهرين و اهل بیت آن حضرت هستند که آن



۱. اصول کافی، کتاب العقل والجهل، ج ۱، روایت.



و اخلاقی آیت الله مصطفوی «دامت بر کاوه»

(از شاگردان آیت الله مصطفوی و عضو هیئت مؤسس مجتمع عالی حکمت اسلامی)

ها عقل کامل هستند. أما إنّي أياك آمر، به تو امر می کنم یعنی چون تو عقلی، می توانی طرف امر من، آن هم امر تشریعی من
قرار بگیری و ایاک أنهی و ایاک أعقاب و ایاک أثیب.

روایت بسیار جالبی است؛ البته بحث در ارتباط با این روایت زیاد است.

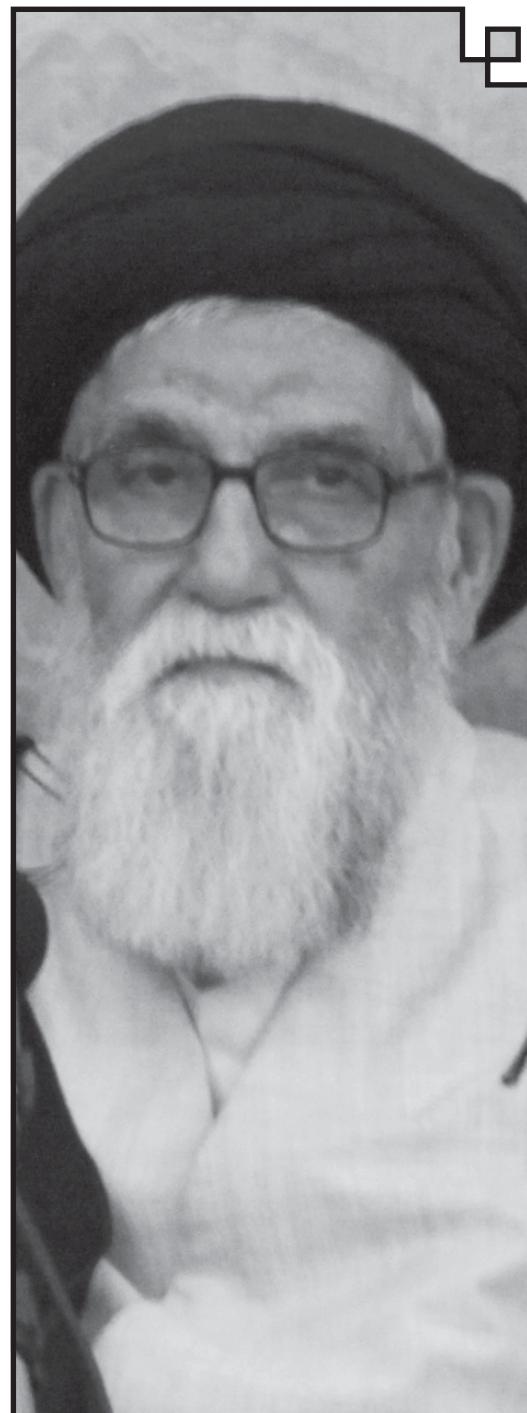
توجه دارید که پنجمین گرددہمایی اساتید علوم عقلی، پیش درآمد نکوداشت مقام حکیم تهران، مرحوم آقا علی مدرس زنوزی را
داریم و این پنجمین گرددہمایی اساتید است که در قم تشکیل می شود. فرصت بسیار مغتنمی است که این گرددہمایی با تجلیل از
مقام علمی و تقوایی حکیم متالله و فقیه، حضرت آیت الله حاج سید حسن مصطفوی همراه است. برای بنده بسی افتخار است که از
حضرت این استاد بزرگوار در سال های ۴۴ یا ۴۵ استفاده کردم و همواره ایشان را از اساتید خودم دانسته و به حسب وظیفه دعاگوی
ایشان بوده‌ام. خصوصیات ایشان که برای بسیاری از عزیزان شناخته شده نیست. این حکیم و فقیه متالله در بیت علم، فقاهت و
حکمت، پرورش یافته‌اند. پدر بزرگوار ایشان فقیه و حکیم متالله مرحوم آیت الله آقا سید محمد سعادت مصطفوی بودند، ولی معروف
به مصطفوی بودند، کسانی که مرحوم آیت الله سلطانی را دیده بودند، تقریباً چنین سیمایی داشتند؛ سیمای بسیار گیر، آیت الله
مصطفوی بیشتر دروس مقدماتی، خارج فقه، اصول و حتی فلسفه را در خدمت پدر بزرگوار ایشان گذراندند و از خصوصیات پدر ایشان
این بود که عالمی بسیار منزوی به معنای مثبتش بودند و حتی این طور در ذهن‌هم هست که امامت جماعت را هم نمی‌پذیرفتند.

ایشان غیر از اینکه از استاد بزرگوار و پدرشان، چه در سطح و چه در خارج استفاده‌های فراوانی کردند، چند سالی را هم از مرحوم
آیت الله العظمی آقا شیخ محمد تقی املی استفاده کردند و دروس حکمت متعالیه و اسفرار را خدمت مرحوم آیت الله رفیعی قزوینی
گذراندند. یکی دیگر از اساتید ایشان مرحوم آیت الله آشیخ محمد حسین ثقی تهرانی بودند که از شاگردان برجسته مرحوم آخوند
خراسانی بودند. ایشان یک دوره خارج کفایه را خدمت ایشان خواندند. دروس عرفان نظری را هم از مرحوم استاد آقا شیخ محمد
علی حکیم تشكر، فرا گرفتند. موقعی که ما در خدمت ایشان بودیم، که حدود ۴۷ سال قبل می‌شود، من نوجوان بودم. ایشان از
افاضل حوزه علمیه تهران تلقی می‌شدند و درس شرح منظومه و درس‌های دیگر سطح را ارائه می‌فرمودند و همین طور ادامه
داشت که البته ما دیگر قم بودیم و متأسفانه نتوانستیم از محضر ایشان استفاده کنیم.

ایشان، بعد از انقلاب هم در خدمت انقلاب بودند. آن هم بیشتر در زمینه‌های فرهنگی بدون اینکه در زمینه‌های دیگر ورود پیدا
کنند هر چند که این زمینه را داشتند ولی بنایشان بر این بود. در برخی از جلسات سال ۱۶۰۱-۱۶۰۲ که ما در خدمت ایشان هم بودیم
که خجالت می‌کشیدیم برای اینکه در جلسه‌ای بودیم که استادمان هم بود ولی برای ایشان هیچ مسئله‌ای نبود و ایشان هم واقعاً
در خدمت نظام بودند و آن اوایل هم کاخ نیاوران مدتی تحت اشراف ایشان اداره می‌شد. بعد هم زمینه را در دانشکده الهیات و
دانشگاه امام صادق علیه السلام را برای ارائه درس‌های فلسفه ایشان مساعد دیدند و دریغ نکردند در نتیجه از استادی و بلکه از
اساتین حکمت در این سه دهه بودند و از محضر ایشان استفاده می‌شد و وجود ایشان مغتنم بود.

البته این زمینه را من احساس می‌کنم، نمی‌توانم هم باز کنم، چه بسا در حوزه چنین زمینه‌ای نبود که ایشان بتواند افاده کند و
دیگران از محضرشان استفاده کنند. به هر صورت ما مقدم این استاد بزرگوار را گرامی می‌داریم و من وظیفه دانستم، دوستان هم
به من امر کردند که چند جمله‌ای را با اجازه دوستان، خدمت عزیزان عرض کنم. ایشان از فیلسوفان و فقهای برجسته هستند
که در تهران مشغول تدریس و ارائه بسیاری از خدمات علمی هستند. امیدوارم که در این جلسه بتوانیم از محضر ایشان، کاملاً
استفاده کنیم. ■

ایت الله
مصطفوی از
اساتید و بلکه از
اساتین حکمت
در این سه دهه
بودند و وجود
ایشان مغتنم
بود.



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و أهل بيته الطيبين و الطاهرين الهدأة المهدىين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

آقایان و برادران عزیز لطف فرمودند مطالعی را هم درباره من فرمودند که شاید خیلی از آن ها در من نباشد، به ویژه آقای غروی که از اساتید خوب هستند. همه ما در این دوره رسالت سنگینی داریم؛ چون با عناوین مختلف با مسائل فلسفی مبارزه می‌شود، در حالی که فلاسفه اسلام ما جز خدمت به دین کار دیگری نکردند و این تبلیغات باطل است که فلاسفه را ضد دین می‌دانند. دفاع از دین با فلسفه است، اگر فیلسوف نداشته باشیم، مشکلات علمی روز را چگونه پاسخ دهیم؟ با وجود اینکه حضرت آقا نهایت عنایت را به این مسئله دارند این مسائل فلسفی در قم کند پیش می‌رود و باید بهتر از این باشد. جوان‌های ما باید توجه پیدا کنند که اگر این علوم نباشد با چه چیزی می‌توانیم به مبارزة دشمنان دین برویم؟ کسی که قرآن را قبل ندارد با سلاح قرآن نمی‌توانی جوابش را بدھی. در همین معاد جسمانی، جواب کسانی را که قایل به تناسخ هستند را از راه دین می‌توانید بدھید؟ تناسخی می‌گویند روح مجرد را قبول داریم، قیامت می‌خواهد چه کند؟ ارواح خوب و بد به این دنیا بر می‌گردند و کیفرشان را در این دنیا می‌بینند. آیا این جوابی جز جوابهای شیخ الرئیس یا ملاصدرا دارد؟ معاد که از ارکان دینی ما است و مشکلات دیگری که دارد و این ها چون متشرّع بودند سعی کردند که عناوین دینی را هم با مسائل فلسفی تطبیق دهند. بعضی موفق شدند و بعضی هم ممکن است که اشتباہ کرده باشند، این موجب نمی‌شود که بدینی ایجاد شود.



بررسی حوزه حکمی و حکمای تهران

در بیانات آیت الله سید حسن سعادت مصطفوی «دامت برگاته»

○

معرفی ملا عبدالله زنجی

برای نکوداشت اساتید و حکماء تهران که مجتمع در نظر دارد درباره این دو بزرگوار مطالبی را عرض می کنم. یکی مرحوم ملا عبدالله زنجی، فرزند باباخان یا باپرام قلی که ایشان در زنجی از توابع روستای اطراف زرند است متولد شد و بعد مدارج تحصیلی را طی کرد. در حالات مرحوم ملا عبدالله حرفهای خلاف واقع گفته شده است، ولی مرحوم آقا جلال آشتیانی (رحمه الله علیه) که در مقدمه «لمعات الهیه»، می فرمایند که اخیراً نامه‌ای به دست‌رسید که مرحوم آقا علی مدرس، خط خودش بود، توسط یکی از شاگردانش و ایشان حالات پدرش و خودش را به طور اختصار صحیح بیان کرده است.

در مقدمه لمعات الهیه که کتاب خیلی خوبی است می فرماید که پدرم بعد از آنکه مطالب مقدمی را طی کرد، در همان آذربایجان، در موطن خودش، به خوی آمد و بعد آنچه هم تحصیلاتی و مطالبی برایش فراهم شد، آن هایی که لازم بود را فرا گرفت و بعد به نجف رفت و در درس آقا سید علی معروف به صاحب ریاض در نجف حاضر می شد و بعد از نجف، دوباره به اصفهان آمد و در اصفهان در درس مرحوم آقا سید محمد مجاهد صاحب مناهل، شرکت می کرد.

عده ای اشتباه کردند، و فکر کردند که مرحوم ملا عبدالله در نجف در درس آقا سید محمد بوده است؛ در حالی که آقا سید محمد مجاهد در زمان مرغیت پدرشان در اصفهان بودند و از فقهای بزرگ اصفهان بود ایشان در درس آقا سید محمد مجاهد شرکت می کرد و بعد به قم تشریف آورد. ملا عبدالله در قم نزد مرحوم میرزا قمی (رحمه الله علیه) قوانین و مسائل دیگر را خدمت ایشان خواند و بعد به اصفهان رفت. در اصفهان به درس مرحوم آقا سید محمد مجاهد و آقا سید مرحوم حجت الاسلام شفتی می رفت. این‌ها فیلسوف‌های ما هستند که همه دروس فقه را می خواندند. بعد به درس مرحوم آقا علی نوری رفت. آخوند ملا علی نوری هم فیلسوفی بود که صدرصد به دین معتقد بوده و مقلد میرزا قمی بوده است. در جامع الشتات میرزا قمی که الان چاپ شده است از مرحوم میرزا قمی استفتایی می کند و می گوید که نمازهای احتیاطی را به این طریق می خواندم آیا درست است؟ میرزا جواب می دهد که اشتباه می کردید. می گوید که من مقلد شما هستم، فیلسوفی که بیش از چهل سال در اصفهان، حوزه درس دارد مقلد میرزا قمی است. پس این چه تهمتی است که گاهی به فلاسفه می زندن؟ آخوند ملا علی نوری (رحمه الله علیه) وقتی که مرحوم ملا عبدالله ایشان و محضرش را درک کرد معتکف آن درگاه شد، تمام دوره‌های آخوند ملا علی نوری، علاوه بر فلسفه، در عرفان هم ید طولایی دارد، حاشیه‌هایی که در کتب عرفانی دارد خیلی دقیق است، گاهی وقت‌ها می گوید «فافهم ان کن اهله»؛ اگر اهلش هستی بفهم. مدرسه خان مروی که حاج محمد حسین خان مروی ساخت از فتحعلی شاه تقاضا کرد که شما بگویید که آخوند ملا علی نوری از اصفهان باید در اینجا تدریس کند. فتحعلی شاه هم خیلی محترمانه کسی را فرستاد، ایشان عندر آورد و صحیحش این است – نه اینکه من پیر شدم، نمی توانم و ... آن هم دروغ است – که در نامه آقا علی مدرس است. نوشته که در اصفهان دو هزار طلبه مشغول درس هستند. چهار صد نفرشان در درس من شرکت می کنند. اگر تهران بیایم، این چهار صد نفر پرآکنده می شوند.

فلسفه اسلام
ما جز خدمت به
دین کار دیگری
نگرددند و این
تبليغات باطل
است که فلسفه
را ضد دین
می دانند. دفاع
از دین با فلسفه
است.





الأشراف» مطالب خوبی دارد. یکی از مطالبش این است که می‌گوید ما وقتی می‌خواهیم به چیزی علم پیدا کنیم و بشناسیم، چهار مرتبه دارد: یک مرتبه علمی، مثلاً آتش را ندیدی، می‌گویند که آتش جسمی، جوهري چنینی است، حرارت دارد، می‌سوزاند و هر چیزی را شکل خودش در می‌آورد. شما به وجود آتش یقین می‌کنی، این مثل معرفت ناقصی است که مردم به خدا دارند. عالم خدایی دارد. حالا بر فرض علم باشد، خدایی هست، عالم اراده می‌شود، می‌بینی نمی‌شود.

مرتبه دوم کسی است که آتش را از اثرش فهمید، دود را دید، این دود علت دارد. به تعبیر ما با برهان آنی، آتش را کشف می‌کند. می‌گوید که این مثل اعتقاد عوام است که از راه آثار می‌خواهد خدا را بشناسد توده مردم همین اند آثار خدا، آسمان، زمین، خلقت، اما خدا را که نمی‌شود آن طوری شناخت. بله این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید.

سوم می‌فرماید که فردی نزدیک آتش رفته و گرم شده، گرمای آتش را احساس کرده، اما هنوز به خود آتش متصل نشده است. می‌گوید که این نظیر ایمان آن هایی است که معرفتی و حالت اطمینانی به حق پیدا کردد و از ذات اقدس احادیث عنایتی به این ها شده است.

مرتبه چهارم این است که در آتش برود و در آتش غوطهور شود، می‌سوزد این هم آتش را درک کرده است ولی دیگر از خود گذشته است. می‌گوید این درجه مردمان عالی است. آن هایی که فنای در توحید پیدا می‌کنند. در اینجا مرحوم ملاعبدالله توضیحی دارد. می‌گوید که گرچه کسی می‌تواند از مثل مرحوم خواجه این طور استفاده کند که ما غرق شویم و با خدا یکی شویم، این محال است.

درست می‌گوید؛ زیرا موجود ممکن نمی‌تواند با واجب یکی شود. فقیر بالذات که نمی‌تواند با غنی بالذات یکی شود، هم حلول و هم اتحاد غلط است. می‌گوید که پس می‌دانی مقصود خواجه چیست؟ عده ای مثل جهله صوفیه خیال کردن که وقتی انسان فانی شود، با خدا یکی می‌شود؛ نه، این محال عقلی است؛ مگر اینکه خدا را واجب بالذات ندانیم. در منطق می‌دانید که هیچ کدام از مواد ثالث به یکدیگر متنقلب نمی‌شود، ممتنع بالذات واجب بالذات نمی‌شود واجب بالذات، نمی‌تواند ممکن بالذات شود. ممکن بالذات می‌تواند واجب بالغیر شود؛ اما نمی‌تواند واجب بالذات شود. هر کاری کنیم لباس امکان از تن ما در نمی‌آید.

چه امکان را به معنای امکان ذاتی بدانیم یا به معنی امکان

دوباره اصرار کرددند که ملا عبدالله زنوی را که جامع معقول و منقول بود فرستاد و ایشان خیلی هم محترم بوده است. آقا علی مدرس می‌گوید که دربار آن روز و فتحعلی شاه خیلی به پدر و مادر ما احترام می‌گذاشتند. ایشان بیست سال در مدرسهٔ مروی تدریس کرددند. در سال ۱۲۵۷ رحلت کرددند. ایشان کتاب‌های زیادی نوشته است ولی سه کتاب دارد که یکی از آن‌ها روشن است. لمعات الهیه، بهترین کتاب در اصول معرفت خدا، صفات خدا و کیفیت تحقق کثیر در عالم و... است. کتاب پسیار ارزنهای است. یعنی مطالب فلسفی را چنان پایین آورده و آسان در اختیار افراد می‌گذارد که مرحوم آقا جلال هم خیلی از کتابش تجلیل می‌کند. این کتاب را به تقاضای فتحعلی شاه نوشته است. این کتاب دربارهٔ خدا، صفات خدا، کیفیات صفات حق، کیفیت ظهور افعال متکثرا ذات اقدس احادیث با اینکه خدا واحد حقیقی به تمام معنا است می‌باشد و این مطالب را به خوبی تبیین کرده است.

خودش در اول کتاب می‌گوید که من مبادی این علم را با اصول و مقاصد چنان به هم آمیختم که کسی نمی‌تواند فرقی بین مبادی و اصل مطالب پیدا کند. بعد این شعر معروف را آورده که: رَقُّ الزُّجَاجُ وَ رَقَّتُ الْخَمْرُ وَ تَشَابَهَا فَكَشَا كَلَ الْأَمْرُ؛ فَكَلَّا خَمْرٌ وَ لَا قَدْحٌ وَ كَلَّا قَدْحٌ وَ لَا خَمْرُ؛ - که معمولاً این را عرفای خوانند - یعنی اگر جام شرابی را فرض کنید که به قدری رقیق و شرابش ناب باشد و ظرف هم آن قدر لطیف و نازک باشد شراب قرمز طوری در این ظرف نازک به هم پیوسته می‌شود که خیال می‌کنی همه‌اش ظرف است و شرابی نیست، دقت کنی می‌بینی شراب است، ظرف است. در نظر بیاورند کسی را که چنان در مراتب سیر و سلوک بالا رفته و همهٔ اینیت‌ها و تعلقات را فراموش کرده، خودش هم بادش رفته و در حق فانی شده است، این دیگر طوری می‌شود که تشخیص داده نمی‌شود. بندهای است که بندگی اش عین ارتباط به حق است. ایشان این را در اینجا آورده، تشبيه بدی هم نکرده است، چون مبادی نسبت به مطالب، مثل ظرف است. اگر مبادی علمی رانداییم، مطالب مفید نیست. ایشان می‌گوید که این مطالب را چنان با مبادی پیوسته کردم که اگر کسی نگاه کند خیال می‌کند که همه‌اش مبادی است. از آن طرف نگاه کند می‌بیند که همه‌اش مطلب است. این تشبيه‌ش هم تشبيه خوبی است.

در آخر این کتاب، مطلب خوبی دارد. این را برای طالبی می‌گوییم که در این صراط هستند. اساتید که توجه دارند. ایشان سخنی نقل می‌کند که همین هم هست مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی (ضوان الله علیه) در کتاب «اوصاف



می‌گوید پدر من نوشته است، توضیح داده خدا چگونه غصب می‌کند و به غصب، مردم هلاک می‌شوند. توجیه فلسفی کرده است. این دو کتاب کمیاب است. انوار الجلیه الآن چاپ شده است؟ چون خودم می‌خواستم این حدیث را شرح کنم و شرح هم کردم، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) آن را چاپ کردن، خیلی گشتم شرح ایشان را پیدا نکردم.

مدرس آقای علی معرفی

اما پسر ايشان، آقا على مدرس (رضوان الله عليه) همه تحصيلاتش نزد پدرش بوده است. خودش می گويد که ديبات، صرف، نحو، شرح لمعه، قوانین و فلسفه را نزد پدرم خواندم. از پدرش هم خيلي تجليل می کند. اگر چه جاهایي در بعضی مسائل فلسفی با مرحوم پدرش اختلاف دارد. مرحوم آقا على مدرس (رضوان الله تعالى عليه) اغلب مريض بوده است. می گويد گاهي سر درد به قدری به من فشار می آورد که سرم را به ديوار می کوبم. با اين وصف، آثار زبادي هم از او مانده است. آثارش را هم شرح می دهد که از جمله آثارش همین مسئله معاد است که تحقيق خوبی کرده است نه بر ثبات معاد، بر ضرورت معاد چون معاد چندين بحث دارد.

یکی اینکه معاد جسمانی امکان دارد یا امکان ندارد؟ اگر امکان داشت آیا ضرورت هم دارد که باشد؟ اگر ضرورت داشت، آیا باید اجزای بدن گذشته به قیامت بباید، یا خدا بذنبی را از نو خلق می‌کند؟ مثل غزالی که عقیده‌اش این است، ایشان تحقیق خیلی خوبی که در رساله سبیل الرشاد کرده است از این راه تحقیق کرده است. نفس باید ارتباطی با اجزاء داشته باشد که بباید. نفس از بدن جدا شد، مشکل است دو باره بباید، بعد با کدام بدن پیوسته می‌شود که تناسخ نشود؟ سی پاید سختی با بدن قبلی داشته باشد.

مرحوم خواجه نصیر قائل به اجزای اصلی شده است. اگر بین با آن ها ساختیت دارد، چه ضرورتی دارد که اجزاء بیاید؟ یشان در آنجا اثبات می کند که این ساختیت از اینجا ناشی می شود که وقتی آدم متلاشی شد اجزای واقعی در عالم رها نیستند و دارای حرکت و تبدل هستند و به دلیل عشقی که از اول پیوستگی ای که به روح در این عالم داشتنند دوباره می خواهند خودشان را به این روح برسانند، می گوید که روح طرف اجزاء نمی رود، اجزاء به طرف روح می روند. لذا در قیامت، وقتی که ساعت معین می رسد که دیگر این ها به کمالی که می خواستند، گمشده ای که می خواستند، قابلیت پیدا کردند. به محض اینکه فرمان الهی می رسد، این اجزاء می چسبند، این اجزاء طرف این بدن می روند، نه روح می آید.

فقری بدانیم. انقلاب هر دو محال است. امکانی ذاتی، ممکن نیست به واجب بالذات منقلب شود یا واجب بالذات با ممکن بالذات یکی شود و فقر بالذات هم همین طور است. شیخ الرئیس در تعلیقات می‌گوید: موجودات دو قسم‌اند؛ واجب غنی بالذات و فقیر بالذات. غنی بالذات یکی است؛ ذات اقدس احادیث، ذاتش غنی است و فقر در او راه ندارد ما فقیر بالذات هستیم؛ لذا فقیر بالذات هم نمی‌تواند غنی بالذات باشد. بعد می‌فرمایید که می‌دانید مقصود چیست؟ مقصود این است که عارف، اگر خدا روزی کند به مرحله‌ای برسیم، از همه تعلقات که بگذریم، خود را نبینیم و عدم الاعتبار، غیر از اعتبار الدم است، من خود را نبینم، ولو واقعاً هستم. این خودیت آدم را از خدا دور می‌کند، ظاهراً این جمله هم برای منصور حلاج باشد، می‌گوید خدا یا

بینی و بینک انى ينازعنى فارفع بلفظك انى من البين
نمى كويد بینک و بینى إنى ينازعنى، إنيت که براى من است،
إينى البته من إينى يعني البته، اين البته من خود را ديدن، اين
هیچ وقت نمی گذارد که با خدا پیوسته شویم. این إينى را
باید خدا بردارد يعني الآن تمام هدف ما و شما این است که
در مرحله‌ای قرار بگیریم که این إينى برود. اگر این برود در
توحید فانی می شوی؛ در عین حالی که خودت هستی خود
رانمی بینی، نه اینکه خودیت به واجب منقلب شود. خود را
لحاظ نمی کنیم، توجه به خود نداری، ولی تا زنده‌ایم روح ما
به این بدن تعلق دارد.

تا بود باقی بقایای وجود کی شود صاف از کدر جام شهد
بدن تعلقاتی دارد، روح من هم بدن من را اداره می‌کند،
سلول‌های بدن را روح اداره می‌کند، همه قوای بدن، مراتب
روح و نفس هستند. پس چگونه می‌توان از خود جدا کنیم؟
می‌توانیم نبینیم خود را لاحظ نکنم خودم را و آن آثارش این
می‌شود که دیگر در اجتماع هم دنبال این چیزها نباشم و
شايد هم به مقامی برسد، برایش فرقی نکند، تعریفش کنند،
تعریفش نکنند، پشت سررش حرف بزنند یا جلویش حرف
بزنند، دیگر جوش نمی‌زند. آدم راحت می‌شود. به مقامی
می‌رسد که غصه نمی‌خورد. این است که آن توضیح را
ایشان می‌دهد. من این را به این مناسبت گفتم که لمعات
الهیه کتاب خلی خوبی است، فارسی و خلی قشنگ هست.
اینقدر این مطلب را این مرد بزرگ به هم منسجم کرده و
به قدری با زبان ساده بیان کرده که گمان نمی‌کنم که
الآن به زبان فارسی، بتواند آن طور جمع و جور کند. دریابی
است؛ اما حجم زیادی هم ندارد. کتاب دیگر ایشان، شرح
حدث الحقيقة امیر المؤمنین است. کتاب دیگری که آقا علی



حسن قزوینی که می‌فرمود در درس مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی، آقا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، مرحوم آقای املی، ما چهار تا ممتاز بودیم؛ آقا شیخ محمد تقی، مرحوم میرزا احمد آشتیانی و محمد سنگلنجی؛ سنگلنجی بزرگ، نه این سنگلنجی که اخیر بود.

بعد از میرزا حسن کرمانشاهی، یکی از شاگردان ممتازش مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی که خودش از شاگردان ایشان بوده، آنچه تدریس داشته، ایشان هم مدتی تدریس داشته و زندگی خیلی سخت و حادّی داشته است. بعد از آقا میرزا مهدی آشتیانی، مرحوم آقا حائری تهرانی بود که وقتی ایشان از طرف امام رفتند از طرف آیت الله بروجردی و آقا میرزا کریم حق شناس را موقتاً به جای خودشان آوردند.

آقا میرزا کریم از روی اختیاطی که داشت، به ما گفت که درس فلسفه‌ای بگوییم. یک سال در آنچه فلسفه می‌گفتیم و الان هم فلسفه مشاء بر عهده من است. محیط خیلی خوبی است، من آنچه احساس خستگی نمی‌کنم، عجیب است، مدرسه سپهسالار قدیم که همان باشد. گمان می‌کنم این از انفاس قدسیه حکماء خوبی است که در آنچا بودند.

یکی از حضار: پدر مهمتر بوده یا پسر؟

آیت الله مصطفوی: ایشان خیلی از پدرس تجلیل می‌کند، ولی پسر، کارهای نوی زیادی دارد، و علاوه بر این در خیلی جاها هم در حرفه‌ای پدرس هم اشکالاتی دارد. در مجموع باید نتیجه بگیریم که آقا علی مدرس از پدرس در قسمت جامعیت بالاتر بوده و به ایشان، مدرس و مؤسس هم می‌گویند؛ زیرا در فلسفه و حکمت متعالیه روش خاصی دارد و پیرو مطلق ملاصدرا نیست. قبر آقا علی مدرس (رحمه الله علیه) را در مقبره سابق ناصرالدین شاه دیده بودم که الان مقبره حضرت آیت الله کاشانی شده است. سنگ قبرش هم بود، خیلی مختصر هم نوشته بود، حکیم موسس آقا علی مدرس که فعلاً آن محو شده است که امید دارم اصلاح شود.

والسلام عليکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته. ■

طرفش. تحقیق خیلی خوبی کرده است و در همان رساله سبیل الرشاد مطالعه می‌کردم ایشان بدن ابن بابویه را دیده است، ابن بابویه (رحمه الله علیه) که در حرم حضرت عبدالعظیم است، در زمان فتحعلی شاه سیلی آمد و تمام قبرستان را برداشت و مرحوم ابن بابویه در کفن روی آب است و بدنش هم سالم مانده است. حتی کفنش هم از بین نرفته بود. بعد این تمام شد و آنچه را تعمیر کردند و بدن ایشان را دوباره در سرداد روی تختی خواباندند. آقا علی مدرس از کسانی بوده که زمان محمد شاه اجازه گرفته رفته این بدن را ببیند. می‌نویسد که داخل سرداد رفتم، شیخ را دیدم کانه نائم.

مزیتی که آقا علی مدرس دارد این است که در زمان ایشان تبادل علمی با فلاسفه اروپا شروع شده بود. ایشان بحث‌هایی هم دارد و لو نا تمام و فلاسفه اروپا، فلاسفه غرب از زمان ایشان و ایشان هم در زمان خودش با همه این‌ها در مدرسه سپهسالار قدیم که الان ما به آن مدرسه شهید مطهری می‌گوییم. دو تا سپهسالار داریم، یک سپهسالار داریم، میرزا محمد خان قاجار، که نوه عباس میرزا بوده است، ایشان مدرسه‌ای ساخته در محله تعبیری که در کتاب آمده، عود لاجان و حیات شاهی، این مدرسه را تعمیر کردند. ایشان می‌گوید که آن مدرسه را وقتی ساخت، مدرسانهایی که برای آن مدرسه تدریس کرده‌اند، اول کسی که در آن مدرسه رفت تدریس کرد آقا علی مدرس بود. طبق وقفنامه‌اش که باید در آنچه فلسفه گفته شود و در حقیقت فلسفه ملاک باشد و استادش خوبی باشد در فلسفه و ناظر بر فقه.

آقا علی مدرس می‌نویسد که الان بیست سال است که من در اینچه تدریس می‌کنم و بعد از ایشان حیدرقلی خانی که از قاجار است در آنچه تدریس داشته است. شاهزاده‌های قاجار هم خیلی فلسفه خوانده بودند، مدتی او آنچه تدریس داشته است بعد از حیدرقلی خان، مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی (رحمه الله علیه) آنچه مدرس بود که در محضر درس‌ش علمای زیادی بودند که از آقای املی (رحمه الله علیه) شنیدم از آقا سید



معرفی حکمای حوزه فلسفی تهران (۱) } حکیم آقامحمد رضا قمشه‌ای «وه»

مقدمه

در آستانه برگزاری همایش ملی «حکیم طهران» نکوادشت مرحوم آقا علی مدرس زنوزی (ره) توسط مجتمع عالی حکمت اسلامی، بر آن شدیم که از دومین ویژه نامه‌ی همایش حکیم طهران که در شماره ۲۵ خبرنامه حکمت اسلامی منتشر می‌شود، به معرفی حکمای حوزه فلسفی تهران پردازیم. در این شماره به معرفی حکیم آقا محمد رضا قمشه‌ای (حکیم صهبی) به عنوان یکی از پیشگامان و تاثیرگذاران در حوزه فلسفی تهران خواهیم پرداخت. لازم می‌دانیم از همکاری جناب حجت‌الاسلام والملسمین دکتر محمد رضاپور دبیر کمیته علمی همایش ملی حکیم طهران در تنظیم این مجموعه‌ها، تقدیر و تشکر نمائیم.

زندگینامه:

حکیم آقا محمد رضا قمشه‌ای فرزند شیخ ابوالقاسم در سال ۱۳۴۱ ه.ق. در قمشه‌ی اصفهان متولد شد. پدرش از فضلاه و علماء در قمشه بود. عارف بی‌بدیل حکیم الهی آقا محمد رضا قمشه‌ای از حکمای اربعه تهران است که مدرس عرفانی و حکمی خاص خود را بر مبنای آثار محی‌الدین عربی و شارحانش و مکتب صدرایی تشکیل داده است. وی انتقال دهنده مکتب عرفانی اصفهان به حوزه‌ی تهران بوده، و فتح باب عرفانیات در تهران از وی آغاز شده است. اساتید وی در حکمت و عرفان عبارت بودند از: ۱. حاج محمد جعفر لاهیجی شارح مشاعر؛ ۲. میرزا حسن نوری، فرزند بروم‌مند حکیم ملاعلی نوری؛ ۳. آقسید رضی لاریجانی مازندرانی.



حکیم قمشه‌ای هرگز جامه روسنایی را از تن دور نکرد. مرحوم جهانگیرخان قشقائی که سالها شاگرد او بوده است نقل کرده که به شوق استفاده از محضر حکیم قمشه‌ای به تهران رفت، همان شب اول خود را به محضر او رساندم، وضع لباسهای او علمائی نبود، به کرباس فروشهای شهر می‌مانست.

مرحوم میرزا ابوالفضل تهرانی درباره عارف حکیم آورده است که: «وکان شدید التسلیم لاخبار اهل الیت علیهم السلام کثیر الاقصار علی ظواهرها و کان يعظم الفقهاء و يحبهم و يرجع اليهم و يعون عليهم...»^۱ می‌گویند متقابلاً فقهاء عظام به اهل حکمت و عرفان احترام نهاده از امثال او در بعض موارد که مورد هجمه متعصبين و متحجرین قرار می‌گرفتند، دفاع کرده‌اند. و از مقامات عالی آنان یاد نموده‌اند. ولی به هر حال براساس عوامانه کردن دین توسط برخی از فقهاء به دلیل عدم تتفقه در جامعیت دین؛ حکم به تکفیر حکما و عرفان می‌کرند.

وعده‌ای از فقهاء عظام در دفاع از او آورده‌اند که: شخصی که با مشرب عارفانه، ی وی سر سازگاری نداشته، در ملاء عام به تلخ‌گویی و بی‌حرمتی زبان گشوده، باعث تحریک جماعتی علیه او می‌شود، تا جایی که نزدیک بود کار بالا بگیرد، ولیکن حضور به هنگام یکی از شاهزادگان در آن معركه، باعث متفرق شدن جماعت شد و گرفتار شد و خوشبختانه آسیبی به عارف قمشه‌ای نمی‌رسد.

استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقدمه بر الشواهد الربوبیه، صفحه ۱۲۵ می‌گوید: «... به عقیده حقیر اقامحمد رضا در عرفانیات بعد از اتباع محبی الدین مانند قونوی و قیصری و کاشانی و اتراب آنها مهم‌تر از دیگران و بر جامی و امثال

می‌گویند سلسله اساتیدش به ملاعلی نوری و آقامحمد بیدآبادی و سپس تا ملاصدرا و از وی تا شیخ الرئیس ابن سینا می‌رسد.

آقارضا قمشه‌ای بیشترین استفاده را از عارف بزرگوار آقا سید رضی لاریجانی برد. در مقایسه حاج محمد جعفر لاهیجی (لنگرودی) با آقا سید رضی لاریجانی از آقا محمد رضا قمشه‌ای نقل شده است که: «در اصفهان نزد حاج ملام محمد جعفر لنگرودی شروع به خواندن شرح فصوص

نمودیم و چون لاهیجی اقتدار کامل به تدریس این کتاب نداشت به سراغ آقا سید رضی مازندرانی (لاریجانی) رفتیم و نزد او شروع به قرائت شرح فصوص نمودیم، او از اینکه ما او را بر حکیم لاهیجی ترجیح داده ایم با حالتی نگران گفت: تدریس شرح فصوص کار قلندریست و حاج ملام محمد جعفر حکیم است نه قلندر.» او پس از تحصیل حکمت نزد آقا میرزا حسن نوری^۲ و حاج محمد جعفر لاهیجی، شروع به

تحصیل در عرفان نظری و آثار محتی الدین و صدرالدین قونوی نزد آقا سید رضی لاریجانی می‌کند و پس از استاد برکرسی تدریس عرفان و آثار محتی الدین عربی می‌نشیند.

وی مردی به تمام معنی وارسته و عارف مشرب بود، با خلوت و تنهائی مأнос بود و از جمع تا حدودی گریزان. در جوانی ثروتمند بود، در خشکسالی سال ۱۲۸۸ تمام مایملک منقول و غیر منقول خود را صرف نیازمندان کرد و تا پایان عمر درویشانه زیست.

۱. مقدمه رساله ولایت حکیم قمشه‌ای، ص. ۲.

۲. مقدمه آقای همانی بر کتاب برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان صفحه ۲۱





های حق را و استدلال می‌کند از آثار و عظمت‌های وجود به قدرت خدا. حکما و فلاسفه هم آسمان را و هم زمین را و کیفیت بود آنها را و جهش آنها را هم مشاهده می‌کند و اینکه چگونه هستند و با چه وضعی حرکت می‌کند. این اشاره است به آیه سنریهم آیاتا... آن لهم الحق و این گونه حکماء الهی عالم را بایار و جلوه بار می‌بینند و این سفر اول از اسفرار اربعه عقلیه متضطرر با آن چیزی است که اهل سلوک از اهل الله آن را سفر من الخلق الى الحق فرمایند. و در سفر چهارم فیلسوف در خلق آسمانها و زمین نظر می‌کند و رجوعشان را به الله می‌یابد و بر نفع و ضررشان آگاه می‌شود و سعادت و شقاوت دنیا و آخرت رامی شناسد و لذا نهی از مفاسد و امر به مصالح می‌کند و نظر می‌کند در امر آخرت و حقیقت بهشت و آتش و ثواب و عقاب و صراط و حساب و میزان.»

مرحوم قمشه‌ای (ره) در تشریح سفرهای چهارگانه می‌گوید: سفر معنوی به حسب اعتبار ارباب شهود چهار قسم است:

الف) سفر از خلق به سوی حق

در سفر اول که از خلق و کثرات به سوی حق و وحدت است، سالک تمام حجاب‌های ظلمانی و نورانی که بین او و حقیقت‌ش ازلاً و ابداً وجود دارد، در نوردیده و ادامه این راه را بی حجاب می‌رود. به تعبیر دیگر، در این سفر از مقام نفس در مقام قلب و از مقام قلب در مقام روح و از مقام روح به مقصد اقصا و بهجت کبراً ترقی می‌کند. این همان مقام جنت مُزلفه است که برای اهل تقوا حاصل می‌شود، چنان که خدا در قرآن فرمود: (و از لفت الجنۃ للمتقین غیر بعيد، سوره ق، آیه ۳۱)؛ متین از آسودگی های مقام نفس که حجب ظلمانی اند و هم چنین از انوار قلب و اضوای مقام روح که حجب نورانی اند، رهایی یافته اند، زیرا مقامات کلی انسان سه مقام است و این که گفته شده بین عبد و رب هزار حجاب است، باز گشتن آن به این سه مقام کلی است. بنابر این، چون سالک بر اثر رفع آن حجاب ها به مقصد رسید، جمال حق را مشاهده می‌کند و ذات خودش را در حق فانی می‌بیند و سلطان (فاینما تولوا فشم وجه الله، ان الله واسع عليم، سوره بقره، آیه ۱۱۵) در او ظهر می‌کند. چون سالک ذاتش را در حق تعالی فانی کرده است، سفر اول او به انتهای می‌رسد و وجودش، وجود حقانی می‌شود، محبو بر او عارض شده و شطح از او صادر می‌شود و هر گاه عنایت الهی او در

او ترجیح دارد و نمونه‌ای از قدما و محققان در عرفان و از حیث جامعیت در مراتب علوم الهیه از حکمت مشاء و اشراق و فن تصوف بر اتباع بزرگ محبی‌الدین ترجیح دارد و از بزرگان اهل کشف و شهود به شمار می‌رود. در سلوک و مقامات شهود و مراتب کشف سرگذشتی حیرت‌انگیز داشته و در عرفانیات اهل نظر و تحقیق است و صرفاً مقرر کلمات عرفانی است.»

پس از هجرت آقا محمد رضا از اصفهان به تهران، در واقعه می‌توان گفت که مکتب عرفانی اصفهان از دو طریق به حوزه‌ی تهران منتقل می‌شود، یکی از طریق آقا سید رضی که فضل تقدم و استادی بر شاگرد دارد و دیگری عارف حکیم آقای محمد رضا قمشه‌ای است. آقای محمد رضا قمشه‌ای تا سن شصت و دو سالگی در اصفهان مشغول تدریس حکمت متعالیه و عرفان بود و از آخرين بازماندان سلسه اساتيد حکمت و عرفان در مکتب اصفهان شمرده می‌شود.

آثار

از آیت الله محمد رضا قمشه‌ای آثار زیادی به جا مانده است، برخی از تألیفات ایشان عبارتند از:

۱. رساله ولایت:

رساله ای است ذیل فص شیشی فصوص الحكم؛ در این خصوص استاد آشتیانی روایت می‌کند که: «در فص شیشی در بحث «ولایت» و تقسیم آن به ولایت مطلقه و مقیده، استاد زمان خود، آقا محمد رضا- در رساله جداگانه - به ایراد مناقشه و اشکالات عمیق و دقیق بر کلمات شارح در مسئله ختم ولایت پرداخته و اثبات کرده است که: خاتم ولایت مطلقه آدم الاولیاء، علی بن ابی طالب، است، و دیگر اولیائی محمدیین. ولایت وارثان ولایت محمدیه موهوبی است، مانند اصل نبوت مطلقه و صاحبان مقام و مرتبه نبوت، نبوت آنها موهوبی است و آنان بی نیاز از معلم بشری هستند.

۲. رساله موضوع الخلافة الكبرى

۳. رساله در شرح حدیث زندیق

۴. رساله فی الفرق بین الاسماء الذات و الصفات

۵. رساله در شرح اسفرار اربعه

۶. رساله در موضوع علم

۷. حواشی بر اسفرار :

وی در ذیل مقدمه اسفرار می‌نویسد: «فلسفه و حکماء راسخون نظر می‌کنند در آفاق و انفس، می‌بینند نشانه



از ذات، صفات و افعال حق خبر می‌دهد که نبی نامیده می‌شود، احکام و شرایع را از نبی مطلق می‌گیرد و تابع اوی می‌شود. در این هنگام سفر سوم او پایان می‌پذیرد. سفر چهارم را شروع می‌کند.

(د) سفر از خلق به سوی خلق به حق

سالک در این سفر، خلابیق و آثار و لوازمشان را مشاهده می‌کند، منافع و مضارشان را در عاجل و آجل (دنیا و آخرت)، رجوعشان را الی الله و کیفیت رجوع و آن چه مانع و عائق و داعیشان است، می‌داند. پس به نبوت تشریعی، نبی می‌شود و به آن چه سعادت و شقاوتشان بدان است خبر می‌دهد. در این مرحله همانند مراحل گذشته، همه امور بالحق است، چرا که وجودش حقانی است و التفاوتش به خلق او را از توجه به حق باز نمی‌دارد. امام خمینی(ره) در رساله «مصابح الهادیة الـ الخلافة والولایة» در هنگام نقل اسفار اربعه به تقریر آقامحمد رضا می‌فرماید: «عارف کامل شیخ مشایخ ما...»

۸. تعلیقات بر شواهد الربوبیه

۹. رساله در تحقیق معانی جوهر در لسان اهل الله

۱۰. حواشی بر فض محمدی و فص نوحی و فصوص دیگر

۱۱. حواشی بر کتاب تمہید القواعد ابن ترکه

۱۲. حواشی بر مفتاح قونوی

۱۳. رساله وحدة الوجود

۱۴. دیوان اشعار با تخلیص صهبا

۱۵. رساله فی الرد علی الاعتراض علی دلیل امتناع امتزاع مفهوم واحد من الحقائق المختلفة (نسخه خطی کتابخانه مرکزی مجموعه ۵۲۴۸)

۱۶. رساله فی جوابیه در شرح فقره «اللهم انی استلک مین بهائک با بهائک و کل بهائک بهی.

وی شعر می‌سرود و تخلص صهبا داشت. غزلیات وی در یادداشت‌های شاگردانش دیده شده، اشعار او بیشتر سبک عراقی داشت و تعداد کمی از آن به جا مانده است. نمونه ای از شعر او چنین است:

هوای باغ، فرح بخش و بوی گل نیکوست

ولیک خار بود به چشم طالب دوست

مرا مخوان به تماسای باغ و سیر چمن

کدام سرو به بالای دوست بر لب جوست

یابد، محو او زایل شده و صحیح شامل او می‌شود و به عبودیت خود و رویت حق اقرار می‌کند.

(ب) سفر از حق به سوی حق به حق

وقتی سفر اول به نهایت رسید، سالک شروع به سفر دوم می‌کند، و آن سفر از حق به سوی حق به حق است. مقصود از به حق این است که سالک در سفر اول، ولی شده وجودش وجود حقانی می‌شود، لذا در سفر اول قید به حق وجود نداشت و تنها سفر من الخلق الی الحق بود، لکن چون در سفر اول وجود حقانی کسب کرده، در سفرهای سه گانه بعدی مقید به قید حق شده است. در این سفر، سلوک از موقف ذات به سوی کمالات واجبیه، یکی پس از دیگری شروع می‌شود تا این که جمیع آن کمالات را مشاهده کند و همه اسماء را بداند، جز اسمای مستاءره در نزد حق سیحانه را که علم آن مخصوص ذات حق است. پس سالک در این مقام به ولايت تمام نایل شده و ذات، صفات و افعال او در ذات، صفات و افعال حق فانی می‌شود، پس به حق می‌شود و به حق می‌بیند و به حق راه می‌رود و به حق حرکت می‌کند.

باید توجه داشت که از مقامات هفت گانه سالک (مقام نفس، قلب، عقل، روح، سر، خفی و مقام اخفی) مقام سر، فنای ذات سالک در ذات باری، مقام خفی، فنای صفات و افعال اوست در صفات و افعال باری و مقام اخفی، فنای فنایت اوست. به عبارت دیگر، سر فنا در ذات است که منتهای سفر اول و مبدأ سفر دوم است. خفا نیز فنای ذر الوهیت است که مقام اسماء و صفات است. لذا فرمود: لا الله الا الله وحده، وحده و اخفی فنا از آن دو فنایست، پس دایره ولايت تمام شده، سفر ثانی به انتهای رسید، فنایش منقطع می‌شود و سفر سوم را شروع می‌کند.

(ج) سفر از حق به سوی خلق به حق

مقصود از کلمه بالحق همان است که در سفر دوم گفته شد. سالک در این سفر از این موقف که من الحق است در مراتب افعال، سلوک می‌کند، محوش زایل می‌شود و صحیح تام برایش به دست می‌آید، به بقای الله باقی مانده و در عوالم جبروت، ملکوت و ناسوت سفر می‌کند. همه عوالم را به اعیان و حظی لوازمشان مشاهده می‌کند و برایش حظی از نبوت حاصل می‌شود. بنابراین، معارفی



حیدرخان نهادوندی، میرزا ابوالفضل کلانتر تهرانی، میرزا سید حسین رضوی قمی، شیخ محمود بروجردی، میرزا محمود قمی، حکیم ملامحمد سمنانی و ملاعلی سمنانی، عنقاء طالقانی، شیخ غلامعلی شیرازی، میرزا نصر الله قمشه‌ای، شیخ آفاحسین نجم‌آبادی تهرانی، میرزا جعفر آشتیانی، میرزا محمدطاهر تنکابنی و میرزا عبدالغفار تویسرکانی از آن جمله‌اند.^۵

از مرحوم آقا میرشهاب الدین نیریزی از تلامیذ آن جناب نقل شده که آقا محمدرضا علاوه بر تدریس آثار ملاصدرا حوزه درسی در تفسیر قرآن مجید داشت که خواص از تلامیذ او در درس تفسیرش حضور می‌یافتد.^۶

همچنین استاد آشتیانی از مرحوم میرزا مهدی آشتیانی نقل می‌کند: مرحوم آقا محمدرضا خود شخصی اهل ذوق بود و هنگام تدریس عرفان حال خاصی پیدا می‌کرد و گفته‌اند در این موقع زیبایی و گیرایی بیان او به حدی می‌رسید که مستمعان مستعد را از خود بی‌خود می‌کرد.

■ رحلت

صاحب المأثر و الآثار ضمن بیان کرامتی در وقت وفات عارف قمشه‌ای آورد که: «امسال که یکهزار و سیصد و شش هجری است در دارالخلافة [تهران] وفات یافت. نزدیک نزع با خواص خود گفته بود که آیا اسب سفیدی را که حضرت صاحب (ع) برای سواری من فرستاده اند دیدید؟» وفات حاج ملاعلی مجتهد معروف به کنی و آقا محمدرضا در یک شب بود. اما اگر در وفات ملاعلی کنی تمام عالم شیعه عزاداری کردن و تعطیل عمومی شد، در تشییع جنازه آقا محمدرضا فقط چند نفر مثل مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه حضور داشتند. «مدفن او را صاحب الطائق در ابن بابویه نزدیک حاج آخوند محلاتی ذکر می‌کند. ولی مدفن اصلی اش را سر قبر آقا - امام جمعه تهران - به ایوان سنگی کوچکی دانند که به علت خیابان کشی در آن محل، استخوانهای آقا محمدرضا را به از آنجا ابن بابویه برده دفن کرده اند. روحش شاد.■

۵. رجوع شود به نقایل البیش صفحه ۷۳۳ و ۶۹۰ و ۱۱۸۵ و ۶۹۰ و به مقدمه رساله مرحوم حکیم قمشه‌ای در باب ولایت و خلافت کبری که حاشیه‌ای بر فض شیئی فضوص الحکم محی الدین است ص.^۲

۶. آشتیانی، سید جلال الدین، مقدمه مصباح الهدایه الى الخلافة والولایة، ص.^{۳۷}.

هوا در آن خم گیسو مگر مداخله یافت
که باد عطرفشنان و نسیم غالیه بوست
بیا که می‌به گلستان خوریم و غم مخوریم
که یار در بر و گل در کنار می‌به سبوست
بهشت عدن به مینای می‌توان داد
کنون که دامن کهنسار عرصه مینوست
مجال نیست مرا بی‌تودر جهان فراغ
بدان صفت که نگنجد دو مغز در یک پوست
طريق عشق نکویان به سر از آن پویم
که دل فتاده به چوگان زلف او چون گوست
کمر چوست به قتلم میان اهل نظر
به کس نگشت میین که آن میان یا موست
بدان خدای هزاران درود باید گفت
که همچو تو صنمی آیت خدایی اوست
هزار بار بگفتم که دل مده «صهبا»
بدست یار پریوش که خوبرو و بدخوست

همچنین در یک رباعی می‌گوید:
در عالم عشق کوچهان دگر است
ارض دگر است و آسمان دگر است
هر قافله را راه بدین بادیه نیست
این بادیه را راهروان دگر است^۴

■ شاگردان

حکیم قمشه‌ای شاگردان بسیاری تربیت کرد. آقا میرزا هاشم اشکوری اشتبه، آقا میرزا حسن کرامشاهی، آقا میرزا شهاب نیریزی، جهانگیرخان قشلاقی، آخوند ملامحمد کاشی اصفهانی، میرزا علی اکبر بزدی مقیم قم، شیخ علی نوری مدرس مدرس مروی معروف به شیخ علی شوارق، شهید میرزا محمدباقر حکیم و مجتهد اصطهباناتی مقیم نجف و شهید در مشروطیت و مدفون در اصطهبانات، حکیم صفای اصفهانی شاعر عارف معروف و برادرش حکیم آقا میرزا علی محمد اصفهانی، شیخ عبدالله رشتی ریاضی، شیخ

۴. مجموعه آثار حکیم صهبا، ص ۲۵۷ - ۲۵۹.



محورهای فراخوان مقاله همایش ملی حکیم طهران

الف) شخصیت‌شناسی حکیم طهران

شخصیت علمی

- ▣ زیستنامه، اساتید و شاگردان حکیم طهران؛
- ▣ ابعاد عقلی و نقلی و نوآوری‌های علمی آقایی مدرس (توصیفی)؛
- ▣ جایگاه علمی آقا علی در مقایسه با حکماء معاصرش (آقامحمد رضا قمشه‌ای، حکیم سبزواری، میرزا جلوه و...)؛
- ▣ بازخوانی پژوهش‌ها و آنچه درباره احوال و آراء آقایی مدرس انجام پذیرفته؛
- ▣ روش‌شناسی فکری فلسفی حکیم طهران؛
- ▣ جایگاه حکیم طهران در حکمت متعالیه.

شخصیت اخلاقی

- ▣ سیره اخلاقی و معنوی آقایی مدرس؛
- ▣ آقایی مدرس به روایت دیگران.

شخصیت اجتماعی-سیاسی

- ▣ جایگاه اجتماعی-سیاسی حکیم طهران و والد معظم وی؛
- ▣ منش سیاسی آقایی مدرس و معاصران وی؛
- ▣ سلوک و تعامل آقایی مدرس با فقیهان؛
- ▣ مواجهه حکیم طهران با جریان‌های فکری معاصرش.

ب) معرفی حوزه حکمتی طهران

- ▣ زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شکل‌گیری حوزه حکمتی تهران؛

- ▣ ابعاد و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی حوزه حکمتی تهران؛
- ▣ جامعیت حوزه حکمتی تهران در قرون ۱۳ و ۱۴؛
- ▣ شکل‌گیری تاریخی گفتگو میان فلسفه اسلامی و فلسفه غرب در حوزه حکمتی تهران و پیامدهای آن؛
- ▣ نشر آثار فلسفی و عرفانی در قرون ۱۳ و ۱۴؛
- ▣ اساتید طبقه نخست حوزه حکمتی تهران: ملاعبدالله زنوزی، آقا علی مدرس زنوزی، میرزا جلوه، آقامحمد رضا قمشه‌ای، میرزا حسین سبزواری؛
- ▣ اساتید طبقه دوم حوزه حکمتی تهران: شیخ عبدالنبی نوری، ملامحمد آملی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا هاشم اشکوری، میرزا طاهر تنکابنی، میرشهاب الدین نیریزی، میرزا محمود قمی، میرزا علی اکبر حکیم یزدی، ملااظر علی طالقانی و...؛
- ▣ اساتید طبقه سوم: میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، میرزا احمد و میرزا مهدی آشتیانی، سید کاظم عصار، میرزا محمود آشتیانی، شیخ محمدتقی آملی، شیخ محمدحسین فاضل تونی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، سیدحسین بادکوبه‌ای، آقبزرگ حکیم شهیدی، شیخ اسدالله یزدی، حاج فاضل رازی، میرزا ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و...؛
- ▣ تعامل میان اساتید حکمت تهران و فقهاء؛
- ▣ مدارس تهران و وضعیت تدریس حکمت و عرفان در آنها (گذشته و حال)؛
- ▣ امتداد و تأثیر اندیشه حکیمان تهران در حوزه‌های نجف، قم، مشهد و...؛
- ▣ سیره سیاسی اجتماعی حکم‌گاران، اندیشمندان و روشنفکران



- آقای حکیم آغازگر فلسفه تطبیقی؛
- وجود رابط، ساختارگرایی و پساختارگرایی؛
- تأثیر آراء حکیم طهران در اندیشه‌های اصولی محقق اصفهانی و دیگران؛
- نقد و بررسی انتقادات مرحوم شیخ محمد صالح مازندرانی بر بدایع الحکم.

ه) بررسی آثار مرحوم حکیم مؤسس

- بدایع الحکم
- تعلیقات الاسفار (شامل تعلیقه‌های مفصل بر العلة والمعلوم و نفس و تعلیقات بر حواشی حکیم سبزواری ملا احمد اردکانی و...)
- تعلیقات علی حواشی صدرالمتألهین علی الهیات الشفاء
- تعلیقات علی حواشی صدرالمتألهین علی شرح حکمة الاشراق
- تعلیقات شرح الهدایة الانیریه
- تعلیقات بر لمعات الہیه
- تعلیقة واحده علی الحواشی الجمالیه علی الحواشی الخفریه علی شرح القوشجی علی التجرید
- تعلیقات علی حواشی الفیاض الالهیجی علی شرح الاشارات
- تعلیقات علی حواشی والده علی حواشی الفیاض الالهیجی علی شرح القوشجی علی التجرید
- تعلیقة علی حاشیة رسالت سرّ القدر
- رسالته تاریخ حکما
- تعلیقات شوارق الالهام
- تعلیقات الشواهد الروبییه
- رسالته فی احکام الوجود والماهیة
- رسالته حقیقتہ محمدیہ
- رسالتہ سبیل الرشاد فی اثبات المعاد
- رسالتہ فی مباحث الحمل
- رسالتہ فی التوحید
- رسالتہ فی الوجود الرابط
- رسالتہ وحدت وجود صوفیہ
- رسالتہ فوائد
- تعلیقات بر رسالتة القواعد الفقهیہ میرزا محمد حسن آشتیانی
- برخی تقریض‌ها و بقایای آثار مفقود

- تهران در دو سده اخیر؛
- سیاست و جامعه در اندیشه حکمت پژوهان تهران؛
- آسیب‌شناسی حوزه فلسفی عرفانی تهران (آسیب‌شناسی نظری و عملی)؛
- نقش حکمت پژوهان تهران در تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نوین.

ج) تحلیل آراء و اندیشه‌های حکیم طهران

- تبیین وحدت تشکیکی و شخصی وجود؛
- استفاده و الهام‌گیری از آیات و روایات در آراء و اندیشه‌های فلسفی؛
- تفاسیر ناصواب وحدت شخصی وجود از منظر آقای علی؛
- برهان صدیقین به تقریر حکیم مؤسس؛
- وجود رابط و رابطی در اندیشه آقای علی مدرس؛
- اقسام حمل از منظر آقای علی مدرس و تأثیر آن در مباحث حکمی؛
- ذات و ذاتی در فلسفه و موارد کاربرد آنها؛
- آقای علی مدرس و تبیین اصالت وجود و طرح برخی براهین جدید؛
- آقای علی مدرس و تبیین بساطت وجود و ادله آن؛
- سلب تحصیلی فقر ممکنات و نتایج آن؛
- تشبیه و تنزیه از منظر حکیم مؤسس؛
- معاد جسمانی از دیدگاه حکیم مؤسس.

د) مباحث تطبیقی و مقایسه‌ای

- وجود لایشرط و بشرط لایزنگاگ آقای علی مدرس و آقامحمد رضا قمشه‌ای؛
- مقایسه میان تعلیقات دو حکیم معاصر (سبزواری و زنوزی) بر اسفرار؛
- رابطه نفس و بدن از منظر حکیم طهران و صدرالمتألهین؛
- تصویر معاد جسمانی از منظر حکیم صدرالمتألهین و حکیم طهران؛
- وجود رابط و رابطی در اندیشه حکیم سبزواری و سایر اساطین حکمت (ملا اسماعیل درب کوشکی، ملا احمد اردکانی، ملام مصطفی قمشه‌ای و ملام محمد جعفر لاهیجی) و نقدهای حکیم مؤسس بر آنها؛
- وجود محمولی از منظر کانت و آقای علی مدرس؛
- هیلیات بسیطه و مرکبه از منظر حکمای مکتب شیراز (دوانی و سید سند) و حکیم طهران؛
- مقایسه میان آراء ملا احمد اردکانی و آقای علی مدرس در تعلیقات اسفرار؛



چگونگی تدوین و دریافت مقاله

- - ضروری است خلاصه مقاله حداکثر ۳۰۰ کلمه و اصل مقاله حداکثر ۶۰۰۰ کلمه (۲۰ صفحه)
 - - کلمه‌ای) باشد.
 - - خلاصه مقاله و اصل آن در محیط WORD با فونت Times New roman یا Lotus با تایپ شود.
 - - ضروری است که همراه خلاصه مقاله، شرح حال علمی نویسنده (CV) نیز ضمیمه باشد.
 - - خلاصه مقالات ارسالی و اصل آن‌ها پس از داوری و گرینش جهت ارائه، چاپ و یا هر دو رتبه‌بندی خواهد شد.
 - - مقاماتی که در این محورها و موارد مرتبط با اندیشه‌های حکیم طهران باشد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
 - - مضمون مقاله نباید قبلاً در جایی چاپ شده باشد.
 - - خلاصه مقاله حداکثر تا تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۹۲ و اصل آن تا ۱۵ بهمن ۱۳۹۲ به دیرخانه همایش به آدرس الکترونیکی ذیل ارسال گردد:

info@hakim-tehran.com
hamayesh@hekmateislami.com

علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به پایگاه اطلاع‌رسانی همایش ملی حکیم طهران (www.hakim-tehran.com) و یا به پایگاه اطلاع‌رسانی همایش ملی عالی (www.hekmateislami.com) و یا به دبیرخانه همایش ملی  واقع در قم، دفتر مجمع عالی حکمت اسلامی مراجعه و یا با شماره ۰۱۱-۷۶۱۰-۵۷۸۷-۳۷۷۲۱۰۰۴ تتماس حاصل نمایند.



پیشگفتار با همکاری:

